



دانشگاه فرهنگستان
سازمان پژوهش‌های آموزشی
مركز نشریات و مطبوعات آموزشی

۴

معلم

رشد

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزش و پرورش
دوره سی و هفتم - دی ۱۳۹۷ - شماره پیدرپی ۳۱۸ - ۴ صفحه - ۱۵۰۰۰ ریال



رشد حرفه‌ای معلمان

رشد حرفه‌ای
معلمان

تفکر
خلاق



جلوتر از
بخش‌نامه‌ها



امضا:
معلم ریاضی



ISSN: 1666-9129
www.roshdmag.ir



مهر روزی پیامبرانه

سعیده اصلاحی

شناخت علاقه‌ها و استعداد هر دانش آموز به معلم امکان می‌دهد با ایجاد انگیزه و فراهم آوردن شرایط مناسب برای کسب تجربه‌های علمی، تا رسیدن به اهداف نهایی، او را متعهدانه یاری کند. آگاهی یافتن از روابط بین فردی و انتخاب رفتار درست، جریان ارتباط ما با دیگران را تسهیل می‌کند و فرایندی رشدیابنده است. اگر دانش آموز در روزهای آغازین سال تحصیلی در دبستان از فرصت‌های یادگیری مناسب و حمایت معلم و اطرافیان برخوردار باشد، درک او از دنیای پیرامونش افزایش می‌یابد و به کشف نگرش‌ها و ارزش‌های تازه می‌پردازد و راه‌های جدیدی برای پیشرفت خود پیدا می‌کند.

به این ترتیب، با شرکت در گفت‌وگوهای خلاق و فعالیت‌های گروهی، آرام آرام از مرحله وابستگی به استقلال خواهد رسید. معلم با برقراری رابطه‌ای عمیق‌تر و پرمعنا با دانش آموزان، در واقع جمله «دوستت دارم» را در عمل ثابت می‌کند و به آنان خواهد فهماند که ضعف‌هایشان را تحمل می‌کند و ناتوانی‌شان در آموختن، از توجه و محبت او نسبت به آنان نمی‌کاهد. و صمیمانه‌تر اینکه:

معلم عزیز، تو یک نفر هستی و یک نفر به تنهایی قادر نیست تمام نارسایی‌ها و ایرادهای موجود در سازه کهنسال آموزش و پرورش را بازسازی و ترمیم کند.

اما می‌توانی «رود» باشی....

رودی که آرام آرام تلاش می‌کند از میان سنگلاخ‌ها راهی به سمت دریا باز کند.

پس به سنگینی و سختی صخره‌های مقابلهت فکر نکن، فقط:

- مؤمنانه تصمیم بگیر

- صبورانه آغاز کن

- و پیامبرانه دست از تلاش برندار.

درونت به تأیید حق شاد باد

دل و دین و اقلیمت آباد باد

فیما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك.

ای پیامبر، به برکت رحمت الهی در برابر مردم نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. (آل عمران، آیه ۱۵۹)

معلم عزیز

تک‌تک دانش‌آموزانت را فرزند خود بدان و از ته دل دوستشان بدار و حمایتشان کن.

وقتی آنان اطمینان پیدا کنند که حتی اگر در نوشتن و خواندن ضعیف باشند، اخم نخواهی کرد و همچنان دوستشان خواهی داشت، با تکیه بر مهرت، کتاب را باز می‌کنند، قلم را به دست می‌گیرند و با اعتماد به نفس تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن، سهم بیشتری از لیخندت را تصاحب کنند.

یکی از بخش‌های جدی اخلاق اجتماعی، نفوذ در دیگران و جلب اعتماد آن‌هاست که بحثی بسیار دامنه‌دار و سرشار از ریزه‌کاری‌های روانی است و حتی رهبران فکری جامعه نیز بدون آن نمی‌توانند به اهداف تربیتی خود دست یابند.

معلم هر قدر با فضیلت و دانشمند و آگاه به امور تدریس روز باشد، باید راه‌های نفوذ در دانش‌آموزانش را بشناسد و آرام و با دقت به زاویه‌های پیدا و پنهان روح و جان آن‌ها نفوذ کند.

صمیمیت آگاهانه و عواطف مادرانه و پدرانه معلم می‌تواند نیروی عظیم اعتماد به نفس را تقویت کند و جامعه کوچک کلاس را برای رسیدن به اهداف عالی، آماده حرکت و رهبری کند.

در مقابل باید گفت، ناامنی عاطفی و تنش ناشی از آن سبب ایجاد لطمه‌های جدی روانی می‌شود که به صورت مستقیم بر یادگیری دانش آموز تأثیر خواهد گذاشت و در نهایت به ناسازگاری خواهد انجامید که نتیجه ضعف در شیوه راهنمایی و هدایت است.

- به سوی رشد حرفه‌ای معلمان / ۲
- امضا: معلم ریاضی / زهرا صنعتگران ۳
- دانش آموز باید ارزشیاب خود باشد! / نرگس سجادیه ۶
- تجسم قوی نشانه‌های هوش دیداری - فضایی / محمد نیرو و مسعود غفاری شریف ۸
- معلم و تربیت جنسی / محمدرضا حشمتی ۱۱
- کالبدشکافی آزار / زهرا رهرو ۱۴
- تربیت جنسی در مدرسه‌های آلمان / زهرا حاجی‌آخوندی ۱۸
- سه طرح برای دهه فجر / بهاره میرزاپور ۱۹
- تغییر الگوی ذهنی / لیلی محمدحسین ۲۲
- شعر / ۲۴
- چرا مقاله بخوانیم؟ / جعفر ربانی ۲۴
- هفت کلید گنج یادگیری! / رویا صدر ۲۸
- یادگیری از موفقیت‌ها / شقایق بهرامی ۳۰
- شور و شیرین یک جشنواره / علی حسابی نامقی ۳۲
- جزای مزاحم / حسین عاملی ۳۳
- دو داستان کوچک از دو نویسنده بزرگ / ۳۴
- جلوتر از بخش‌نامه‌ها / سعیده باقری ۳۶
- فارسی پنجم در هفت‌گام / حمیدرضا خداوردی ۳۸
- دانش فراشناختی / نیره شاه‌محمدی ۴۰
- تکلیف را برعکس بنویسید! / حسین سعیدی ۴۱
- از ادبیات متنفرم / زری آقاجانی ۴۲
- تفکر خلاق / زهرا سادات تقوی ۴۴
- روزنگار / ۴۶
- نتایج دومین جشن خاطره‌ها / ۴۸

- سیر تحول گروه‌های آموزشی / دکتر جعفر زنجانی ۵۰
- گروه‌های آموزشی و رشد حرفه‌ای معلمان / ۵۱
- توانمندسازی معلمان ضمن خدمت / ابراهیم آرزو ۵۲
- انجمن معلمان زنده / زهرا صنعتگران ۵۴
- ذهن بی حصار و ساختار بی دیوار / حسن نادعلی‌پور ۵۶
- الگوی ظریف / سعیده باقری ۵۸
- دستاوردهای درس پژوهی / بهارک طالبلو ۶۰
- اخلاق، روح درس پژوهی / محمدرضا حشمتی ۶۳

پرونده رشد حرفه‌ای معلمان



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری
شورای سردبیری: محمدرضا حشمتی،
سعیده باقری
شورای برنامه‌ریزی:
نصرا!، دادار، بهارک طالبلو
اشرف‌السادات فاطمی، لیلی محمدحسین
منصور ملک‌عباسی، فرزانه نوراللهی
کارشناس بخش شعر: سعید بیابانکی
کارشناس بخش داستان: داوود غفارزادگان
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: سید جعفر ذهنی
دبیر پرونده رشد حرفه‌ای معلمان:
اشرف‌السادات فاطمی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۵۲۰
roshdmag:
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام‌نگار: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
فکس: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
شمارگان: ۲۳۰۰۰ نسخه
عکس روی جلد از بهرام شمسی‌پور
چاپ و توزیع: شرکت افست

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی همخوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● حجم مطالب ارسالی حداکثر ۱۰۰۰ کلمه باشد. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم می‌پذیرد. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. ● مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



به سوی رشد حرفه‌ای معلمان

اصل و ذات معلمی زمینه‌سازی برای رشد دانش‌آموزان و راهنمایی آن‌ها در پیمودن این مسیر است. شاید فلسفه اصلی به‌وجود آمدن مدرسه و کلاس درس این باشد که ما معلمان در قالب «برنامه درسی» مفاهیم متناسب رشد دانش‌آموزان را به آن‌ها ارائه دهیم. تدریس به این معناست که من معلم مفاهیم برنامه درسی را به دانش‌آموزان ارائه دهم تا او بهتر از پیش این مفاهیم را درک کند. برای مثال، من با خواندن یک کتاب درباره «یادگیری معکوس» آگاهی پیدا می‌کنم، اما وقتی در «کارگاه کلاس معکوس» شرکت می‌کنم، مدرس دوره، با روش‌های متنوع، با موضوع درگیر و زمینه‌های فهم بهتر را برایم ایجاد می‌کند. پس ما معلمان در تلاش هستیم با روش‌هایی که با ویژگی‌های سنی دانش‌آموزان تناسب دارند، مطالب را به نحو شایسته ارائه کنیم. به همین دلیل است که معلم خود نیز «یادگیرنده» و «جست‌وجوگر» است؛ جست‌وجو برای آگاهی و آشنایی بیشتر با راه رشد «خود» به منظور ارائه مطلوب‌تر و مناسب‌تر به دانش‌آموزان، تا وظیفه اخلاقی و حرفه‌ای خود را به بهترین صورت انجام دهد. از این‌روست که آموزش ضمن خدمت نیز باید در خدمت رشد حرفه‌ای معلم، براساس آنچه گفتیم، باشد.

متأسفانه گاهی ساختارها و ساز و کارهایی که برای رشد حرفه‌ای ما معلمان در نظر گرفته می‌شوند، چنان پیچیده و گرفتار امور اداری هستند که در آن‌ها هدف اصلی به هدف فرعی تبدیل می‌شود و ما (معلمان) باید به دنبال رعایت خواسته‌های اداری - که هیچ ارتباطی هم با رشد ما ندارند - باشیم. اینجاست که فرمان‌ها و دستورات عوامل اجرایی باعث خستگی و دلزدگی می‌شوند و ما نیز ناخواسته هدف اصلی را فراموش می‌کنیم. نمونه این نوع فعالیت «درس پژوهی» است. هدف اصلی درس پژوهی این است که ما به کمک این روش، موانع یادگیری دانش‌آموزان را (به کمک همکارانی که در تدوین شیوه تدریس برنامه درسی مشارکت داشته‌اند و در حال ارائه برنامه درسی در کلاس شاهد و ناظر ما هستند)، شناسایی کنیم و با هم‌اندیشی و گفت‌وگو با یکدیگر، راه‌های بهتر رشد دانش‌آموزان را بشناسیم و به یکدیگر گوشزد کنیم. ما به این دلیل به رشد حرفه‌ای نیاز داریم که بهتر بتوانیم مددکار فرزندان سرزمینمان برای زندگی سالم‌تر باشیم. بر این اساس، رشد حرفه‌ای را برای خود وظیفه‌ای مهم می‌دانیم.

در پرونده این شماره از مجله، از ابعاد گوناگون، درباره چگونگی تحقق این امر مهم می‌خوانیم. امیدواریم شما نیز تجربه‌های دوست‌داشتنی خود را در این زمینه برای ما روایت کنید.



امضا: معلم ریاضی

پای صحبت
دکتر علی رجالی
استاد دانشگاه
صنعتی اصفهان

زهر اصنعگران

عکاس: عدید فیروزی



برای معلم شدن، به جز توان آموزش و علاقه‌مندی، به چه چیزهایی نیاز داریم؟ معلمان خوب ما در چه بستری به معلمانی تبدیل شدند که کوچک‌ترین شباهتی به ما ندارند؟ چطور از پس خستگی‌هایمان برآییم؟ چرا سراغ شغل دیگری نرویم؟ آیا اصلاً تقصیر ماست که حال این روزهای آموزش و پرورش خوب نیست؟ چه باید بکنیم؟

در بخش دیگری از همین مجله، مصاحبه دکتر علی رجالی را آورده‌ایم؛ یک استاد ریاضی که در مجمع معلمان شیراز به او لقب معلم ریاضی داده‌اند. شما می‌توانید برای بررسی تحلیل چند متغیره موفقیت این معلم ریاضی به صفحه ۵۴ مراجعه کنید. با این حال، سوای از معلم ریاضی بودن، بد نیست بدانیم چرا یک نفر با اینکه می‌تواند استاد دانشگاه باشد، در همه امضاهايش با افتخار خود را «معلم ریاضی» معرفی می‌کند؟

اگر معلمی تازه‌کار یا کارکننده باشید و حتی اگر معلم نباشید! مرور تاریخی که بر «معلم» گذشته است، برای شما جالب خواهد بود. دکتر رجالی این تاریخ را زندگی کرده است. با هم به سراغ کشف مفهومی می‌رویم که به شغل ما تبدیل شده است؛ شاید ریشه همه تغییرات در «فهم» همین یک کلمه باشد!

مدرسه‌های دیروز... مدرسه‌های امروز!

محیط کلاس یاد می‌گرفتیم. این روزها دانش‌آموز خوب را از دیگران جدا می‌کنند و در مدرسه خاص می‌گذارند. متأسفانه ما از دبستان تا دانشگاه ریل چیده‌ایم و یادگیری را فدای رقابت و سرعت و کمیت کرده‌ایم. تحصیل برای ثروتمندان شده و همه می‌خواهند «فقط خودشان» از همه بهتر باشند. اگر دانش‌آموز ۱۹/۵ بگیرد گریه می‌کند، در حالی که معدل شاگرد اول‌های زمان ما ۱۶-۱۷ بود. اهمیت دادن به تست و نمره آفت سیستم آموزشی ماست.

این روزها ما درس می‌دهیم برای آزمون، نه برای آموزش. این بدترین شیوه آموزشی است. نه فقط برای کنکور، بلکه برای

کارگروهی از دبستان شروع می‌شود. بزرگ‌ترین حسن مدرسه‌های زمان ما این بود که دانش‌آموزان قوی و ضعیف جدا از هم نمی‌نشستند. اگر همکاری مشترک را به بچه‌ها یاد داده باشیم، خودشان راه و محل کار کردن را پیدا می‌کنند. یادم می‌آید، وقتی دانش‌آموز بودم، با چند نفر دیگر کمک معلم بودیم. معلم از ما درس پرسید و جواب دادیم، از بقیه پرسید و بلد نبودند. معلم ما را چوب زد، چون نتوانسته بودیم هم کلاسی‌هایمان را بالا بکشیم! موضوع فقط درس خواندن نیست، ما در کنار درس، مسائل دیگری را نیز از معلمان و

به جای جلسات
ضمن خدمت، بهتر
است جلساتی
برای دورهم کتاب
خواندن برگزار کنیم
تا معلمان قوی‌تری
داشته باشیم

وجود آورده که پیامد فاسد آن جبران‌ناپذیر است. برخی از فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های تیزهوشان نمی‌توانند با دیگران کار کنند، چون در طول تحصیل کار کردن با افراد دیگر را یاد نگرفته‌اند.

چرا باید معلم بمانیم؟

ارتباط بین مدرسه و دانشگاه قطع شده است. آیا مدرسان و محققان، به‌خصوص مدرسان فعلی دانشگاه فرهنگیان، خود معلم هستند و به مسائل و مشکلات آموزشی به‌طور ریشه‌ای فکر می‌کنند؟ یا فقط مقاله می‌نویسند، اما مدرسه را نمی‌شناسند؟ هیچ‌کس نمی‌تواند در اتاق را ببندد و تحقیق کند. متأسفانه محیط دانشگاه فرهنگیان محیطی بین رشته‌ای و پویا برای تربیت معلمان آینده نیست. کشور پر است از افراد مدرک گرفته و دکترهایی که نیاز به یادگیری و فعالیت بین رشته‌ای را در خود احساس نمی‌کنند. برنامه‌ریزان به حرف معلم گوش نمی‌دهند، چون دکترا دارند!

یکی از راه‌های معلم خوب بودن، به کار بردن روش‌های تدریس متفاوت در کلاس‌های متفاوت است. من هنوز هم پس از ۴۰ سال، شب قبل از هر کلاسی مطالعه می‌کنم. مثلاً برای یک ساعت تدریس باید هفت-هشت ساعت مطالعه کرد. اما این مطالعه سرمایه‌گذاری است. دانش‌آموز اگر وظیفه‌شناسی را از معلمش یاد بگیرد، ۴۰ سال بعد هم که مسئول بشود، هنوز وظیفه‌شناس است. توسعه‌ی پایدار با قدم‌های کوچک شکل می‌گیرد. فکر نکنید چنین قدم‌های به‌ظاهر کوچکی کار کمی هستند. در دنیایی که این همه نابسامانی دارد، اگر معلم بتواند بر دانش‌آموزان کلاس خودش تأثیر بگذارد، از پس کاری برآمده که این همه رسانه و نهادهای رسمی و غیررسمی از پیش برنمی‌آیند. به جای جلسات ضمن خدمت، بهتر است جلساتی برای دورهم کتاب خواندن برگزار کنیم تا معلمان قوی‌تری داشته باشیم.

زمانی که در آمریکا بودم، با دو نفر از استادانم یک کتاب را می‌خواندیم و درباره‌اش بحث می‌کردیم. هر سه یک کتاب را می‌خواندیم؛ هم‌تراز نبودیم، ولی با هم می‌خواندیم. همین در کنار بزرگان قرار گرفتن مرا بزرگ کرد. معلم‌ها باید برای خودشان و برای هم وقت بگذارند. مریم میرزاخانی می‌خواست ادبیات بخواند، سرکلاس یک معلم ریاضی تصمیم گرفت ریاضی بخواند. اگر به این نکته توجه کنیم که دانش‌آموزان سرکلاس ما مسیر آینده‌شان را انتخاب می‌کنند، شیوه‌ی آموزش‌شان را تغییر می‌دهیم.

خاطرات یک سرمایه‌گذار

چند سال پیش یک مدرسه در منطقه محروم شهر را تجهیز کرده بودیم. مدتی بعد مطلع شدم در اتاق کامپیوترشان قفل است. مطلب را پیگیری کردم و متوجه شدم چند نفر از بچه‌ها

رسیدن به هر هدفی، فرموله کردن راه‌حل اشتباه است. بهتر این است نمونه سؤالات را به دانش‌آموز بدهید و آن‌ها را فقط یک قدم راهنمایی کنید. اگر ذهن با مسائل درگیر باشد، خودشان قدم به قدم به مرحله بعد خواهند رسید. باید با ارائه سؤالات مشابه با مسائل واقعی، ذهن آن‌ها را درگیر کنید و زمینه‌سازی کنید تا شبکه‌های ارتباط بین مسائل را پیدا کنند. امروزه دانش‌آموزان فقط راه‌حل‌ها را حفظ می‌کنند. اگر آن‌ها در آینده مسئول و دارای سمتی اداری بشوند، حتی با بالاترین درجه علمی، توانایی کار مشترک، عینی کردن علم و الگوریتم چیدن برای تحلیل مسائل روز جامعه را نخواهند داشت. این یعنی تمام هزینه‌های آموزش و پرورش برای رسیدن آن‌ها به این درجه علمی بی‌فایده بوده است.

مشکل از کجا شروع شد؟

در گذشته، اگر کسی دانشکده فنی هم قبول می‌شد، می‌دانست احترام و جایگاه معلمی بالاتر است و سراغ مهندسی نمی‌رفت، اما بالا رفتن قیمت نفت در زمان محمدرضا پهلوی باعث ورود پول بادآورده به کشور شد. در پی آن، توسعه عمرانی مهندس پروری در کشور رواج یافت و شأن معلم کم شد. دانش‌آموزی که ببیند معلمش صبح سر کلاس است و ظهر راننده تاکسی، نسبت به آن پایگاه رغبت نشان نخواهد داد. دانش‌آموز نخبه جذب این نمی‌شود که سراغ معلمی برود و در نتیجه به مرور جایگاه معلمان تضعیف می‌شود. وقتی معلم به خانه دانش‌آموز برود تا به او درس بدهد، حرمتش کم می‌شود. دانش‌آموز پول پدرش را ارزشمندتر از دانش معلم می‌بیند و در نتیجه ارزش دانش و دانش‌اندوزی در جامعه کم می‌شود. کار به جایی رسیده است که اسم دانشگاه تربیت معلم را هم تغییر داده‌اند، چون با توجه به بافت جامعه، برای دانشجویان کسر شأن بود اسم دانشگاهشان تربیت‌معلم باشد. همه این‌ها بار روانی دارند. ما به‌صورت سیستمی شأن معلم را پایین آورده‌ایم. در جامعه ما، ملاک موفقیت افراد به رتبه کنکورشان محدود شد و این باعث شد مافیای کنکور قدرت بگیرد. افیون کنکور مثل موادمخدر به بدنه آموزش و پرورش تزریق شده است. برخی ادعا می‌کنند کنکور راه حل برقراری عدالت آموزشی است و ایجاد اشتغال نیز کرده است. اینکه به بهانه اشتغال‌زا بودن، مخدر تست‌زنی را رواج دهیم، اگر چند ساعت هم حال اشتغال یک کشور را خوب کند، در درازمدت ریشه دانش و توسعه را می‌خشکاند. برقراری عدالت در توزیع مخدر معنایی ندارد. متأسفانه به این بهانه هدف آموزش و رابطه بین معلم و دانش‌آموز از بین رفته است.

نتیجه این سبک برنامه‌ریزی همین روزها هم مشخص است. آماده‌سازی دانش‌آموزان برای آزمون‌های مدرسه‌های خاص و جداسازی دانش‌آموزان، بلیه‌ای به اسم مدرسه‌های خاص را به

اگر به این نکته
توجه کنیم که
دانش‌آموزان
سرکلاس ما مسیر
آینده‌شان را انتخاب
می‌کنند، شیوه
آموزش‌شان را تغییر
می‌دهیم

به ایده‌های بهتری برسند. این جلسات برکت داشت و یکی از معلم‌ها پیشنهاد داد طرح مرکز تحقیقات معلمی را برای کل معلمان در اصفهان اجرا کنیم. پروپوزال طرح را به تهران فرستادم. می‌خواستند طرح را به‌عنوان یک طرح سراسری در مجلس مطرح کنند. متأسفانه یکی از مشکلات نظام آموزشی ما این است که همه چیز سراسری است. زمانی که ایده تصویب شد، به تهران آمدم و جلوی اجرایی شدنش در کل کشور را گرفتم! درخواست کردم ابتدا برنامه را به‌صورت آزمایشی در یکی دو شهر امتحان کنیم و پس از رفع نواقص و ابهاماتش، برای کل کشور بخش‌نامه بدهیم. تصمیمات بخش‌نامه‌ای آفت از بین بردن ایده‌های خوب هستند. هم‌زمان با طرح ما، بخش‌نامه طرح کاد به کل کشور صادر شد و شاهد شکست خوردن آن بودیم. در خانه ریاضیات، ما با هدف ارائه الگو برای حل مسائل آموزشی کشور، از پیش‌دبستان تا تحصیلات تکمیلی، با چندین کشور همچون هلند، فرانسه، استرالیا و کانادا همکاری مشترک داریم. چهل خانه ریاضیات در ایران و دو خانه ریاضیات در اروپا از خانه ریاضیات اصفهان ایده گرفته‌اند. نباید برنامه‌های خوب را بدون صاحب و ناظر به امان خدا رها کرد. قد کشیدن هر طرحی به برنامه‌ریزی، مراقبت و از خودگذشتگی نیاز دارد.

من هیچ‌گاه کاری را که به آن اعتقاد نداشته‌ام انجام نداده‌ام. مثلاً ایده برگزاری المپیادهای ریاضی از اصفهان برآمد، اما پس از بازاری شدن المپیادها، از تیم اجرایی برگزاری مسابقات ریاضی بیرون آمدم. مسابقات از بدنه آموزش و پرورش جدا شدند. به جای آنکه معلمان ریاضی دانش‌آموزان المپیادی را از دل کلاس‌هایشان کشف کنند، کلاس‌های المپیاد را از کلاس‌های عادی درس ریاضی جدا کردند و به معلم گفتند کاری به این کارها نداشته باش! به جای آنکه سودشان به هم‌افزایی معلمان و مدرسه‌ها بینجامد، دودشان در چشم دانش‌آموزانی رفت که امکانات کمتری برای شرکت در المپیاد داشتند.

داشتن خرد جمعی نیز یک ضرورت است. من از یک جایی به بعد در جلساتی که در خانه ریاضیات تشکیل می‌شد حضور پیدا نکردم، چون احساس کردم به خاطر احترام و مناسبات اداری، امکان گفت‌وگو از بین رفته و فضا به‌گونه‌ای است که حرف آخر را خودم می‌زنم. به‌طور مشابهی، در زمینه تدریس هم تلاش می‌کنم اولویت‌م انجام کار گروهی باشد. سر کلاس‌های دانشگاه به دانشجویی که غلط‌هایم را متذکر شود، نمره می‌دهم. اما برخی معلمان می‌ترسند از اینکه دانش‌آموز متوجه نقص‌شان بشود. اگر پاسخ مسئله‌ای را نمی‌دانید و نمی‌خواهید دانش‌آموزان متوجه شوند، کار را بر عهده خودشان بگذارید. بگویید سؤال قشنگی بود تا به ارزش دقت کردنش پی ببرد. بعد درخواست کنید برای جلسه بعد همه به پاسخ آن سؤال فکر کنند. این طوری برای خودتان زمان بخرید، اما هیچ‌گاه جواب اشتباه ندهید. یاد گرفتن را یاد بگیرید.

کابل تلفن را پیدا کرده‌اند و تلفنی را که برای استفاده در اتاق کامپیوتر به مدرسه داده بودیم، برده بودند. مدیر به خاطر این «زدی» در اتاق کامپیوتر را پلمپ کرده بود. با خودم فکر کردم، دانش‌آموزانی که از پس این کار برآمده‌اند، دانش‌آموزان کم‌هوشی نیستند. صدایشان کردم و خواستم عضو خانه ریاضیات اصفهان بشوند. عین جمله یکی از آن‌ها این بود: «برو بابا، من پول ندارم تا خونه خودم برم!» کرایه رفت و آمدشان را دادیم و پایشان به خانه ریاضیات باز شد. واقعاً دانش‌آموزان باهوشی بودند و کارشان در خانه ریاضیات باعث شد سه مقاله تولید شود و در یک مجمع ملی سخنرانی کنند. یکی از بچه‌ها در حال حاضر دانشجوی دکتری برق در کاناداست. کافی است به کارهایمان اعتقاد داشته باشیم. با عشق ورزیدن به کارمان و توجه به مخاطبمان موفق می‌شویم.

وظیفه ما این است افرادی را که نمی‌توانند جای دیگری آموزش ببینند جذب کنیم، وگرنه خانواده‌های ثروتمند که راه پیشرفت را برای فرزندشان باز می‌کنند.

یک بار دیگر هم به یک کلاس دوم دبستان رفتم. معلم مرا مؤلف کتاب درسی ریاضی معرفی کرد. یکی از بچه‌ها زود کتابش را درآورد، صفحه اول را خواند و به هم‌کلاسی‌اش گفت: «دروغ می‌گی، اسمش که اینجا نیست!» آن بچه تا آخر کلاس دست از سر معلم برنداشت. به هر بهانه‌ای اذیتش کرد. زنگ که خورد، بلافاصله رفتم و کتاب حسابان را که خودم یکی از مؤلفانش بودم، آوردم و به معلم دادم. خواستم به آن دانش‌آموز نشان بدهد تا اعتقادش به معلمش از بین نرود. بچه دبستانی که می‌داند اسم مؤلف را کجا می‌نویسند و تحلیل می‌کند تا مطمئن بشود معلمش راست گفته یا نه، بچه باهوشی است. تنها با گفتن اینکه این کار درست است و آن کار غلط، آموزش شکل نخواهد گرفت. باید به دانش‌آموزانمان توضیح بدهیم که چرا اشتباه می‌کنند؟

برای برنده شدن، به جای عجله، ایمان داشته باشید!

متأسفانه در بیشتر موارد کتاب‌های درسی ما هدف‌دار نیستند، اما اگر هم باشند، بیشتر معلمان کتاب را نمی‌خوانند و کلاس‌ها متکی بر جزوه‌های خلاصه شده پیش می‌روند. ما برای رسیدن به طرح درس یا نوشتن کتاب، سال‌ها به‌عنوان همراه معلم و نه در نقش استاد و مؤلف، سر کلاس رفتیم و با معلمان و دانش‌آموزان نشان نشست و برخاست کردیم تا کارآمدترین شیوه تألیف را انتخاب کنیم. دانش‌آموز باید خواندن از روی کتاب را از معلمش یاد بگیرد. معلمان نسبت به کتاب‌ها بی‌اعتنا هستند. نباید از کنار عمری که دیگران گذاشته‌اند و نتایجی که با زحمت به دست آمده‌اند، بی‌تفاوت عبور کرد.

ما هر دوشنبه جلسه‌ای برگزار می‌کردیم تا تعدادی از معلمان و استادان دانشگاه با هم به شور بنشینند و در آموزش ریاضیات



دانش آموز باید ارزیاب خود باشد!

نرگس سجادی*

نظریه
«عاملیت انسان»
در کلاس درس

با ملاکی به نادقیقی نمره: عددی تجمعی که به دانش آموز نمی گوید کجاها پیشرفت کرده‌ای و کجاها باید بیشتر تمرین کنی! نمی گوید نقطه ضعف‌ها دقیقاً کجاست. نمی گوید نقطه قوت‌ها دقیقاً کجاست! و بدتر از بدتر، تک بودن آن دیگری! ضریب نخوردن سوگیری‌ها! تعدیل نشدن خطاها!

آقای **ایروانی** تصمیم گرفت در کلاسش رویه‌ای جدید در ارزشیابی طراحی و اجرا کند؛ «رویه‌ای که در آن دانش آموز نه تنها موضوع ارزشیابی باشد، بلکه مخاطب نتایج و تصمیم گیرنده هم باشد.» همین طور که داشت ایده‌هایش را روی کاغذ می نوشت، چیزی به یادش آمد. ابرویی بالای جمله اول خود باز کرد و نوشت: «دانش آموز باید خودش ارزیاب خود باشد!» چند دقیقه محو این جمله شد. با خودش فکر کرد چه جمله درستی! چقدر مهم است! چرا این مهم این قدر در نظام آموزشی رایج ما کنار رفته است؟ چرا من قبلاً به این مهم توجه نکرده بودم؟ چرا دانش آموز که دست کم باید قلب تپنده فرایند تربیت باشد، اگر نگوییم مغز متفکر آن، این قدر از این فرایند بیرون رانده شده است؟ این قدر دست کم گرفته شده است؟ این قدر تحقیر شده است؟ این قدر نادیده انگاشته شده است؟ چرا کسی را که باید در بازی تربیت شود، به بازی نگرفته ایم؟

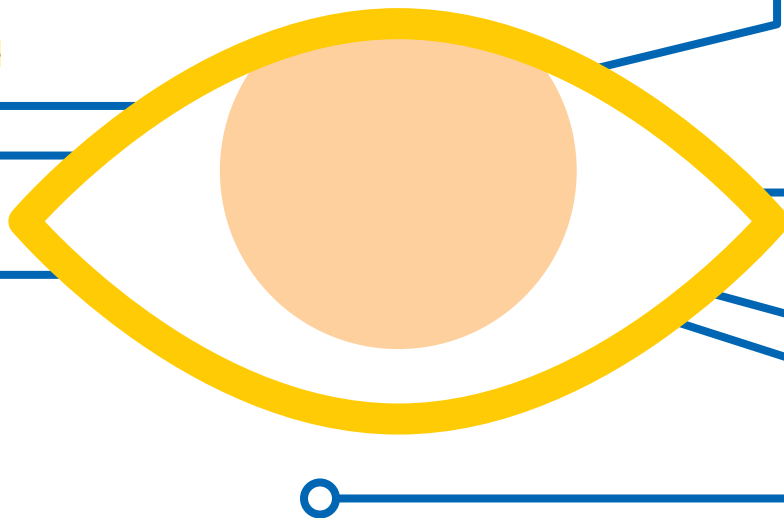
دوباره خودکار به دست گرفت و تصویری از نظام ارزشیابی کشید. این بار دانش آموز را وسط این نظام گذاشت. زیر دایره دانش آموز نوشت: «به دانش آموز بگوییم امتحانی طراحی کند که پرسش‌هایی در سه سطح آسان، متوسط و دشوار داشته باشد.» دور این نکته را خط کشید. بعد یک خط بسته دیگر کشید و داخلش نوشت: «برگه دانش آموز را به خودش بدهیم و بگوییم برگه را تصحیح کند و زیر هر اشتباه، نظرش را درباره آن بنویسد.» باز هم نوشت: «می توانیم به دانش آموز بگوییم، به جای نوشتن جواب سؤال‌های از پیش تعیین شده، مهم‌ترین مطالبی را که خوب نفهمیده است، در برگه امتحان برایمان بنویسد.»

داشت برگه‌های بچه‌ها را تصحیح می کرد. «ای وای، اینجا چرا ترکیب نکرده‌ای محسنی؟»... «علیپور! چقدر گفته بودم باید اول معادله رو موازنه کنید؟»... «باقری! باز هم ضرب نوشتی و جمع کردی؟ همون بی دقتی همیشگی؟»... این‌ها زمزمه‌هایی بود که هر چند دقیقه با آهی می شد از او شنید. معلم شیمی متوسطه دوم بود و خیلی تلاش می کرد بچه‌ها شیمی را خوب بفهمند. حالا داشت برگه‌ها را صحیح می کرد و خطاهای بچه‌ها را یک به یک می دید. با خودش فکر کرد، واقعاً چه کار باید کرد تا ارزشیابی ثمربخش باشد؟ اینکه من برگه‌ها را با دقت و یکی یکی تصحیح کنم و بعد هم فردا نمرات را اعلام کنم کافی است؟ فرض کنیم سؤال به سؤال هم تصحیح کنم و دقت و انصاف را رعایت کنم، آیا واقعاً ارزشیابی به هدفش رسیده است؟ احساس می کرد چیزی این وسط کم است. چیزی در این نوع ارزشیابی مغفول است؛ چیزی که انگار هدف ارزشیابی را منتفی می کند. با خودش گفت، اینکه من بدانم علیپور هنوز در موازنه کردن معادله مشکل دارد، یا باقری باید محاسباتش را تقویت کند، درست است، لازم است، اما کافی نیست. به خودش گفت، تا وقتی علیپور متوجه نشود که اشکالش در موازنه کردن معادله است و نخواهد این اشکال را رفع کند، مگر می شود مشکل را رفع کرد؟ مگر می شود تا باقری متوجه اشکالات محاسباتی‌اش نشود و خودش اراده نکند که آن را اصلاح کند، اتفاقی بیفتد؟

فکری در ذهنش جرقه زد: «عنصر کلیدی در ارزشیابی خود دانش آموز است.» خود علیپور، محسنی و باقری! خود بچه‌ای که فرصت نکرده است خود را از بیرون تماشا کند. خود دانش آموزی که نوشته‌هایش، دست خطش، روش حل مسئله‌اش، جملاتش و برگه‌اش را از دور به تماشا ننشسته است، تحلیل نکرده است، جزء به جزء رویش متمرکز نشده است. این دانش آموز در خلأ گام برمی دارد، با نشانه‌هایی که از دیگران می شنود، با ارزیابی دیگری، با نگاه دیگری، با حساسیت‌های دیگری، حتی با سوگیری‌های دیگری! و بدتر از آن،

تجسم قوی

نشانه‌های هوش دیداری - فضایی

دکتر محمد نیرو
مسعود غفاری شریف

نمونه‌هایی از مشخصه‌ها و مؤلفه‌های هوش دیداری - فضایی

برای بررسی جامع هوش‌های چندگانه روش و آزمون خاصی وجود ندارد و تست‌های معمولی سرنخ‌هایی را در این مورد در اختیار ما قرار می‌دهند. بهترین روش سنجش هوش‌های چندگانه دانش‌آموزان، روش مشاهده است. در این میان، حتی یکی از بهترین روش‌ها، مشاهده خطاهای رفتاری دانش‌آموزان در کلاس است! برای مثال، دانش‌آموزی که از هوش زبانی بالایی برخوردار است، امکان دارد خارج از نوبت صحبت کند یا دانش‌آموزی با هوش دیداری - فضایی فوق العاده، به خط‌خطی کردن دفتر خود یا خیال‌پردازی مشغول شود. این دانش‌آموزان با این رفتار می‌خواهند بگویند:

این است روشی که من با آن مطالب جدید را می‌آموزم و اگر تو از طبیعی‌ترین کانال یادگیری من وارد نشوی، من باز این کارها را انجام خواهم داد! بنابراین، این گونه رفتارها نوعی استعداد تلقی می‌شوند. فهرست زیر نمونه‌هایی از نشانه‌های دانش‌آموزان با هوش دیداری - فضایی است. گفتنی است، بیشتر دانش‌آموزان در چندین زمینه استعداد دارند و لذا باید از قرار دادن آن‌ها تنها در یک مقوله هوشی اجتناب کرد.

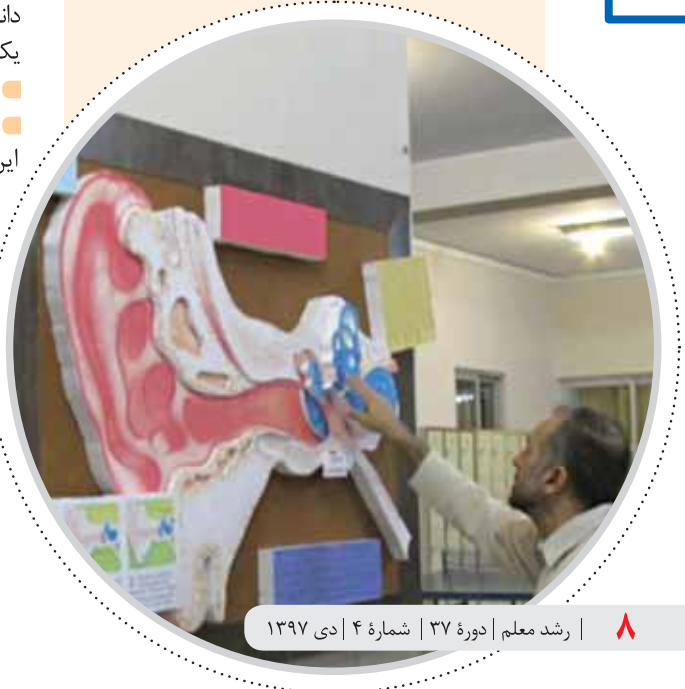
■ تصویرهای بصری را به‌طور واضح گزارش می‌کنند.
■ در خواندن نقشه‌ها، جدول‌ها و نمودارها بهتر از متن عمل می‌کنند (در این باره، کودکان پیش‌دبستانی به مشاهده تصویر بیش از خواندن متن علاقه دارند).

■ به خیال‌پردازی علاقه نشان می‌دهند.
■ از انجام فعالیت‌های هنری لذت می‌برند.
■ در طراحی مهارت دارند.
■ به دیدن فیلم، اسلاید و سایر نمایش‌ها علاقه نشان می‌دهند.
■ از حل معما و مسائل دشوار لذت می‌برند.
■ می‌توانند اشکال سه‌بعدی جالبی بسازند (مانند خانه‌های ساخته شده به وسیله لگو).

■ هنگام خواندن از تصویر مطالب بیشتری می‌آموزند تا از کلمه‌ها.
■ کتاب و سایر نوشته‌های خود را خط‌خطی می‌کنند.

مقدمه

هوش دیداری - فضایی^۱ یعنی توانایی درک درست جهان به‌صورت بصری و ایجاد تغییر در این ادراک. این مؤلفه هوشی نمایانگر توانایی افراد در ادراک امور دیداری است. کسانی که در این مقوله هوشی تواناترند، تمایل دارند در تصویر تأمل کنند. آن‌ها می‌خواهند تصویرهای ذهنی روشنی برای نگهداری اطلاعات ایجاد کنند، چون نسبت به دیگران تصویرها را با وضوح بیشتری در ذهن خود می‌پرورانند.



روش‌های آموزش مبتنی بر هوش دیداری-فضایی

نظریه‌های هوش‌های چندگانه، به‌ویژه در زمینه‌هایی به غیر از هوش‌های کلامی و منطقی-ریاضی، به گسترش دیدگاه طراحان و برنامه‌ریزان درسی کمک می‌کند. با این وصف، به هوش دیداری-فضایی به‌عنوان یکی از ابعاد حاشیه‌ای و مغفول برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش ایران کمتر توجه شده و در عمل فرصت‌ها و تجربه‌های یادگیری بسیار اندکی نیز برای رشد و پرورش آن به‌مورد اجرا گذاشته می‌شود. حال آنکه به‌استناد نظریه‌های هوش‌های چندگانه می‌توان به طراحی و تدوین مجموعه‌ای متنوع از فعالیت‌ها و تجربه‌های یادگیری در این زمینه اقدام کرد. دانش‌آموزانی که هوش دیداری-فضایی قوی دارند، از دوربین عکاسی و فیلم‌برداری برای یادگیری استفاده می‌کنند و از معماهای دیداری لذت می‌برند. در واقع، این افراد موضوعاتی را مجسم می‌کنند که هوش کلامی آن‌ها را توصیف می‌کند. برای آموزش ایشان، ما نیازمند فراهم آوردن هر نوع سر نخ دیداری هستیم. تعدادی از این سر نخ‌ها عبارت‌اند از: تصویر، نمودار، اسلاید، نگاره، داستان‌سرایی، تخیلی، استعاره تصویری، پوستر، عکس، فیلم، معمای بصری، نرم‌افزارهای گرافیکی رایانه‌ای، شکل سه بعدی، به‌کاربردن مداد یا ماژیک رنگی (که دانش‌آموزان را در استفاده از رنگ‌های متفاوت در دلالت بر جملات یا کلمات مختلف قادر می‌سازد)، کولاژ، نقاشی، آبرنگ، مجسمه‌سازی، سفالگری و طراحی ذهنی. تمامی حوزه‌های هنرهای تجسمی در رشد و پرورش هوش فضایی بصری دانش‌آموزان تأثیر شگرفی دارند.

آقای مقدسی، یکی از معلمان خلاق در درس علوم متوسطه اول، در جریان تدریس خود از هوش دیداری-فضایی بهره می‌برد. وی این کار را در ترکیب ذوق و خلاقیت به شکل هنرمندانه‌ای انجام می‌دهد، به‌طوری‌که بروندهای کارهای وی صحنه‌هایی زیبا و خاطراتی به یادماندنی برای دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد. تصاویر استفاده شده در این مقاله، بخشی از کارهایی هستند که او در فرایند تدریس خود در تابلوهای

اعلامات مدرسه محل کار خود در دوره متوسطه اول قرار داده است. کلاس‌های درس ایشان نیز بسیار دیدنی و الهام‌بخش‌اند. شما می‌توانید با اسکن کیوآر کد صفحه قبل، فیلم‌های کلاس‌های وی را که در آن از هوش دیداری-فضایی به شکل خلاقانه‌ای برای درک بهتر و لذت بیشتر دانش‌آموزان از مفاهیم درس علوم استفاده شده است، مشاهده کنید.

روش‌های هدایت رفتاری دیداری-فضایی

در مورد مشاوری‌های انضباطی و تأدیبی نیز می‌توان هوش‌های چندگانه را در نظر گرفت. برای مثال، برای مخاطبی که از این هوش بهره بیشتری دارد، می‌توان به طرق زیر اقدام کرد:

۱. از دانش‌آموز بخواهید به ترسیم یا تجسم رفتارهای مناسب بپردازد.
۲. استعاره‌هایی را که در هنگام مواجهه با مشکلات از آن‌ها استفاده می‌کند (مثلاً اگر دیگران سخنان بدی به تو می‌گویند، آن‌ها را همچون تیری تصور کن که تو خود را از مسیر آن‌ها کنار می‌کشی)، تجسم کند.

تجربه‌های زیسته آقای غفاری، معلم دوره ابتدایی، در مورد دانش‌آموزان دارای هوش دیداری-فضایی غالب

ویژگی‌ها، عادت‌ها و سلیقه بچه‌های دارای هوش بالای دیداری-فضایی:
■ به هنگام صحبت معلم در کلاس، به‌صورت عادت‌ی در حال نقاشی، خط‌خطی کردن یا طراحی هستند.

■ معلمانی را که از فیلم و تصویر و مدل‌های آموزشی استفاده می‌کنند، بیشتر از معلمانی دوست دارند که فقط حرف می‌زنند!

■ دفترها و کتاب‌ها و حتی ورق‌های امتحانی خود را با

مداد رنگی یا ماژیک‌های لایت‌ترین می‌کنند.

■ با انگشت روی فرش یا هوا یا سطوحی که گرد

و غبار دارند عکس می‌کشند یا خطاطی می‌کنند.

■ در موقعیت‌های گوناگون از والدینشان دوربین

یا موبایل طلب می‌کنند و عکس‌برداری یا فیلم‌برداری می‌کنند

■ علاقه دارند آدرس یا نشانی را به‌صورت



کر وکی یا نقشه به دیگران تفهیم یا از دیگران دریافت کنند.

■ درس‌های تاریخ و اجتماعی را اگر به صورت فیلم ببینند، برایشان بسیار ماندگار خواهد شد.

■ انواع مدارنگی، مازیک، روان‌نویس و خودکارهای رنگی، مازیک‌های لایت و امثال آن‌ها را در کیف لوازم‌التحریر خود به همراه دارند.

روش‌های تدریس و به ذوق آوردن و برخورد با این دسته هوشی

■ معلمان نباید فقط از گچ سفید یا مازیک تک رنگ وایت‌برد استفاده کنند. در سال‌های دانش‌آموزی خود، آموزگاری را به یاد دارم که در کیف خود انواع گچ‌های رنگی را داشت و هنگام تدریس از آن‌ها استفاده می‌کرد و پس از تدریس هم آن‌ها را با خود می‌برد! گویا تدریس و نوشتن بدون گچ رنگی دلچسب نبود!

■ پیام‌های کتبی معلم در دفترها و برگه‌ها و به خصوص دفتر یادداشت یا روزنگار بچه‌ها با خودکار یا روان‌نویس‌های رنگی نوشته شود! کشیدن شکلک‌های خنده یا ناراحتی و ... برای ایشان در دفترهایشان بسیار نافذ و مؤثر است!

■ به هنگام تدریس ریاضی، به خصوص مسائل ریاضی، نباید از ترسیم شکل مسئله یا نقاشی آن روی تخته کلاس غافل شد. مثلاً ساختمانی هشت طبقه دارد. هر طبقه پنج واحد و هر واحد چهار پنجره دارد. در این ساختمان در مجموع چند پنجره به کار رفته است؟ تجربه نشان داده است، بچه‌های دیداری با مهارت‌های ریاضی ضعیف وقتی حل مسئله را با کشیدن شکل و نقاشی، ولو ابتدایی و ساده، توأم کنند، می‌توانند از پس آن بیایند!

■ کشیدن خط‌های رنگی زیر عبارت‌های مهم درس، تمرکز و توجه ایشان را به مطلب بیشتر معطوف خواهد کرد.

■ در کلاس خوب است تابلوهای متعدد اعلانات در موضوعات گوناگون نصب باشد. اطلاع‌رسانی معلم از وقایع و گزارش‌های کلاسی در تابلوهای اعلانات، به‌ویژه در تابلوهای خوش آب و رنگ، برای این دانش‌آموزان بسیار جالب توجه است!

■ در دبستان، نقشه‌های طبیعی و سیاسی بزرگ ایران و در دبیرستان‌ها، اطلس‌های بزرگ جهان‌نما نصب شود تا معلمان با اشاره به آن‌ها، با چوب نشانه و جلب توجه بچه‌ها به نقطه مورد نظر، تفهیم بهتری را از درس تجربه کنند.

■ برای بسیاری از درس‌ها می‌توان از سطح شهر و بیابان‌ها و سفرها عکس و فیلم تهیه کرد. با مرور قبلی سرفصل‌های تمامی درس‌ها، می‌توانید یک مخزن تصویری غنی داشته باشید و با پخش آن تصاویر در حین تدریس، کلاسی پویا و جذاب برای تمامی بچه‌ها، به خصوص هوشمندان دیداری-فضایی، ایجاد کنید.

■ از سطح دیوارها یا طاقچه‌ها و طبقات قفسه‌ها در کلاس‌هایتان برای برپایی نمایشگاه‌های موقت یا دائمی از دست‌ساخته‌های بچه‌ها استفاده کنید

■ درصدد یافتن انیمیشن یا فیلم‌های آموزشی باشید. به تدریج

درس‌های شما منابع خوبی از دنیای فیلم و تصویر خواهد یافت.

■ می‌توانید با سفارش به هنرمندان یا با استفاده از تصویرهای موجود در فضاهای مجازی، طرح درس‌های خود را روی پرده یا بستر نقاشی یا چاپ کنید و با نصب آن‌ها روی تخته کلاس، تدریس خود را به صورت نقالی به سبک سنتی (مرشد و بچه مرشد!) اجرا کنید.

■ نمایش خود معلم در تدریس بسیار جذاب و اثر آن ماندگار خواهد بود. که اغلب ما معلمان فیلم‌های مرحوم نیززاده، معلم خلاق و موفق کلاس اول، را دیده‌ایم! اجرای نمایش از درس که در بسیاری از کتاب‌های درسی نیز جزئی از روند تدریس است، هوشمندان دیداری-فضایی را غرق لذت و یادگیری خواهد کرد.

■ اولیای این گونه دانش‌آموزان باید امکان عکس و فیلم‌برداری حتی با موبایل را، در سفرها و محیط‌های دیگر برای فرزندشان فراهم کنند. حتی در اردوهای مدرسه‌ای، اگر اجازه همراه آوردن دوربین داده شود، برای بچه‌های دیداری بسیار مفید خواهد بود.

■ فضاسازی و رنگ‌آمیزی دیوارهای کلاس با رنگ‌های متنوع، برای همه، به‌ویژه دیداری‌ها، جذاب و بسیار آرام‌بخش خواهد بود.

■ اگر مربیان برای فرمان دادن به بچه‌ها، اعم از مقررات مدرسه‌ای و ممنوعیت‌ها به جای تذکرات شفاهی یا کتبی از علائم و نمادهای شکلی استفاده کنند، برای همگان، به‌ویژه دیداری‌ها، بسیار مؤثرتر خواهد بود.

■ بچه‌های دیداری را به خاطر نقاشی و تزیین و رنگ‌آمیزی دفترها و کتاب‌هایشان منع، تنبیه و سرزنش نکنید.

کلام آخر!

نظریه هوش‌های چندگانه در بخش‌های گوناگون مدرسه و برنامه درسی قابل استفاده است و معلمان می‌توانند بر اساس مفاهیم اصلی آن ایده‌های متنوعی خلق کنند. به عنوان مثال، معلم در طراحی محیط فیزیکی کلاس خود بر اساس این هوش می‌تواند از آرایش مکانی متفاوت و متنوع کلاس برای تطبیق با نیازهای یادگیری استفاده کند.

در کلاس با نصب آثار هنری روی دیوار، چشم‌اندازی زیبا و جالب توجه ایجاد کند، با استفاده از رنگ‌های متنوع و شاد در رنگ دیوارها، زمین و سقف کلاس، احساسات دانش‌آموزان را تحریک کند و با استفاده از منابع نوری و روشنائی، دانش‌آموزان را سر ذوق آورد. در پایان، به عنوان معلم ریاضی، به همکاران خود توصیه می‌کنم در تدریس ریاضی از نرم‌افزار «جئوجبرا»^۳ استفاده کنند تا با بازنمایی‌های دیداری-فضایی قابل حرکت در آن، مفاهیم انتزاعی پیچیده ریاضی برای دانش‌آموزان ساده‌سازی شود. دانلود رایگان فیلم‌ها و دیگر منابع آموزشی این نرم‌افزار با جست‌وجویی ساده در اینترنت میسر است.

✱ پی‌نوشت‌ها

1. Visual-Spatial Intelligence

2. <https://www.aparat.com/H.Moghaddasi> (کلاس علوم من)

3. GeoGebra



گفت‌وگو با
حجت‌الاسلام
دکتر رضا مهکام

معلم و تربیت جنسی

محمدرضا حشمتی

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده است: تربیت فرایندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت انسان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. یکی از ابعاد وجودی انسان، جنسیت اوست. وظیفه والدین و مربیان این است که در مسیر رشد فرزندان خود به این مهم نیز توجه کافی داشته باشند. بر این اساس، در گفت‌وگویی که با حجت‌الاسلام دکتر رضا مهکام، دکترای روان‌شناسی عمومی و عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی (ره) قم داشتیم، این مهم را بررسی کردیم.

تعریف شما از تربیت جنسی چیست؟

تعریفی که من براساس دیدگاه اسلام از تربیت جنسی دارم، با تعریف سازمان بهداشت جهانی متفاوت است. تعریف آن‌ها بیشتر به سمت مراقبت از کودکان و نوجوانان است تا در دام سوء استفاده جنسی نیفتند یا در صورت مبادرت به رابطه جنسی، دچار بارداری ناخواسته یا بیماری‌های مقاربتی نشوند. اما در تعریف مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تربیت جنسی یعنی پیشگیری، مدیریت شرایط بیرونی، و زمینه‌سازی و ارائه اطلاعاتی دقیق و روشن به فرزندان، تا به یاری آن، مسائل مربوط به جنسیت خود را تشخیص دهند و بدانند درباره آن چه وظایف و مسئولیت‌هایی دارند. در واقع، دیدگاه اسلام بسیار گسترده‌تر است و موضوع آن با موضوع تربیت جنسی در غرب کاملاً متفاوت است. با بررسی دیدگاه‌های بعضی از روان‌شناسان

قدیمی‌تر مانند فروید، یونگ، آدلر، راجرز، مازلو و فرانکل نیز متوجه می‌شویم که آن‌ها هم معتقدند، باید مراقب باشیم کودک در دوران کودکی با مسائل جنسی آشنایی پیدا نکند. نگاه ما به تربیت جنسی چارچوب و برنامه‌های مشخصی دارد. با بررسی آیات و روایات و توصیه‌های اهل بیت در این باره، به چند نکته می‌رسیم که عبارت‌اند از: پیشگیری، خویشتن‌داری، مداخله کارشناس یا مربی یا والدین در صورت لزوم. در حالی که در غرب بیشترین تأکید در این زمینه، به دادن آگاهی بدون قید به کودک در زمینه مسائل جنسی است و حداکثر اینکه چه نکاتی را باید در نظر بگیرند تا مورد سوء استفاده قرار نگیرند. البته این نکته کاملاً طبیعی است، چون با توجه به شرایط جامعه غربی، دغدغه آن‌ها همین باید باشد. در آنجا فرایند ارتباط جنسی کاملاً آزاد است. پس نگرانی آن‌ها بیماری‌های

تربیت جنسی سالم
یعنی اینکه مرد یا
زن را طوری تربیت
کنیم که در آینده
بتواند نقش‌های
جنسی و جنسیتی
خود را درست
انجام دهد



۱. در زمینه تربیت جنسی دانش کافی داشته باشند.

۲. نسبت به تربیت و سلامت جنسی نگرش و توجه کامل و سالم داشته باشند. یعنی این موضوع برای معلم، اهمیت داشته باشند. متأسفانه، عده‌ای از معلمان این‌گونه نیستند. معلم اگر ناهنجاری دید، باید حساس باشد و تدبیری برای اصلاح داشته باشد.

۳. نظام ارزشی معلم در محیط مدرسه و کلاس درس، با نظام معیار آموزش و پرورش که بر عقلانیت و اسلام مبتنی است، منطبق باشد؛ هر چند نسبت به این نظام ارزشی نقدهایی هم داشته باشد. معلم باید مراقب باشد براساس نظام ارزشی شخصی خود با دانش‌آموزان رفتار نکند.

۴. معلم باید باور داشته باشد که فرزندان مردم نزد ایشان امانت هستند. پس امانتدار خوبی باشد و همان‌گونه که نسبت به فرزندان خود حساسیت نشان می‌دهد، از دانش‌آموزان خود نیز مراقبت کند تا سالم باشند.

۵. معلم باید هویت دینی داشته باشد. یعنی معلم باید خودش دین را باور داشته باشد و هر جا که مناسب بود، از تعالیم دینی استفاده کند و راهنمایی‌هایش براساس دین باشد.

معلمان چه اقدامات پیشگیرانه و آموزش‌هایی را به دانش‌آموزان ارائه دهند؟

پیشگیری‌ها

۱. آشنا کردن دانش‌آموزان با انحرافات جنسی. دادن اطلاعات متناسب با سن دانش‌آموز برای اینکه با انحراف جنسی درگیر نشود. اطلاعاتی را به دانش‌آموز بدهیم تا بتواند مراقب خود باشد.
۲. مراقبت از دانش‌آموزان و نظارت بر آن‌ها به شکل نامحسوس. دقت در چگونگی رفتار و ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر.
۳. ایجاد زمینه‌های جلوگیری از انحراف. یکی از این موارد، توجه به معنویت (متناسب با سن دانش‌آموزان) است. مورد دوم، مراقبت از ایجاد فضای به‌کار بردن الفاظ رکیک به هنگام دعوا و تنش‌گفتاری بین دانش‌آموزان است. مورد سوم مراقبت از دوستی‌های افراطی دانش‌آموزان است. معلم باید رفتارهای مشکوک دانش‌آموزان را مدیریت کند.

مقاربتی و بارداری است. اما در جامعه ایرانی، براساس این واقعیت که جامعه ما اسلامی است و فرهنگی اصیل دارد، نوجوانان ما در چنین شرایطی نیستند. ما به دنبال جامعه‌ای سالم‌تر هستیم، بنابراین، پیشگیری از همه بدآموزی‌ها و مشکلات جزئی را در نظر داریم و بحمدلله نگرانی‌های ما به حد جامعه غربی نیست. بنابراین، در رویکرد اسلامی، برای تربیت جنسی به سه نکته اساسی زیر توجه می‌شود:

۱. مدیریت روابط؛ ۲. مراقبت؛ ۳. آموزش

در مدیریت روابط، بحث درون خانواده و بیرون خانواده را داریم. نکته مهم این است که والدین بتوانند روابط خودشان با همسر و فرزندان را درست مدیریت کنند. به نظر ما، مدیریت روابط درون خانواده بخشی از تربیت جنسی و جنسیتی است. منظور روابط عاطفی ساده بین اعضای خانواده است که فرزندان خانواده از مشاهده رفتار والدین در این زمینه الگو می‌گیرند. بسیاری از رفتارهای اعضای خانواده در خانه، تضمین‌کننده سلامت جنسی و جنسیتی فرزندان در آینده است. برای مثال، وقتی کودک روابط عاطفی مناسب بین مادر و پدر را می‌بیند و میزان عشق و علاقه این دو را مشاهده می‌کند، به‌طور طبیعی در جوانی تمایل بیشتری برای ایفای نقش همسری خواهد داشت و از همسر بودن خود لذت خواهد برد.

نکته مهم این است که تربیت جنسی را فقط به زمینه روابط جنسی تنزل ندهیم.

تربیت جنسی سالم یعنی اینکه مرد یا زن را طوری تربیت کنیم که در آینده بتواند نقش‌های جنسی و جنسیتی خود را درست انجام دهد. بنابراین، تربیت جنسی فقط مراقبت از چند رفتاری که بچه‌ها باید انجام دهند تا مورد آزار جنسی قرار نگیرند نیست.

معلمان در تربیت جنسی چه نقشی دارند؟

معلم، بعد از والدین، بیشترین نقش تربیتی را درباره کودکان و نوجوانان دارد. طبیعی است که در تربیت جنسی نیز چنین است. نقش معلم در این زمینه جدی و پررنگ است. بنابراین، همان‌قدر که انتظار داریم والدین در این باره کوشا باشند، معلمان نیز باید حساس و کوشا باشند.

نکاتی که از معلمان انتظار می‌رود، عبارت‌اند از:

معلم باید باور
داشته باشد که
فرزندان مردم
نزد ایشان امانت
هستند. پس
امانتدار خوبی باشد

آموزش‌ها

معلم باید آموزش‌هایی را نیز در برنامهٔ درسی خود در نظر بگیرد:

۱. تقویت باورهای دینی دانش‌آموزان که به پرورش معنویت می‌انجامد و معنویت نوعی بازدارندگی دارد.
۲. معلم باید با رفتار و گفتار خود کرامت نفس دانش‌آموزان را محترم بداند و در تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس آن‌ها بکوشد. ایجاد احساس ارزشمندی باعث می‌شود فرد به سمت رفتارهای انحرافی سوق پیدا نکند.
۳. آموزش شیوه‌های نه گفتن و ابراز وجود. آموزش رفتار جرئتمندانه یا قاطعانه. سه نوع رفتار داریم: تهاجمی، قاطعانه و منفعلانه. دلایل رفتار منفعلانه همیشه ترس و خجالت نیست، بلکه گاهی مراعات حال طرف مقابل است (دوست ندارد کسی را ناراحت کند).
۴. آموزش و پرورش مطابق با جنسیت. یعنی معلم فعالیت‌هایی را در کلاس طراحی کند که رفتارهای پسرانه را در پسرها و دخترانه را در دخترها تقویت کند. کمک کند بچه‌ها از جنسیت خود راضی باشند و از توانمندی‌ها و قابلیت‌های جنس خود آگاه شوند.
۵. آموزش مراقبت از خود. تأکید بر اینکه بچه‌ها به تنهایی به جاهای خلوت نروند و اگر کسی از آن‌ها خواسته‌ای داشت، به سرعت نپذیرند.
۶. آموزش مسائل جنسی متناسب جنسیت در آستانهٔ بلوغ در درس‌های مربوطه. معلم می‌تواند اطلاعات جامع و مدیریت شده به دانش‌آموزان بدهد.
۷. ارتباط صمیمانه و دوستانهٔ معلمان با دانش‌آموزان، چتری است که تمام موارد بالا را پوشش می‌دهد. معلمان باید مراقب باشند. این ارتباط ضعیف نشود و از بین نرود. معلم باید پناهگاه دانش‌آموزان باشد و با آن‌ها همدلی و همراهی کند.

بعضی معتقدند که آموزش مسائل مربوط به دوران بلوغ وظیفهٔ والدین است. اما شما اشاره کردید که معلمان این آموزش‌ها را بدهند. این تفاوت را چگونه تبیین می‌کنید؟

من هم با شما موافقم که وظیفهٔ اصلی آموزش دوران بلوغ با والدین است، اما با توجه به شرمی که بسیاری از والدین ایرانی در بیان این مطالب دارند و با توجه به اینکه در برخی از درس‌های دوران متوسطهٔ اول مانند دینی و علوم، به تناسب به مباحث بلوغ اشاره می‌شود، اگر معلمان در این موقعیت‌ها به کمک والدین بیایند و این مطالب را به صورت دقیق و البته با مراعات بیان کنند، می‌توانند در این زمینه کمک بیشتری کنند. این نکته را نباید فراموش کنیم که بیان این مطالب توسط معلم، آن هم به صورت یک جا و برای همهٔ دانش‌آموزان، بسیار راحت‌تر از بیان یک والد به فرزند خویش است.

اگر معلمی متوجه شد بعضی از

دانش‌آموزان گرفتار انحراف جنسی

شده‌اند، چه عکس‌العملی باید نشان دهد؟

اولاً میزان انحراف بسیار مهم است و اینکه دسته‌جمعی باشد یا مثلاً دو یا سه نفر انجام دهند. اگر انحراف شدید بود، به‌طور طبیعی معلم باید با اطلاع مدیر مدرسه از روان‌شناس متخصص کمک بگیرد، اما اگر مورد جزئی باشد، معلم با رعایت موارد زیر، می‌تواند به حل مشکل اقدام کند:

- خونسردی خود را حفظ کند.
- مسئله و جزئیات آن را بررسی کند.
- در صورت لزوم، در مورد مسئله دانش‌افزایی کند و حتماً از متخصص کمک بگیرد.
- مسئله را در دایرهٔ کودکان درگیر با انحراف نگه دارد و به هیچ وجه در کل کلاس مطلب را مطرح نکند تا کودکان دیگر آسیب نبینند.
- مسئله را با افراد غیر مرتبط مطرح نکند و مراقب جوسازی بین افراد باشد.
- اگر لازم باشد، با والدین گفت‌وگوی خصوصی داشته باشد و توصیه‌های لازم را به آن‌ها گوشزد کند.
- تدابیر لازم را برای تکرار نشدن موضوع ببیند.

با توجه به اصل تفاوت‌های فردی، اگر معلم در کلاس مسائل بلوغ را آموزش بدهد، این نگرانی وجود دارد که این اطلاعات برای بعضی از آنان مضر باشد، چرا که بعضی هنوز وارد این مرحله نشده‌اند. این چالش را چگونه حل کنیم؟

مطالب تبیین شده در مورد بلوغ باید حداقلی باشد و فقط سطح همهٔ کلاس را دربرگیرد. اگر معلم از ظاهر برخی کودکان متوجه رسیدن آن‌ها به علائم بلوغ شده باشد، می‌تواند بدون اطلاع بقیه، برای آن چند نفر به صورت خصوصی مطالب بیشتری را بیان کند.

برای دوران متوسطه که دانش‌آموزان نسبت به دورهٔ ابتدایی اطلاعات بیشتری دارند، چه نکاتی را به‌عنوان پیشگیرانه، مراقبتی، مدیریتی و آموزشی توصیه می‌فرمایید؟

به‌طور طبیعی، در این دوران باید مطالبی که حاوی آسیب‌ها و خطرات برخی رفتارهای جنسی است گوشزد شود. معلم باید با مشاهده‌گری دقیق‌تر، برخی از رفتارها و روابط خارج از قاعدهٔ نوجوانان را زیر نظر بگیرد و در صورت لزوم، برای مقابله یا پیشگیری از انحراف، با در جریان گذاشتن مشاور مدرسه، اقداماتی انجام دهد.



گزارش اولین
نشست در
دانشگاه تهران

کالبدشکافی آزار

زهرا رهرو

در سال گذشته و جاری پس از انفجار رسانه‌ای اخبار مرتبط با آزار جنسی گروهی از نوجوانان یکی از مدرسه‌های تهران، شاهد بودیم که بیش از خود مسئله آزار جنسی، چگونگی واکنش به مسئله حاشیه‌ساز شد. متأسفانه، با برجسته شدن حواشی رسانه‌ای، این مسئله از ماهیت تربیتی روان‌شناختی خود بیرون رفت، اما این رخداد تلنگری شد تا خلأهای حقوقی، اجتماعی و آموزشی مشخص شوند و موضوع پایان دادن به مسئله آزار جنسی به دغدغه‌ای عمومی تبدیل شود. گروه مبانی فلسفی تعلیم و تربیت دانشگاه تهران نیز مجموعه نشست‌هایی را با هدف «کالبدشکافی موضوع آزار» طراحی کرده است تا بدانیم واکنش درست در برخورد با مسئله آزار جنسی چیست؟ هر کدام از ما، به لحاظ قانونی، آموزشی، پیشگیری و همچنین در زمینه رسیدگی به دانش آموز و والدین آسیب‌دیده، چه راهکارهایی پیش‌رو داریم و بهتر است در برخورد با چنین مسائلی، چگونه رفتار کنیم تا عملکردمان شتاب‌زده و تنش‌آفرین نباشد؟

سیدعلی آذین (پزشک اجتماعی)، محمدرضا شرفی (عضو هیئت علمی دانشگاه)، رضا رستمی (روان‌پزشک) و مونیکا نادری (حقوقدان)، در اولین نشست این مجموعه برای رسیدن به راهکار و سندی راهنما در زمینه آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوانی، با تأکید بر مسئله آزار جنسی، به بحث و گفت‌وگو پرداخته‌اند.

رفتارهای پرخطر نوجوانی و روان‌شناسی جنسی نوجوان

دکتر آذین درباره نگاه اشتباه جامعه نسبت به نوجوان می‌گوید: اینکه نوجوان را معضل و نوجوانی را دوران بحران معرفی می‌کنیم، به عزت‌نفس آن‌ها آسیب می‌زنیم و حس حمایت نشدن از طرف بزرگ‌ترها را به آن‌ها منتقل می‌کنیم. چرا از انرژی نوجوان در جای خود بهره نبریم و آن را سرمایه به حساب نیاوریم؟ امروزه



به‌طور مداوم نوجوانان در خانه و مدرسه با والدین و معلمان کشمکش دارند. این کشمکش فقط به دلیل استفاده آن‌ها از تکنولوژی نیست، بلکه از اختلاف سطح سواد، سلامت، تغییر روابط اجتماعی و در مجموع تغییر همه چیز جامعه ناشی می‌شود. درک ناصحیح از نوجوانی باید اصلاح شود. در چنین شرایطی، بزرگ‌ترها امکان هدایت نوجوان را ندارند، مگر اینکه «تغییر» را به رسمیت بشناسند. برنامه‌ریزی‌هایی که اجرایی نباشند، بیشتر به آرزو می‌مانند و برنامه‌ریزی صحیح، با

امروزه به‌طور مداوم نوجوانان در خانه و مدرسه با والدین و معلمان کشمکش دارند. این کشمکش فقط به دلیل استفاده آنها از تکنولوژی نیست

برمی‌دارد، خانواده و مدرسه بیشترین تنش و درگیری را با او دارند! نوجوانان در نهایت از این فاصله موجود میان خودشان و جامعه عبور خواهند کرد، اما تنش‌ها و ناهماهنگی شکل گرفته در شخصیت آن‌ها، در آینده تأثیر زیادی بر نظام فرهنگی جامعه خواهد گذاشت.

۵. پیچیدگی تفکر. نوجوانان غالباً به جنبش‌ها، کمپین‌ها و فعالیت‌های اصلاحی روی می‌آورند. بی‌توجهی به آنان و ایده‌های اصلاحی‌شان، ممکن است برای همیشه نامیدشان کند یا به شکل‌گیری گرایش‌های رادیکال بینجامد. دکتر آذین بیشتر بر این موضوع تأکید کرد که برای پیشگیری از مخاطرات آسیب‌زای مربوط به دوران نوجوانی (مخاطرات مصرف مواد مخدر، رژیم‌های غذایی ناسالم، فعالیت بدنی ناکافی، رفتارهای پرخطر جنسی، خشونت و رفتار منجر به آسیب فیزیکی به خود و دیگران) باید از همین حالا و به‌صورت متمرکز برنامه‌ریزی کنیم.

ایشان جوهره آزارهای جنسی را نشئت گرفته از مسائل جنسی نمی‌دانست و تأکید داشت که به‌طور کلی، برای جلوگیری از همه موارد مذکور، لازم است سطح خشونت در جامعه کمتر شود. برگزاری طرح پایش سلامت، انتخاب عملی‌ترین راهبردهای پیشگیری (آموزش، مشاوره، دسترسی به خدمات)، اجتناب از ساده‌انگاری و انکار مسئله، جلوگیری از اتلاف منابع و انجام برنامه‌ریزی هماهنگ و موازی بین نهادها، از مجموعه پیشنهادهاى ایشان بودند.

ملاحظات روان‌شناختی و تربیتی دوران بلوغ

دکتر شرفی ویژگی‌های نوجوان و نقش مدرسه را با اشاره به نظریه‌های «باز پیدایی» و «ریخت‌شناسی تکوینی»، توضیح داد. نگرانی او این است که این روزها خانه شبیه خوابگاه شده و بیشترین تماس دانش‌آموز نه با خانواده یا حتی مدرسه، بلکه با دوستان است. به عقیده ایشان، مجموعه‌ای از عوامل با یک آسیب اجتماعی همبسته‌اند و نمی‌توان علیت مطلق برای عوامل قائل شد. اما عوامل زیر با افزایش کودک‌آزاری جنسی همبستگی دارند:

۱. ویژگی‌های طبیعی نوجوان (گم‌گشتگی نقش، تغییرات بدنی و رفتاری، مافوق‌توان بودن آسیب‌های پس از استقلال، هراس از اظهارنظرهای دیگران،



توجه به بافت و واقعیت جامعه (نه به‌صورت دستوری و از بالا به پایین)، تدوین می‌شود. به دلیل بالا بودن شدت آسیب رفتارهای پرخطر نوجوانی (به‌خصوص آزارهای جنسی) آموزش افراد و حمایت اجتماعی و قانونی از کسانی که بیشتر در معرض آسیب قرار گرفته‌اند، وظیفه همه نهادهای کشور است. در زمینه این‌گونه آسیب‌ها، اطلاع‌رسانی، آموزش، نظارت، مجازات و بازپروری خاطی همگی باید به‌صورت موازی و هم‌زمان جلو بروند. درست همان‌طور که در برابر آلودگی منبع آب به باکتری وبا، هشدار عمومی می‌دهیم و پنهانش نمی‌کنیم، به بهانه حفظ امنیت روانی جامعه نیز نمی‌توانیم از اطلاع‌رسانی دست بکشیم و در برابر احتمال افزایش نرخ این‌گونه آسیب‌ها بی‌تفاوت باشیم.

در دوره نوجوانی، با در نظر گرفتن شرایط محیط و تربیت، با پنج ویژگی مواجهیم که از ویژگی‌های طبیعی دوران نوجوانی محسوب می‌شوند:

۱. هیجان بیش از حد و ریسک‌پذیری. این هیجان مثل شیر گازی است که باز مانده است. نوجوان در این فضای طبیعی بیولوژیک (اما پرخطر) به حمایت بیشتر نیاز دارد. به‌صورت طبیعی، به‌واسطه همین شرایط، تصمیمات هیجانی و پر ریسک نوجوان، بین او و جامعه فاصله می‌اندازد. در چنین اتمسفر حساسی، دستور دادن و کنترل‌های سخت و سخت ممکن است جرقه‌ای برای شروع رفتارهای آسیب‌زا باشد.

۲. انتزاعی نبودن تفکر. نوجوان لذت‌های آنی را مدنظر دارد و به پیامدهای ثانویه توجهی ندارد.

۳. استقلال طلبی. اگر خانواده نیاز به رشد و استقلال نوجوان را نپذیرد، این نیاز نوجوان را به سمت دوستانش سوق می‌دهد. والدین نمی‌توانند و نباید مانع صمیمیت نوجوان با دوستانش شوند، اما باید بتوانند با جلب اعتماد، فرزندان را در کنار خود نگه دارند و با بی‌توجهی آن‌ها را به سمت خطر هل ندهند. فشار اجتماعی هم‌سالان، نیاز به ابراز وجود و اینکه آن‌ها همگی با هم در وضعیتی بیولوژیک

قرار دارند و «همه با هم» به عواقب کارهایشان اهمیت نمی‌دهند، احتمال خطر را بیشتر می‌کند.

۴. شکل‌گیری ارزش‌ها و کدهای اخلاقی. رفتار اجتماعی انسان در بازه ۱۷ تا ۲۳ سالگی پایه‌گذاری می‌شود. درست در همان زمان که نوجوان بی‌پرده از اجتماع و خانواده الگو

آسیب‌های جنسی فقط فیزیکی نیستند. آزار کلامی یا سوءاستفادهٔ موردی موجب تغییر رفتار فرد می‌شوند

درس خوان باشد یا نباشد، اما تغییر ناگهانی و زیاد در حالات و رفتار دانش‌آموز باید بررسی شود. درست نیست که تصور کنیم آزار جنسی صرفاً به انزوا می‌انجامد. گاهی پس از سوءاستفاده، علائم معکوسی چون گرایش افراطی به خشونت یا مسائل جنسی بروز پیدا می‌کند.

با توجه به شیوع مصرف برخی قرص‌ها، مواد روان‌گردان و مواد مخدر، امروزه بیش از مسائل جنسی، آگاهی از اهمیت مخاطرات استفاده از مواد مخدر در اولویت قرار گرفته است. متأسفانه بیشتر این مواد (از هر نوعی که باشند) عوارض خود را در طولانی‌مدت نشان می‌دهند. نوجوان در سال‌های ابتدایی مصرفش، نه تنها آثار منفی آن‌ها را ندیده، چه‌بسا ممکن است شاهد بهبود کارایی، عملکرد درسی و خوابش باشد و نداند این حال به‌ظاهر خوش، تسهیلگر روابط پرخطر و تشدیدکنندهٔ تصمیم‌گیری‌های پر ریسک خواهد بود. اگر خصوصیات مواد مخدر را به‌وضوح معرفی نکنیم، دانش‌آموز از هم‌سالانش اطلاعات اتفاقاً درستی دربارهٔ «امروز این مواد» می‌گیرد و بدون آنکه «فردای آن» را بشناسد، گرفتار عوارضی می‌شود که گاهی ۱۳ یا ۱۴ سال پس از شروع مصرف به سراغش می‌آید.

به عقیدهٔ دکتر رستمی، بهتر است آسیب‌های جنسی را نه به‌صورت موردی و با تمرکز بر افراد، بلکه به‌صورت نظام‌دار در خانواده، دانشگاه، مدرسه و جامعه بررسی کنیم. همچنین، بدون سانسورهای ناآگاهانه، باید به روان‌پزشکان و مشاوران اجازهٔ آموزش بدهیم تا بتوانند به‌جای توصیف‌های اغراق‌آمیز سریال‌ها دربارهٔ کارتن‌خواب شدن یک معتاد، توصیف دقیق‌تر و واقع‌گرایانه‌تری از آسیب‌های بلندمدت مصرف مخدر ارائه دهند.

کودک‌آزاری از نگاه قوانین و ملاحظات حقوقی

خانم نادی، در تعریف کودک‌آزاری،

آن را هر نوع آسیب جنسی و جسمی خواند که به موجب قانون مصوب سال ۱۳۸۱ جرم عمومی تلقی شده است. با توجه به آسیب‌پذیری کودکان، اگر فردی مطلع یا شاهد کودک‌آزاری (کار، تحصیل و آزار جنسی) باشد، موظف است مراجع قانونی را مطلع کند. قانون نیز موظف است به کودک آسیب‌دیده کمک کند. با این حال، آیا این قوانین کارآمد یا پیشگیرانه‌اند؟ همان‌طور که می‌دانید،



گرایش به گروه هم‌سالان و...؛ ۲. نداشتن بستری برای احساس تعلق؛ ۳. رشوه‌گیری مالی و سوءاستفاده از رازها (که پس از رفع نیاز نوجوان به صحبت دربارهٔ مسائل شخصی، یا اطلاع اتفاقی دیگران از رازهای او صورت می‌گیرد)؛ ۴. تغییر سبک زندگی (شیوع طلاق، طلاق روانی، اطلاع از خیانت والدین، بی‌احتیاطی اخلاقی والدین، ضعف باورهای دینی)؛ ۵. فراوانی تبادل تجربه‌های جنسی نامتناسب با واقعیت در فضای مجازی؛ ۶. کاستی آموزش‌ها (نوجوان دربارهٔ تغییرات فیزیولوژیکی، والدین دربارهٔ تغییرات فرزند و مدرسه‌ها دربارهٔ تغییرات اجتماعی و رویکردهای آموزشی ناآگاه‌اند).
دکتر شرفی در پایان سخن، بازنگری در تعریف، طراحی و اجرای برنامه‌ها را به‌عنوان راهکار مطرح کرد.

اورژانس روان‌شناسی، ضروری‌ترین اقدام پس از کودک‌آزاری

دکتر رستمی در ابتدا توضیح داد در حوزهٔ روان‌پزشکی، دو مورد یعنی، اقدام به خودکشی و کودک‌آزاری، موارد اورژانسی محسوب می‌شوند و همان‌طور که آسیب‌های جسمی نظیر جراحت یا سکنه به رسیدگی فوری نیاز دارند، کسی که اقدام به خودکشی کرده و کودکی که مورد آزار قرار گرفته است، باید به سرعت مورد بررسی، تشخیص و درمان قرار گیرد.

آسیب‌های جنسی فقط فیزیکی نیستند. آزار کلامی یا سوءاستفادهٔ موردی موجب تغییر رفتار فرد می‌شوند و احساس گناه یا برجسب خوردگی را در نوجوان به وجود می‌آورند. گاهی نوجوان آسیب‌دیده و آزاردیده را به جراح می‌سپارند و ترمیم عوارض روانی آزار جنسی را نادیده می‌گیرند. تنفر از خود و احساس بی‌ارزشی ممکن است نوجوانی را که ناخواسته دچار آسیب شده، به تن‌فروشی وادارد و با القای «دیگه آب از سرم گذشته، چه یک‌بار چه صدبار؟» بنزین را در معرض آتش قرار دهد.

در تشخیص افتراقی همهٔ بیماری‌های روانی، نقش دوران نوجوانی پررنگ است. یعنی نوجوانی نشانه‌هایی دارد که هر یک می‌تواند در آینده بخشی از دلایل یک بیماری روانی باشد. بهتر است نوجوان تحت نظر قرار گیرد. البته وضعیت عادی، وضعیت ایده‌آل نیست. دانش‌آموز ممکن است در حالت عادی پرخاشگر یا منزوی باشد،



برخی جرم‌ها در
نوجوانی از سر
ناآگاهی نوجوان رخ
می‌دهند و زندانی
کردن او، جرم را
متوقف نخواهد کرد

رسانه‌ای مانند اتفاق سال گذشته خواهیم بود.

به نظر ایشان، انفجارهای رسانه‌ای مفری سیاسی هستند و تنش اجتماعی، سردرگمی والدین و فراگیر شدن آموزش‌های ناکارآمد را به دنبال دارند. افرادی که بیشتر در معرض آسیب هستند، همواره کمتر به آموزش دسترسی دارند. باید فراگردهای تربیتی، حقوقی و پزشکی گرد هم آیند و برای گروه در معرض خطر چاره اندیشند.

جمع‌بندی

در پایان نشست، دکتر نرگس سجادی، مدیر جلسه، گفتند: «لازمه درمان هر دردی، شجاعت مواجهه با آن و پذیرفتنش است. آزار جنسی در همه کشورها وجود دارد، ولی امیدوارکننده این است که آموزش توانسته است میزان آسیب را کاهش دهد».

دکتر شهین ابروانی، مدیر گروه مبانی فلسفی تعلیم و تربیت دانشگاه تهران، افزود، نباید

از به کار بردن کلمه «جنسی» ابا داشته باشیم. اگر صرفاً به صورت گذرا به دانش آموز مهارت نه گفتن را یاد بدهیم، اما او نداند ممکن است در چه موقعیت‌هایی قرار بگیرد و کجا این «نه» را به کار ببرد، یا اگر معلم مدام تحت کنترل باشد و قوانین سفت و سختی بگذاریم که دانش آموز را حتی لمس هم نکند (اما او نداند چرا از این مسئله به ظاهر ساده برحذرش می‌داریم) و اگر امکان وجود هر کدام از این مسائل را برای دانش آموز، والدین و معلم تفهیم نکرده باشیم، آموزشمان مؤثر واقع نخواهد شد.

گاهی کودکان به واسطه معلولیت خودشان، اعتیاد، طلاق یا وضعیت اقتصادی بد والدین در وضعیت خطرناک‌تری قرار دارند. متأسفانه، قوانین قضایی ما حمایت‌کننده نیستند و با مجازات ناکافی یا بیش از حد مجرم، باعث می‌شوند شرایط کودک بدتر شود. او عوامل زیر را از مشکلات حوزه قضا دانست که نیاز به بازنگری قوانین را نشان می‌دهند:

مجازات ناکافی و حبس کوتاه‌مدت در فضای پراسیب

زندان، نداشتن برنامه بازپروری برای

مجرم، دشواری اثبات جرم، نبود قوانین

نظارتی پس از آزادی، فرهنگ مالکیت کودک برای

برخی والدین، رصد نکردن فرزندان بدسرپرست یا معلمان مجرم (معلم از این روستا اخراج می‌شود و دو ماه بعد در روستای دیگری کار می‌کند)، اجرایی نبودن برخی قوانین موجود.

به علاوه، برخی جرم‌ها در نوجوانی از سر ناآگاهی نوجوان رخ می‌دهند و زندانی کردن او، جرم را متوقف نخواهد کرد. بهتر است سیستم، قبل از مجازات، به رصد، آگاهی‌بخشی و حمایت کردن از خانواده‌های در معرض خطر بپردازد.

در سال گذشته، تمام حاشیه‌سازی‌ها علیه یک معلم بود. به نظر خانم نادی، گاهی خود متهم نیز قربانی است. نباید همه تقصیرها را گردن معلم بیندازیم. ایشان می‌گوید، ما سامانه‌ای برای پایش سلامت روانی معلمان، تربیت مشاوران کارآمد تشخیص و بازپروری، چارچوبی برای اعتماد به علم قاضی و برجسب نخوردن شاکی نداریم. به نظر می‌رسد آنچه سیستم را ناکارآمد می‌کند، این است که قاضی پرونده قتل یا اختلاس، پرونده کودک‌آزاری را قضاوت می‌کند و نه تنها زمان کافی برای پیگیری ندارد، که تخصص بررسی اورژانسی کودک‌آزاری را نیز ندارد.

در پایان، خانم نادی پیشنهاد کرد لازم است برای اصلاح قوانین مطالبه عمومی بیشتر شود و برای آگاهی عامه و رسمیت دادن به حقوق کودکان قدم برداشته شود. قانون به تنهایی کارا نیست، اما اگر قانون پیشروتر از جامعه باشد، جامعه ملزم به پیروی می‌شود. نباید ناامیدانه دست روی دست بگذاریم.

اگر راه‌های اطلاع‌رسانی بسته باشند، شاهد انفجارهایی





تربیت جنسی در مدرسه‌های آلمان

زهرا حاجی آخوندی*

آنجا که ایالت‌ها در تعیین نظام آموزشی خود مستقل‌اند، زمان، محتوا و نحوه اجرای برنامه‌های درسی ایالات با هم متفاوت است و گاه با توجه به نیازهای دانش‌آموزان و پرسش‌های آن‌ها تغییر می‌کند. برای مثال، در برلین، به‌عنوان یک ایالت مستقل، برنامه تربیت جنسی در پایه‌های اول و دوم، دادن شناخت به دانش‌آموزان از خود، اعضای جنسی بدن، تفاوت بین دو جنس و همین‌طور آمادگی برای تشخیص سوءاستفاده جنسی و قدرت نه گفتن است. در کلاس‌های سوم و چهارم بارداری و تولد نوزاد نیز در برنامه درسی قرار می‌گیرد. دانش‌آموزان پایه‌های پنجم و ششم برای ورود به دوران بلوغ آماده می‌شوند و در کلاس‌هایی با تفکیک جنسیت، می‌آموزند در این دوران چه تغییرات جسمی و روحی به‌وجود می‌آیند. در کل، بهداشت مربوط به آن را می‌آموزند. جلوگیری از گسترش بیماری و پیشگیری از بارداری نیز از جمله موضوعات است. در دوره متوسطه نیز در درس زیست‌شناسی، مباحثی چون تغییرات اعضای بدن در سن بلوغ و بارداری به‌صورت علمی‌تر کامل می‌شود.

پیشنهاد برگزاری دوره‌های تربیت جنسی در مدرسه، در سال ۱۹۶۸ میلادی به وزارت فرهنگ و آموزش آلمان داده شد. تا سال ۲۰۰۲ که طرح به‌صورت رسمی در برنامه‌های درسی همه ایالت‌ها به اجرا درآمد، بحث‌ها و نشست‌های فراوانی انجام شد. دلایل مذهبی مانع از اجرای این طرح می‌شدند.

اهداف اصلی تربیت جنسی در مدرسه‌های آلمان در دوره ابتدایی عبارت‌اند از: شناخت خود و احترام به دیگران، شناخت بدن، عملکرد و سلامت آن، مفهوم دوستی و عشق، درک احساسات و بیان کردن آن‌ها، درک نیازهای خود و دیگران، تفاوت‌های فیزیکی بین دختران و پسران، سن بلوغ، نیازهای این دوران و بهداشت شخصی، مفهوم خانواده، جلوگیری از گسترش بیماری در خود و دیگران، بارداری و زایمان، جلوگیری از بارداری پیش از موعد، پیشگیری از خشونت یا سوءاستفاده جنسی و درک تنوع فرهنگی.

تربیت جنسی در اصل برعهده خانواده‌هاست و مدرسه‌ها تنها برای تکمیل اطلاعات و دانش به کمک خانواده‌ها می‌آیند. از

* دکتری برنامه‌ریزی درسی



سه طرح برای دهه فجر

خلیل خداوردی داریان^۱

بهاره میرزاپور^۲

عکاس: فاطمه میرزاپور

خیر مقدم مجری و اعلام برنامه

مجری می‌تواند از دانش‌آموزان یا معلمان یا اولیا باشد. او باید متن‌های خود را از قبل آماده کند و آن‌ها را چند بار بخواند تا با تسلط کامل برنامه‌ها را اجرا کند. همچنین، مجری بین هر برنامه روی سن می‌آید، از اجراکننده قبلی تشکر و برنامه بعدی را معرفی می‌کند.

سرود

سرود می‌تواند سرود جمعی مدرسه باشد که همه حاضران در آن شرکت می‌کنند یا سرودی باشد که گروه سرود مدرسه آن را اجرا می‌کند. به همراه سرود می‌توان آهنگ آن را هم پخش کرد.

خاطره

بخش خاطره بیان بهترین خاطره انقلاب از زبان پدربزرگ‌ها مادربزرگ‌های دانش‌آموزان است. برای این کار لازم است یک ماه قبل از جشن، بچه‌ها به دیدار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایشان بروند و موضوع را با آن‌ها مطرح و خاطره را یادداشت کنند و در کلاس فارسی بخوانند. خاطره‌ای که با رأی بچه‌ها و معلم انتخاب می‌شود، در جشن خوانده می‌شود. خود پدربزرگ‌ها یا مادربزرگ‌ها هم می‌توانند در جشن حاضر شوند و خاطره را تعریف کنند.

بیان رسالت دانش‌آموزان در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

این بخش به دو صورت اجرا می‌شود:

۱. تبریک مدیر مدرسه و بیان رسالت دانش‌آموزان به مدت سه دقیقه
۲. نوشتن انشا توسط دانش‌آموزان با این موضوع و خواندن انشای منتخب

دکلمه

خواندن یک شعر یا دکلمه درباره انقلاب اسلامی ایران. این شعر یا دکلمه می‌تواند از بین سروده‌های دانش‌آموزان یا معلمان انتخاب شود و همراه با خواندن آن یک ملودی ملایم پخش شود.

مقدمه

دوست خوبم سلام همیشه یکی از دغدغه‌هایمان این است که چگونه مناسبتی ملی یا مذهبی را طوری طراحی و اجرا کنیم که فرایند آن برای دانش‌آموزان دوست‌داشتنی باشد.

در این شماره، به بهانه نزدیک شدن به سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سه طرح پیشنهادی برای دهه فجر آورده و در آن‌ها سعی کرده‌ایم در عین توجه به حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی، به نشاط و پویایی دانش‌آموزان هم توجه کنیم.

طرح اول یک جشن متمرکز برای روز ۲۲ بهمن است که همه دانش‌آموزان هم‌زمان در آن حضور دارند. مخاطب آن دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی و دوره اول متوسطه هستند و می‌توانیم آن را در نمازخانه یا سالن اجتماعات مدرسه برگزار کنیم.

طرح دوم مجموعه فعالیت‌های ایستگاهی و غیرمتمرکز برای طول دهه فجر است. این برنامه به صورتی طراحی شده است که دانش‌آموزان می‌توانند در طول ده روز، به انتخاب خود در هر زمان و هر قسمتی از آن که دوست دارند حاضر شوند. مخاطب این برنامه هم دانش‌آموزان دوره دوم ابتدایی و دوره اول متوسطه و هم دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه هستند و برای برگزاری آن به فضاهای متنوعی نیاز داریم.

طرح سوم یک میزگرد درباره «جوانان و گفتمان انقلاب اسلامی ایران» است. مخاطب آن دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه هستند و محل برگزاری آن سالن اجتماعات است.

درباره همه بخش‌های هر سه برنامه یک توجه ضروری وجود دارد: از آنجا که بیشتر بخش‌های برنامه‌ها با مشارکت دانش‌آموزان اجرا می‌شود و مربی پرورشی تنها یک تسهیل‌گر است، همه دانش‌آموزان باید سهم مساوی در شرکت کردن داشته باشند. به این منظور، مربی پرورشی باید یک ماه قبل از اجرای برنامه‌ها، با اطلاع دادن به همه دانش‌آموزان، شرایطی فراهم کند که همه آن‌ها در فضای برابر، بخشی را که دوست دارند انتخاب کنند.

شما هم پیشنهادهای خود را برای ما بفرستید.

راه ارتباطی:

bm.teacher1984@gmail.com

همین که چاشنی سرگرمی را داشته باشد کافی است.

مسابقه‌های ایستگاهی

مسابقه‌ها می‌توانند در اطراف سالن برگزار شوند تا هر دانش آموز مسابقه‌ای را که تمایل دارد انتخاب کند.

نقاشی انقلاب

روی یکی از دیوارهای سالن کاغذهای بزرگ چسبانده شود و بچه‌ها نقاشی‌های جمعی یا فردی روی آن بکشند.

پرسیدن سؤال

سؤال‌های کوتاه پاسخ و متناسب با رده سنی دانش آموزان از آن‌ها پرسیده شود: برای مثال:

شعار جاودان انقلاب اسلامی ایران چه بود؟ الله اکبر
رمز پیروزی مردم ایران در انقلاب اسلامی چه بود؟ وحدت
کلمه

پایان برنامه

مجری پایان برنامه را اعلام و از حاضران تشکر کند.

میان پرده

میان پرده می‌تواند یکی از موارد زیر باشد:

۱. پخش یک کلیپ از صحنه‌های انقلاب اسلامی ایران که ساخته دانش آموزان است.
۲. یک نمایش با عروسک دستکشی یا خیمه شب‌بازی یا تئاتر با موضوع وابستگی شاه به بیگانگان و سپردن اداره امور کشور به آن‌ها. برای ساختن عروسک می‌توان عکس شاه و کارتر را روی مقوا چاپ کرد و آن را روی چوب چسباند و جلو صورت گرفت و نمایش را اجرا کرد. یا می‌توان عکس را روی یک دستکش چسباند تا اجراکننده بتواند از دست‌هایش هم استفاده کند.

تردستی

تردستی شامل اجرای هنری و تقلید صداست. معمولاً در هر مدرسه تعدادی از دانش آموزان تردستی‌های جالبی بلدند. می‌توان از قبل در این باره با آن‌ها صحبت کرد و تعدادی از این کارها را در جشن اجرا کرد. مربی پرورشی باید مسئولیت اجرا را به عهده بگیرد تا کار فاخری ارائه شود و دانش آموزان را توجیه کند که روی صحنه همان چیزی را اجرا کنند که از قبل تمرین کرده‌اند. نیاز نیست موضوع تردستی با ایام دهه فجر مرتبط باشد.

مسابقه‌های پرتابی و حرکتی

۱ دارت: روی یک مقوای بزرگ یک صفحه دارت بکشید و روی خطوط امتیاز آن کلماتی چون ظلم، استکبار، وابستگی، استثمار، جهل، نادانی، زور، استبداد و سلطه‌طلبی را بنویسید. دانش آموزان مقابل آن بایستند و وسیله‌ای را که قابلیت فرو رفتن در مقوا داشته باشد، به این کلمات پرتاب کنند.

۲ تیروکمان: پرچم رژیم غاصب صهیونیستی را درست کنید و یک آهنگ فلسطینی پخش کنید. بچه‌ها تیروکمان درست کنند و با آن به پرچم رژیم غاصب صهیونیستی سنگ بزنند.

۳ ضربه به عمو سام: روی پرده تصویر کاریکاتور «عمو سام» را بکشید و پرده را با دو حلقه فلزی به یک چوب لباس متصل کنید. پرده را طوری به رگال لباس متصل کنید که بتوان آن را در طول رگال حرکت داد و به عقب و جلو برد. برای عقب و جلو بردن پرده، یک سمت آن یک سوراخ ایجاد کنید و به آن یک بند دو متری متصل کنید. مسابقه به این صورت است هر کدام از بچه‌ها وسیله‌ای در دست می‌گیرد، مقابل پرده می‌ایستند و آن را به سمت «عمو سام» پرت می‌کند. این وسیله می‌تواند دمپایی پاره یا یک توپ ماهوتی باشد. یک نفر از بچه‌ها هم کنار پرده می‌ایستد و بند را در دست می‌گیرد. او موظف است بند را بکشد و نگذارد دمپایی یا توپ به پرده بخورد.

۴ دومینو: ساخت پرچم جمهوری اسلامی ایران

۵ اریگامی: ساخت لاله سرخ

وابستگی به بیگانه

استکبار

سلطه طلبی

استعمار

ظلم

جهل

زور

اجرای پانتومیم و نمایش

۱ پانتومیم با موضوع شعارهای انقلاب اسلامی. برای مثال، در طلوع آزادی جای شهدا خالی. خمینی خمینی قلب ما باند فرودگاه توست. نصر من الله و فتح قریب مرگ بر این سلطنت پرفریب. مرگ بر شاه درود بر خمینی.

۲ پانتومیم با موضوع شب حکومت نظامی

۳ بچه‌ها از قبل خاطره‌های مردم و اتفاقات واقعی را از روزنامه‌های آن زمان مطالعه و انتخاب کنند و با پانتومیم نمایش دهند.



طرح دوم: فعالیت‌های ایستگاهی برای دهه فجر

به جز جشن متمرکز، می‌توان در طول ده روز دهه فجر برنامه‌های متنوعی در مدرسه برگزار کرد. این برنامه‌ها می‌تواند بخشی از پیشنهادهای زیر یا همه آن‌ها باشد. برای هر کدام از این برنامه‌ها می‌توان یک ایستگاه درست کرد و بالای آن نام ایستگاه را روی یک مقوا نوشت. برای اینکه مشارکت دانش‌آموزان در این برنامه زیاد شود و برنامه باکیفیتی برگزار شود، لازم است از یک ماه قبل بچه‌ها در جریان برنامه قرار بگیرند و برای مطالعه و برنامه‌ریزی و اجرا زمان کافی داشته باشند.

۱. نمایشگاه کتاب به مناسبت دهه فجر؛
۲. بیان خاطرات واقعی انقلاب از زبان معلمان بزرگ‌تر مدرسه یا والدین بچه‌ها؛
۳. «نقاشی انقلاب» روی یکی از دیوارهای مدرسه؛
۴. شعارخوانی و شعرخوانی دسته جمعی انقلاب؛
۵. نمایشگاه روزنامه‌های انقلاب: جمع‌آوری بریده روزنامه‌ها و نصب آن‌ها در بخشی از راهروی مدرسه.
۶. مسابقه: برگزاری مسابقه‌هایی که به آن‌ها اشاره شد به این صورت همه بچه‌ها فرصت دارند در تمام مسابقه‌ها شرکت کنند؛
۷. شب شعر انقلاب: خواندن شعرهای انقلاب اسلامی؛
۸. تردستی؛
۹. فیلم‌های با موضوع انقلاب اسلامی: نوشتن گفت‌وگوهای ماندگار فیلم‌ها روی دیوار و تحلیل فیلم‌ها؛
۱۰. شخصیت‌های انقلاب اسلامی: خاطره‌ها و تصویرها و شیوه زندگی شخصیت‌های اثرگذار در انقلاب اسلامی به تصویر کشیده شود؛
۱۱. ترورهای پس از انقلاب اسلامی: نمایش چهره شخصیت‌هایی که در جریان انقلاب اسلامی ترور شدند و بیان علت ترور آن‌ها؛
۱۲. دشمنان انقلاب اسلامی: نمایش چهره دشمنان انقلاب اسلامی و نشان دادن ضربه‌هایی که آن‌ها به ایران وارد کرده‌اند؛
۱۳. نمایشگاه نقش مساجد در پیروزی انقلاب؛
۱۴. نمایشگاه شب‌های انقلاب، روزهای انقلاب: نمایش اتفاقات روزهای انقلاب و شب‌های انقلاب در قالب عکس و داستان.

طرح سوم: جوانان و گفتمان انقلاب اسلامی

برای مرتبط کردن دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه با انقلاب اسلامی ایران می‌توان برای آن‌ها میزگرد تشکیل داد. این میزگرد دو بخش اصلی دارد: پاسخ به سؤال‌های دانش‌آموزان درباره مسائل انقلاب اسلامی، و پژوهش دانش‌آموزان. درباره این مسائل ابتدا خلاصه‌ای از فهرست برنامه ارائه می‌شود و سپس درباره دو بخش اصلی توضیحات لازم را می‌نویسیم.

فهرست برنامه:

۱. تلاوت قرآن
۲. سرود پرچم
۳. خیرمقدم مجری و اعلام برنامه:

مجری این برنامه باید فردی توانمند و باتجربه باشد.

انتخاب موضوع تا نگارش مقاله تسهیلگر دانش‌آموزان باشند.

پاسخ به سؤال‌های دانش‌آموزان توسط کارشناس

برای این بخش یک کارشناس و تحلیلگر مسائل انقلابی و اجتماعی به مدرسه دعوت می‌شود و بچه‌ها در یک میزگرد، سؤال‌های خود را می‌پرسند. برای افزایش نظم و کیفیت برنامه لازم است دانش‌آموزان از یک هفته مانده به شروع برنامه، سؤالات را به مسئولان برگزاری جشن تحویل دهند و در روز اجرای مراسم مجری سؤال‌ها را تک‌تک بخواند و پاسخشان را از کارشناس بخواهد. برای پویاتر شدن برنامه، مجری می‌تواند هر سؤال را داخل یک پاکت بگذارد و آن را برای قرائت به یک دانش‌آموز بدهد.

۴. ارائه‌های دانش‌آموزان
۵. پاسخ به سؤال‌های دانش‌آموزان توسط کارشناس
۶. ارائه‌های دانش‌آموزان
۷. پایان برنامه

پژوهش‌های دانش‌آموزی درباره مسائل انقلاب اسلامی و ارائه نتایج آن

مخاطب این بخش دانش‌آموزانی هستند که درباره مسائل انقلاب اسلامی پرسش‌های گوناگونی دارند. این افراد باید از ابتدای دی ماه تا ابتدای بهمن یک مقاله درباره موضوع خود بنویسند و در برنامه میزگرد، در ده دقیقه، نتایج آن را ارائه دهند. برای افزایش کیفیت مقاله‌ها می‌توان یک تیم از معلمان و اولیای دانش‌آموزان تشکیل داد که از



تغییر الگوی ذهنی

حل مسئله در کلاس درس

تمرین کوه یخ در چهار گام (قسمت ۴)

لیلی محمدحسین

تصویر گر: میثم موسوی

در مقالات «حل مسئله در کلاس درس» سعی می‌کنیم با استفاده از تمثیل کوه یخ، یافتن راه‌حل‌های واقعی با نگرشی کل‌نگر (نظام‌دار) را با چهار گام تمرین کنیم. این چهار گام عبارت‌اند از: ۱. تحلیل یک اتفاق یا مسئله؛ ۲. یافتن الگوهای رفتاری در مسائل مشابه؛ ۳. شناسایی عوامل و نیروهای مؤثر در مسئله؛ ۴. تغییر عامل یا الگویی ذهنی که باعث به‌وجود آمدن مسئله شده است. گام‌های اول، دوم و سوم را پیش از این معرفی کردیم. در این قسمت گام چهارم معرفی می‌شود که در آن به تعیین الگویی ذهنی که موجب به‌وجود آمدن مسئله شده است و نحوه تغییر آن می‌پردازیم.

تکلیفی به نظر شما می‌رسد؟ آیا دانش‌آموزان می‌توانند برای یادگیری بهتر یک مفهوم، برای آن مدل‌سازی کنند و ابزار مدل‌سازی را به اختیار خودشان انتخاب کنند؟ برخی مربیان معتقدند نقش تکلیف خانه فقط تقویت یادگیری نیست، بلکه توسعه خلاقیت هم از اهداف تکلیف است. آیا تکالیفی که تا به حال برای دانش‌آموزان تدوین کرده‌اید، تقویت تفکر خلاق آنان را نیز در پی داشته است؟ در دوره‌ای که دانش‌آموزان با فضای مجازی آشنا هستند و بسیاری از فعالیت‌های روزمره (از پرداخت قبض تا نظر دادن درباره برنامه‌های تلویزیونی و دریافت آموزش‌های آنلاین) با اتصال به اینترنت انجام می‌شود، تکالیف کلاس درس چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ امروزه افراد، از جمله دانش‌آموزان کلاس ما، برای کسب بسیاری از مهارت‌ها لازم نیست به‌طور حضوری در کلاس درس شرکت کنند. کافی است با استفاده از موتورهای جست‌وجو (مانند google)، به سایت مورد نظرشان دست یابند. آنگاه می‌توانند در هر جا و در هر زمانی به یادگیری آن مهارت بپردازند. آیا تکالیف خانه‌ای که طراحی می‌کنیم با این شرایط سازگار است؟

تنها راه برای حل پایدار مسئله، به چالش کشیدن الگوهای ذهنی‌مان است. ناچاریم به شیوه دیگری تفکر کنیم. اگر بخواهیم تکالیف برای دانش‌آموزان معنادار باشند، باید با جست‌وجو در منابع و به چالش کشیدن باورهای فعلی‌مان، به روش‌های نوین طراحی تکالیف بپردازیم. تکالیف معنادار آن‌هایی هستند که:

در قسمت سوم، از معلمی گفتیم که برای افزایش انگیزه دانش‌آموزان در انجام تکلیف خانه، از پاداش نمره‌ای استفاده کرده است. با این روش، بعضی از دانش‌آموزان در چرخه مطلوب قرار می‌گیرند و همواره نمره بالاتر کسب می‌کنند. بعضی دیگر، که اتفاقاً ممکن است اکثر دانش‌آموزان کلاس هم باشند، در چرخه معیوب قرار می‌گیرند و همواره نمره پایین‌تر کسب می‌کنند. حال چه باید کرد؟

سفر به اعماق ذهن (قسمت انتهایی کوه یخ) ما را به الگوهای ذهنی می‌رساند که منجر به این مسئله شده‌اند. آیا ریشه مسئله شیوه طراحی تکالیف نیست؟ آیا ارائه تکالیف یکسان در کلاسی که نیازها و توانایی‌های دانش‌آموزان متفاوت است، یادگیری مؤثر ایجاد می‌کند؟ آیا مطمئن هستیم انجام تکالیفی که ما طراحی می‌کنیم به یادگیری پایدار و عمیق‌تر شدن درک دانش‌آموزان منجر می‌شود؟ آیا دانش‌آموزان با انجام تکالیف خانه می‌توانند فرایند تولید دانش را تجربه کنند یا فقط آنچه را در کلاس درس ارائه شده است به خاطر می‌سپارند؟ آیا این تکلیف موضوع درس را به زندگی واقعی دانش‌آموزان پیوند می‌زند یا فقط مداد و کاغذی است و دانش‌آموز با انجام مجموعه‌ای کار تکراری، بر یک نوع عملیات ریاضی مسلط می‌شود؟ آیا تا به حال به‌عنوان تکلیف خانه از دانش‌آموزان خواسته‌ایم درباره یک مفهوم ریاضی با اعضای خانواده‌اش گفت‌وگو کند و نتیجه را در کلاس به‌طور شفاهی ارائه دهد؟ آیا اصلاً می‌توانیم در درسی مانند ریاضی، تکلیف شفاهی داشته باشیم؟ اگر پاسخ مثبت است، چه نوع

- به برنامه درسی مربوط هستند و هدف روشنی دارند.
 - بر تکرار طوطی وار مطالب درسی تأکید نمی کنند، بلکه دانش آموز برای انجام آن ها باید به منابع گوناگون از جمله کتاب غیردرسی، اینترنت و افراد مطلع رجوع کند.
 - استقلال و خلاقیت دانش آموز را تقویت می کنند.
 - فعالیت های انگیزاننده برای دانش آموزان دربردارند، از جمله
- آزمایش کردن، تحقیق کردن، بحث و گفت و گو با افراد، ساختن وسیله و ...
- در این چهار قسمت از این مجموعه مقاله ها سعی شد چهار گام حل مسئله، به روش سیستمی و با استفاده از تمثیل کوه یخ ارائه شود. در تصویر زیر این مراحل خلاصه شده اند.

روش های توضیح واقعیت

رویدادها	واکنش نشان دادن
چه اتفاقی افتاده؟	

الگوها/تمایلات	پیش بینی کردن
چه اتفاقی در حال افتادن است؟ قبلا در این وضعیت یا جایی شبیه به این بوده ایم؟	
ساختارهای سیستمی	طراحی
چه نیروهای مؤثری به این الگوها کمک می کنند؟	
الگوهای ذهنی	تغییر
آیا تفکر ما اجازه می دهد که این موقعیت استمرار پیدا کند؟	

* منابع

۱. سنگه پتر و همکاران (۲۰۱۲). خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه و جامعه. ترجمه لیلی محمدحسین. منظومه خرد. چاپ اول. ۱۳۹۷.
2. <https://cdl.edb.hkedcity.net/cd/basic-guide/BEGuideeng0821/chapter08.html>

پشت هر مسئله به ظاهر لاینحلی، مجموعه ای از نگرش ها و باورها وجود دارد. ممکن است برخی از این نگرش ها و باورها گمراه کننده و مانع اثربخشی باشند، ولی از دید ما پنهان مانده باشند. به همین علت، به چالش کشیده نشده اند. اگر بتوانیم این نگرش ها و باورها را به سطح بیابوریم و درباره آن ها پرس و جو کنیم، می توانیم تغییری ایجاد کنیم که به حل پایدار مسئله بینجامد. این نوع حل مسئله، حل مسئله با نگرش نظام دار است که به تحول در ساختار سیستمی منجر می شود که مسئله را به وجود آورده است.



پشت‌خط (۲۱)

چند سطر سست و بی‌سروته را برایم فرستاده و پرسیده است: - نظرتان راجب این شعر چیست؟
- به نظرم این نوشته اصلاً شعر نیست. پر است از غلط؛ همان‌طور که «راجب» غلط است و «راجع به» صحیح است.
- همه که مثل شما شاعر و معلم ادبیات نیستند، تا غلط و درست برایشان مهم باشد. به‌هر حال، این شعر درد و دل مردم را گفته است.
- گفتم که این نوشته پُر از غلط، شعر نیست. در ضمن «درد و دل» هم غلط است و «دردِ دل» صحیح است.
- برو بابا، شما معلم‌های ادبیات هم فقط بلدید به غلط‌های دیگران گیر بدهید!

بسیارند کسانی که به مطالعه و کتاب علاقه ندارند، اما به اقتضای موقعیت اجتماعی، ناگزیرند خود را دوستدار شعر نشان بدهند.

شماری از این جماعت، تحصیلات عالی هم دارند؛ کارشناس و دکتر و مهندس و حتی مدرس دانشگاهی‌اند. اما از زمره همان‌هایی که به جای «برخاستن» می‌نویسند «برخواستن» و به جای «حافظ شیرازی» می‌نویسند «حافظه شیرازی».

یعنی از سر زانوی نوشته‌هاشان معلوم است چقدر با کتاب و مطالعه بیگانه‌اند.

این دوستداران شعر انگار نمی‌دانند که شعر چیزی بیش از جملات موزون و نیمه‌موزون است. و حرف‌های شاعرانه نیز چیزی بیش از آه و اندوه مصنوعی و تقلیدی.

انگار نمی‌دانند هر شعری که چند تا (جان من جانان من، یار من دلدار من، جان جهان من تویی) داشت، لزوماً شعر عرفانی نیست.

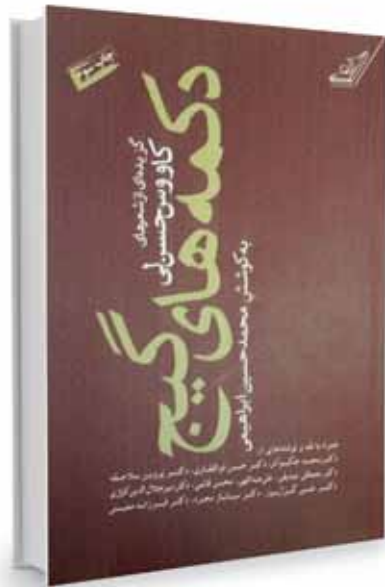
شعر گاهی خیلی ساده و صمیمی است، مانند این دوبیتی باباطاهر:

خوشا آنان که هر از بر ندوندند
نه چیزی وانویسند و نه خوندند
چو مجنون سر نهند اندر بیابان
در این کوه‌ها روند آهو چروندند
یا مثل این شعر عمران صلاحی:

صب زود وقتی که باد
تو کوچه صدایش میاد
پا می‌شم فوری درو و می‌کنم داد می‌زنم:
آی نسیم سحری
یه دلِ پاره دارم چن می‌خری؟

گاهی هم شعر زبانی پیچیده دارد. اما هر چه هست، حرف‌های تکراری و سطحی و جملات شلخته و پر از غلط شعر نیست؛ هر چند به مذاق جماعتی پرشمار، خوش‌آیند باشد.

اسماعیل امینی



معرفی کتاب

دکمه‌های گنج گزیده‌ای است از شعرهای دکتر کاووس حسینی، شاعر و استاد دانشگاه شیراز. حسینی علاوه بر شاعری، پژوهشگر توانایی هم هست. مقالات و پژوهش‌های او در خصوص حافظ و سعدی در سال‌های اخیر مورد اقبال واقع شده‌اند.

«دکمه‌های گنج» را نشر کوله‌پشتی چاپ کرده است. شعری از این کتاب:

دست مرا بگیر و دلم را تکان بده
یعنی کمی به هیکل این مرده جان بده

تا وا شود کمی یخ این جان منجمد
در زیر زلف خویش مرا آشیان بده

تا وا شود دوباره کمی چشم و گوش من
از پشت پرده گوشه چشمی نشان بده

تاریک مانده‌ام کف این دخمه‌نمور
از گوشه درپچه کمی آسمان بده

یخ می‌زند صدای من از سوز این سکوت
حرفی بزن دوباره تنم را توان بده...

شاعران ایران در جهان (۴)

بعد از شناخت جایگاه فردوسی و خیام در جهان، به چهره جهانی شاعر و عارف بزرگ ایران زمین، **عطار نیشابوری**، نگاهی خواهیم داشت.

شیخ فریدالدین عطار، از شاعران قرن‌های شش و هفت، چه در ایران و چه بیرون، بیشتر چهره عرفانی‌اش مورد توجه بوده است. در خارج از ایران، آنچه نگاه محققان را از عطار به خود جلب کرد، تفکرات عارفانه او در اغلب آثارش بود که از این میان دو اثر بیشتر به ترجمه رسید. ابتدا کتاب «پندنامه» و دیگر «منطق الطیر» که کتاب نخست منسوب به عطار است.

پندنامه را اولین بار در سال ۱۸۰۹ میلادی، شخصی به نام **هیندلی**، ترجمه و چاپ کرد. پس از او مستشرق نام آشنا، **سیلوستر دو ساسی**، همین کتاب را با نام «نصایح» به فرانسه ترجمه و منتشر کرد و مورد توجه محققان و شخصیت‌های بزرگ واقع شد.

دو ساسی در پی شناخت پیشین از منطق الطیر، در حواشی نصایح، توضیحاتی درباره منطق الطیر نوشت و در سال ۱۸۵۷ هم کتاب منطق الطیر را به زبان فرانسه انتشار داد.

دو ساسی شاید مهم‌ترین شخصیت در معرفی عطار به غرب محسوب شود، چون پس از چاپ ترجمه او، افرادی چون **فیتز**

جرالد، هوگو و هلموت ریتز، با عطار و دنیای او آشنا و شیفته آن شدند.

جرالد، مترجم رباعیات خیام، در اواخر قرن نوزده (۱۸۸۲) منطق الطیر را به انگلیسی ترجمه و چاپ و توجه بسیاری را به این اثر جلب کرد.

ویکتور هوگو نیز بخش‌هایی از منطق الطیر، به‌ویژه وادی هفتم، یعنی «فقر و فنا»، را با نگاه و تأویل فردی خود در کتاب شرقیات آورده بود. و تأثیر قوی‌تر عطار و کتاب منطق الطیرش را بر هوگو در کتاب «افسانه قرون» او می‌توان دید، در بخش پایانی کتاب که به خدا و شیطان مربوط است و جنبه عارفانه پیدا می‌کند.

در افسانه قرون، شخصیت شاعر، به‌عنوان یک کاراکتر، با صداهای مرغانی مواجه می‌شود که بر زبان‌شان نام خدا جاری است و خواسته آن‌ها دیدار خداست. تأثیر منطق الطیر را بیشتر در اینجا شاهدیم.

ارنست فوئینه و آرمان رنو، چهره مشهور مکتب پاراناس، از دیگر شخصیت‌هایی هستند که به ترتیب به ترجمه منطق الطیر و همچنین تحت تأثیر این کتاب، به نوشتن توضیحاتی اقدام کردند.

علی آبان

هم‌قطار

جنگ یک جدول تناسب بود، تا جوابش همیشه این باشد
پدرم ضربدر چهل درصد، حاصلش بخش بر زمین باشد

عده‌ای را ضریب منفی داد، عده‌ای را به هیچ قسمت کرد
تا هر آن‌کس که سوءنیت داشت، تا ابد زیر ذره‌بین باشد

یک نفر فکر آب‌وخاک که نه، در پی نان‌وآب بود از جنگ
خطر جبهه را خرید به جان، تا پس از جنگ خوش‌نشین باشد

یک نفر پشت خاکریز خودی، لشکرش را که در محاصره دید
سر خود را گذاشت روی زمین، تا دعاگوی سرزمین باشد

یک نفر فارغ از معادله‌ها، بی‌خیال تمام مشغله‌ها
روی میدان مین قدم زد تا ته این سطر نقطه‌چین باشد

در جواب کسی که می‌گوید، پدر از جنگ دست پر برگشت
هر دو تا آستین او خالی است، تا جوابش در آستین باشد

هم‌قطار پدر که عکاس است، گفت در هشت سال جبهه و جنگ
حسرتش ماند بر دلم یک‌بار، پدرت رو به دوربین باشد...

محمدحسین ملکیان

غزلی از کتاب لیلی آذر

محبوب من! سرشاری از خوش‌حالی کودکانه
مثل دبستان لحظه‌ای که می‌خورد زنگ خانه

پاییزها، جوجه پرستوهای جا مانده از کوچ
در گودی انگشت‌هایت می‌کنند آشیانه

می‌بینمت در صبح شاد کوچه‌های پس از برف
دور و برت آواز گنجشکان دنبال دانه

در جیب‌هایت مثل یک صندوق پست قدیمی
هر روز پیدا می‌شود یک نامه عاشقانه

بویی نخواهد بُرد هرگز باد از صحبت ما
ای طعم لب‌های تو چون دشتی پُر از رازیانه

هم عاشقم، هم شاعرم، اصلاً تعجب ندارد
با یک نگاهت می‌گذارم کوه را روی شانه

از حفظ می‌خوانم تو را وقتی که دلتنگم ای عشق!
وقتی که باران می‌زند بر بام‌ها با ترانه

اعظم سعادت‌مند



چرا مقاله بخوانیم؟

جعفر ربانی

تصویر گر: میثم موسوی

حوزه‌های محدود، صرف‌نظر از تألیف کتاب، پاره‌ای از آثار خود را در صفحاتی کمتر به نام رساله یا جزوه یا کراسه می‌نوشتند. اما در آن زمان، هم به خاطر نبودن صنعت چاپ و هم بی‌سوادی عمومی، این رساله‌ها در تعدادی محدود یا معدود نوشته می‌شدند و تنها به دست خواص می‌رسیدند. لذا تأثیر فراگیر و عمومی نداشتند. اما وقتی چاپ آمد و نوشتن برای عموم مردم نیز طرفداران و خوانندگانی یافت، و به‌ویژه مطبوعات و روزنامه‌ها هم به میدان آمدند، مقاله‌نویسی هم باب شد و جایگاه مهمی پیدا کرد و نویسندگان بزرگ و حتی فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه، به آن اقبال نشان دادند. مقاله‌نویس شدند و مجلات پر از مقاله خود را منتشر کردند. اما مقاله چیست؟

ندارم. برعکس، می‌خواهم بگویم که کتاب به جای خود، اما مقاله خواندن بیشتر می‌تواند افق دید و نگاه مردم را نسبت به وضعیت خود و پیرامون خود ارتقا دهد و بر آن‌ها تأثیر بگذارد.

به‌ویژه اگر این خوانندگان معلمان باشند؛ که طبعاً این خواندن آن‌ها بر دانش‌آموزان هم مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر خواهد گذاشت. اما اول ببینیم مقاله و جایگاه آن در نوشتن چیست.

مقاله‌نویسی شیوه‌ای در نوشتن یا نوعی از نوشتار است که از رهگذر تعلیم و تربیت نوین به جامعه ما رسیده است. بنابراین، تاریخچه آن به عصر مشروطه باز می‌گردد.

پیش از آن البته ما خود به‌نحو مقاله‌نویسی داشتیم و پاره‌ای از علما و دانشمندان، در

حتماً شما هم این را زیاد شنیده‌اید که معمولاً در یک مسابقه یا مراسم فرهنگی مجری از کسی می‌پرسد: «آخرین کتابی که خوانده‌اید، چه کتابی بوده است؟» ولی هیچ‌وقت پرسیده نمی‌شود که: «آخرین مقاله‌ای که خوانده‌اید چیست؟» این نشان می‌دهد که هنوز در میان کتاب‌خوان‌های ما، مگر اندک، مقاله خواندن به سنت یا فرهنگ تبدیل نشده و ارزش خود را به دست نیاورده است. پس شما حق دارید اگر با دیدن عنوان بالای این نوشته بگویید در این وانفسای کتاب نخواندن یا فقر کتاب‌خوانی، نویسنده این مطلب می‌خواهد فاتحه همین مقدار کتاب‌خوانی را هم بخواند و عطای آن را به لقای مقاله‌خوانی ببخشد! اما چنین نیست و بنده چنین قصدی

مقاله

مقاله نوشته‌ای است نه چندان طولانی و بلند راجع به یک موضوع منفرد و محدود که نویسندگان آن را بر اساس اصول و معیارهای علمی و منطقی حوزه مورد نظر - مثلاً حوزه تاریخ، فیزیک یا شعر تشریح و تبیین می‌کند. مقاله ویژگی‌هایی دارد که آن را از کتاب متمایز می‌سازد:

■ حجم آن نسبت به حجم کتاب اندک است و معمولاً در یک نفس می‌توان آن را خواند.

■ زبان مقاله معمولاً ساده و سالم است. از زبان کنایی و استعاری یا بیان احساسات و علاقه‌های شخصی در آن استفاده نمی‌شود و مجال فضل‌فروشی نیز در آن کمتر است. ■ عنوان مقاله، اگر دقیق انتخاب شود، به خودی خود به مثابه گزاره‌ای خبری، محتوای خود را فاش می‌سازد.

■ امکان انتشار مقاله بیشتر و آسان‌تر است، زیرا مقالات را عموماً مطبوعات و مجلات منتشر می‌کنند.

■ مقاله‌نویس معمولاً خود را بیشتر از نویسندگان کتاب در معرض دید و قضاوت خواننده‌اش قرار می‌دهد.

■ مقاله اصولاً نوشته‌ای انتقادی است، زیرا نویسنده‌اش حرفی دارد که می‌خواهد بزند، و به عبارت دیگر مدعی است. پس خواننده نیز حق دارد به نوشته او به دیده انتقاد نگاه کند.

مقاله‌خوانی

گفتیم مقاله‌نویسی از مظاهر تمدن جدید است. به همین دلیل باید گفت، جهان مقاله، که مقاله و مقاله‌نویس و خواننده مقاله را شامل می‌شود و نیز مطبوعات که سهم اصلی را در انتشار مقاله به عهده دارند، جهانی پویاتر از جهان کتاب است؛ هر چند ممکن است لزوماً، به لحاظ معنا و غنای محتوایی، غنی‌تر از جهان کتاب نباشد، که نیست.

جهان مقاله بازتاب چهره جهانی است به شدت متحول، که امروزش با دیروزش یکی نیست و هر زمان در کار ابداع و ایجاد اندیشه یا عملی جدید است.

بنابراین، کسانی هم که این جهان را از نظر علمی و معرفتی و شناختی، بیشتر احساس می‌کنند، باید به این بعد فرهنگی تمدن جهان جدید بیشتر رغبت نشان دهند

■ هر مقاله چشم‌اندازی تازه - اگر چه محدود - درباره یک موضوع یا مطلب به خواننده نشان می‌دهد که به او امکان می‌دهد نسبت به کتاب بیشتر بیندیشد و تفکر کند.

■ مقاله در هر حال از طراوت و تازگی بیشتری نسبت به کتاب برخوردار است، حتی اگر موضوع آن تازه نباشد و به مطلبی قدیمی بپردازد.

■ بسیاری از موضوعات را که قابلیت کتاب شدن ندارند، به راحتی می‌توان در قالب مقاله ارائه داد.

در اینجا عنوان‌های چند مقاله مشهور و نویسندگان آن‌ها را می‌آوریم که در هر یک می‌توان پارهای از ویژگی‌های یاد شده را ملاحظه کرد:

■ ایران را چرا باید دوست داشت؟ (محمدعلی فروغی)

■ یک روز در سمرقند (محمدعلی اسلامی ندوشن)

■ تربیت نسل جوان از نگاه دانشمندان پیشین (دکتر سید جعفر شهیدی)

■ دگرگونی زبان فارسی در برخورد با تهران مدرن (داریوش آشوری)

■ ریشه تاریخی ضرب‌المثل «به مشروطه‌اش رسیده» چیست؟ (محمد مهدی پرتوی)

■ اصول تعلیم و تربیت در نظام فکری ژان ژاک روسو (احمد سمیعی گیلانی)

■ تأملی در باب اقتباس تمدن غربی

(غلامعلی حداد عادل)

■ درسی که از بهار باید آموخت (مرتضی مطهری)

مقاله‌نویسی بسیار بیشتر از کتاب در توسعه علوم و فناوری‌ها نقش ایفا کرده است و در دانشگاه‌های بزرگ جایگاه مهمی دارد. برای مثال، آغاز کار عظیم آلبرت اینشتین که جهانی را در نوردید، از سه مقاله علمی آغاز شد که در جوانی نوشت. آن سه مقاله عبارت بودند از «ماهیت نور»، «واقعیت اتم‌ها» و «فضا و زمان». مقاله اول بعدها برای وی جایزه نوبل آورد (۱۹۲۱) و مقاله سوم به تدوین نظریه نسبیت انجامید که دگرگونی اساسی در نگاه بشر نسبت به جهان هستی به وجود آورد. شاید همین نمونه‌ها سبب شده‌اند که در جهان غرب شبکه مقالات علمی به نام مؤسسه اطلاعات علمی یا ISI (Institute for Scientific Information) تأسیس شود که خود را همچون ماهی‌گیری بر سراسر اقیانوس علم گسترده است. و با وجهی که برای خود دست و پا کرده است، سیل مقالات علمی را از گوشه و کنار جهان دریافت می‌کند. بدیهی است این کار امکان بزرگی برای مجامع علمی جهان غرب فراهم می‌کند تا از دستاوردهای یکایک صاحبان اندیشه و خلافت در کره زمین بهره گیرند.

این در حالی است که کتاب‌ها نمی‌توانند از چنین قابلیت و ظرفیتی برخوردار باشند.

مقاله‌نویسی و مقاله‌خوانی می‌توان گفت، مقاله‌نویسی همواره وضعیت بهتری از مقاله‌خوانی داشته است. شاهد آن مجلات عمومی و علمی طراز اولی است که در چندین دهه گذشته، به‌ویژه از وقتی دانشگاه‌ها و مدرسه‌ها توسعه یافتند، منتشر شدند و نقش مؤثری در افزایش آگاهی عمومی و علمی جامعه ایفا کردند.

پیرو همان وضعیت بود که دایرةالمعارف‌نویسی و تولید فرهنگ‌نامه‌ها هم، به‌ویژه در چهار دهه اخیر، رونق گرفت، چراکه دایرةالمعارف‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها هم چیزی جز مجموعه مقالات مفصل در رشته‌های گوناگون نیستند. با وجود این، مقاله‌خوانی، همان‌طور که در ابتدای این سخن گفتیم، پایه‌ای مقاله‌نویسی رشد نکرده است. ما در این زمینه به شدت به ایده‌ها و راهکارهای تازه احتیاج داریم.

و اینان عبارت‌اند از معلمان، دانشجویان، استادان، کارشناسان در همه زمینه‌ها، و به‌طور کلی شهروندانی که دغدغه‌هایی فراتر از زندگی تکراری و روزمره دارند.

در اینجا به معلمان تأکید می‌کنیم، زیرا اینان هستند که با پویاترین و خلاق‌ترین و زنده‌ترین بخش جامعه نه تنها سروکار دارند، بلکه وظیفه دارند چشم آن‌ها را به جهان آینده بگشایند؛ همان جهانی که گفتیم امروزش با دیروزش یکی نیست.

مقاله‌نویسی و مقاله‌خوانی یکی از ابزارهایی است که در این راه به کار می‌آید. در واقع، امروزه در جهان، پیشرفت و توسعه علمی از طریق «مقالات علمی» محقق می‌شود و زمینه مقاله‌نویسی و مقاله‌خوانی را باید در مدرسه ایجاد کرد و نه در دانشگاه؛ زیرا در دانشگاه دیگر فرصت نیست.

با یک برآورد اجمالی از وضعیت

هفت کلید گنج یادگیری!

رویا صدر

تصویرگر: سام سلماسی

برخی از معلمان مدام گله می‌کنند که دانش‌آموزانشان درس را به راحتی یاد نمی‌گیرند و از تنبلی رنج می‌برند. اگر شما هم جزو این دسته از معلمان هستید و مایلید قدرت یادگیری دانش‌آموزانتان را تا آسمان هفتم بالا ببرید، راهکارهای زیر را که کارشناسان زبده دنیا ارائه کرده‌اند به کار ببرید. باشد که موفق شوید:

۱ از جملات کلیدی استفاده کنید.

در زندگی عباراتی هست که مثل خوره، در انزوا و در ملأ عام، روح دانش‌آموز را می‌خورد و می‌تراشد. این جملات را عین نقل و نبات به کار ببرید تا دانش‌آموز حساب کار دستش بیاید و یادگیری‌اش تقویت شود. به حرف کسانی هم که می‌گویند شخصیت دانش‌آموز خرد می‌شود و این حرف‌ها اثر عکس دارد توجه نکنید. آن‌ها حسودند. چشم ندارند پیشرفت دانش‌آموزان شما را ببینند. این جملات عبارت‌اند از:

- چه گناهی کردم گیر تو افتادم؟
- از فلانی یاد بگیر.
- کاش این قدر که قد دراز کردی، یه ذره هم مغزت بزرگ می‌شد (خنده حضار).
- آگه اینو یاد نگیری، این نشستن و نوشتنات یه قرون ارزش نداره (قرون تلفظ عامیانه واحد پولی در عصر ماقبل تاریخ بود که ارزش آن یک ده هزارم واحد پول فعلی است. م)
- عیبی نداره، یاد بگیر! همه که نباید دکتر و مهندس بشن. به هر حال، بیکار هم برای جامعه لازمه.
- خب، حالا درسو نمی‌فهمی اشکال نداره. آخر سال وقتی نمره‌ها رو دادم می‌فهمی.
- روی مغزت تابلوی «ورود ممنوع» زدن؟! (خنده حضار).
- از اول سال تا حالا چیکار می‌کردی؟!
- (هنگام سؤال پرسیدن دانش‌آموز): از اول کلاس تا حالا داشتم چی می‌گفتم؟! قصه حسین کرد شبستری؟! (خنده حضار)
- آگه تا جلسه بعد اینارو یاد نگرفته بودی، سر کلاس من نیا.

۲ موقع تدریس اجازه پرسش را به دانش‌آموز ندهید.

اگر کسی فکر می‌کند بچه‌ها وقتی سؤال کنند درس را بهتر یاد می‌گیرند، بی‌خود فکر می‌کند. حرف نباشد. برعکس، سؤال پرسیدن شاگردان، در امر تدریس وقفه جدی وارد می‌کند و از دانشمندی شدن آن‌ها جلوگیری می‌کند. بنابراین، شما با تکرار «سؤالا بگونه برای بعد»، بی‌وقفه درس دهید و به شاگردانتان حتی فرصت بلندکردن دست هم ندهید. اگر هم کسی سؤالی پرسید، به گونه‌ای با او برخورد کنید که از سؤال پرسیدن پشیمان شود. چنانچه می‌گویند، پیشرفت علمی افلاطون مدیون عکس‌العمل‌هایی است که استادش سقراط به سؤالاتش نشان می‌داد. سقراط مکرراً در پاسخ به سؤالاتش می‌گفت: «ای افلاطون! آیا اصلاً می‌دانی سؤال چیست؟ آیا معنای واژه پرسیدن بر تو روشن است؟ حالا بنشین.»



۳ به تفاوت شیوه‌های یادگیری اعتنا نکنید.

دانش‌آموزان شیوه‌های یادگیری متفاوتی دارند. مثلاً یکی از راه گوش دادن و دیگری از راه خواندن و دیگری از راه تکرار و یکی دیگر از راه تماشا کردن هم‌زمان فیلم و دیگری از راه بازی هم‌زمان با موبایلش درس را فرا می‌گیرد. با این حال، یک شیوه استاندارد برای آموزش وجود دارد که همانا از طریق متکلم وحده بودن معلم سر کلاس حاصل می‌شود. در نتیجه دانش‌آموز غلط می‌کند طور دیگری یاد بگیرد. چشمش کور، دنده‌اش نرم، خودش را با شیوه شما هماهنگ کند.

۴ انعطاف ممنوع است.

بعضی از شاگردان با ابراز اینکه افسرده‌اند، بیمارند، مشکل خانوادگی دارند، مشکل یادگیری دارند و یا نگران قیمت طلا و ارز و نبود تسهیم پروانه در بازار هستند سعی می‌کنند از درس فرار کنند و به جمع نادانان تاریخ بپیوندند. نکنند در برابرشان انعطاف به خرج دهید که بدعادت می‌شوند. یادتان باشد که دیوجانس زمانی عمق فلسفه را دریافت که بر اثر نشستن دائم در یک خمره دچار آرتروز گردن شده بود و ارشمیدس هنگامی اصل شناوری را مطرح ساخت که از نداشتن بالاپوش کافی در رنج بود. بنابراین سختی‌های زندگی فقط بهانه‌اند و آدمیزاد در هر شرایطی می‌تواند دانشمند شود.

۵ شیوه‌های تدریس را عوض نکنید.

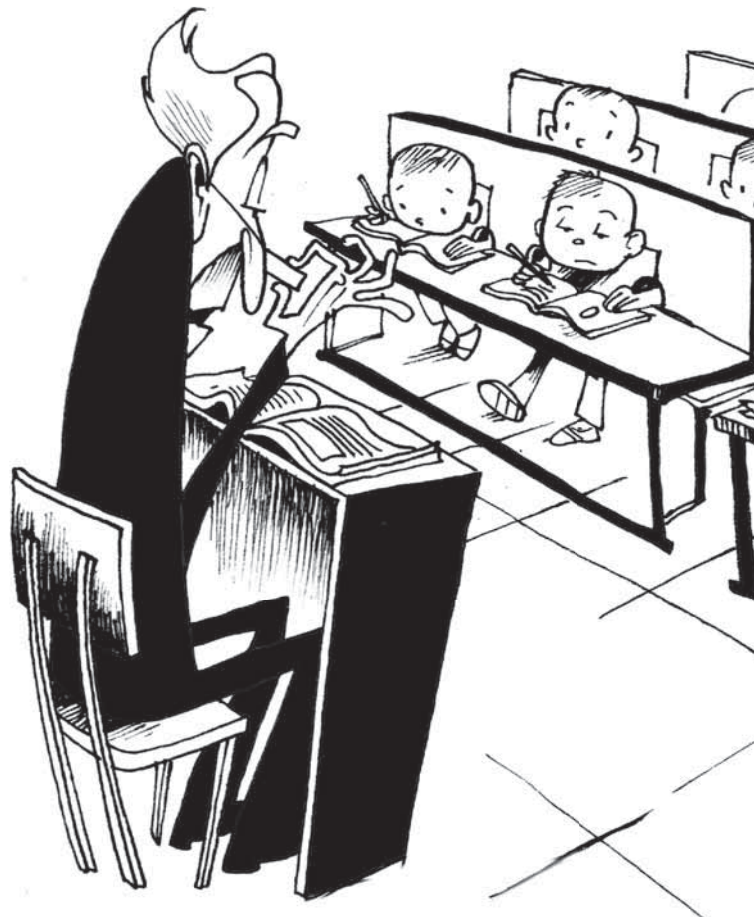
بعضی‌ها می‌گویند شیوه‌های تدریس را باید هماهنگ با نیازهای آموزشی و تکنولوژی مدرن تغییر داد تا قدرت یادگیری دانش‌آموزان بالا برود. غافل از اینکه این حرف‌ها همه‌اش بیخودند و هر کس بخواهد درس بخواند، با چراغ گردسوز هم درس می‌خواند. اگر دیدیم قدرت یادگیری دانش‌آموز کم است، شایسته است چراغ گردسوز را عوض کنیم، نه این که با تغییر روش‌های تدریس، تیشه به ریشه شیوه‌های آموزشی به‌جا مانده از عصر غارنشینی بزنیم.

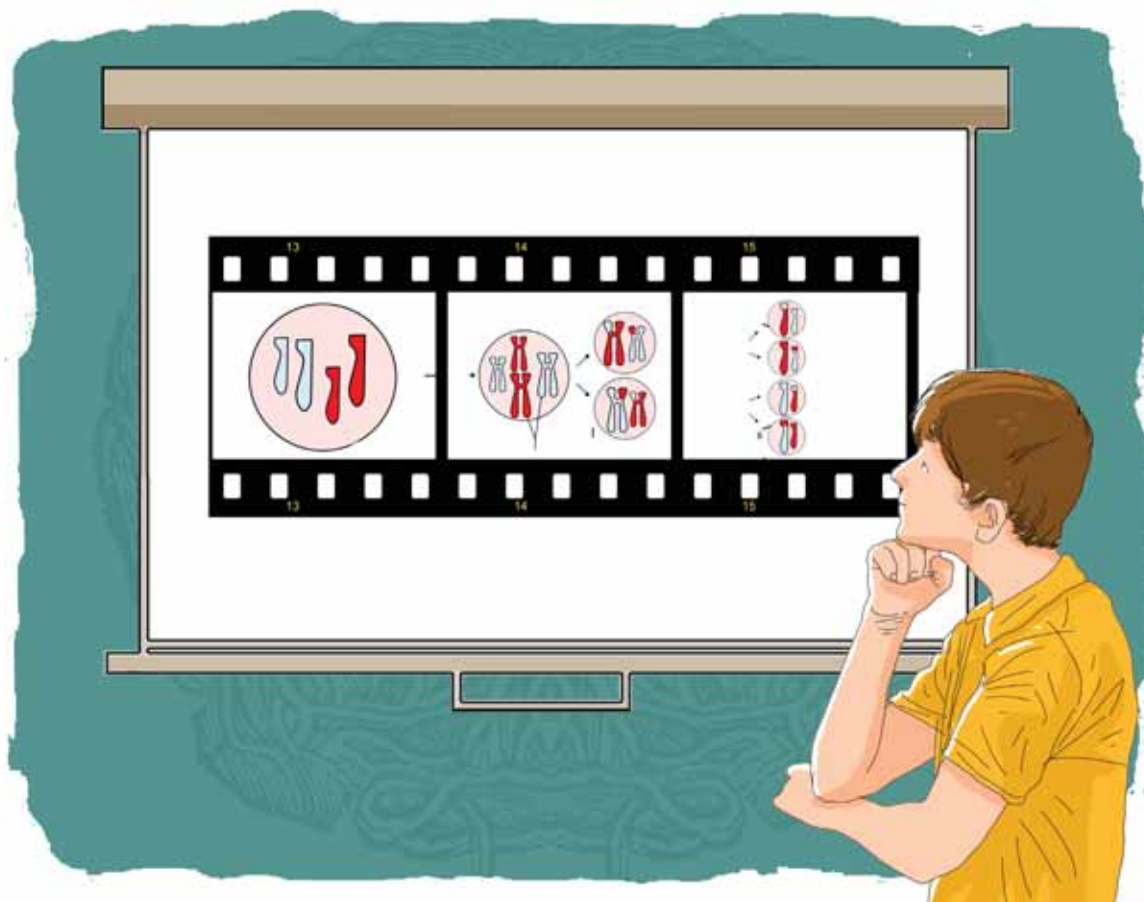
۶ لزومی به بالا بردن سطح دانشتان نیست.

بالا رفتن سطح یادگیری دانش‌آموز مطلقاً ربطی به سطح دانش معلم ندارد و هر کس هم گفته، بیخود گفته است! مهم این است که بتوانید مباحث کتاب درسی را در حافظه دانش‌آموز فرو کنید، به نحوی که سرریز نکنند و تا زمان کنکور به‌خوبی رسوب کنند. چند دهه که این کار را برای مباحث ثابتی تکرار کنید، قلقش دستتان می‌آید. خیلی‌ها چشم ندارند آرامش بعضی معلمان را ببینند و برای دانششان و تأثیر آن بر یادگیری دانش‌آموزان حرف درمی‌آورند و بیخود و بی‌جهت نگران‌شان می‌کنند.

۷ بدانید که شیوه اداره کلاس تأثیری بر یادگیری دانش‌آموزان ندارد.

برخی از کج‌فکران معتقدند، اداره ناصحیح کلاس توسط برخی معلمان، در دیرفهمی بعضی بچه‌ها تأثیر می‌گذارد. در حالی که این‌طور نیست. اگر به علت شوخی و خنده زیاد مهار کلاس از دستتان دررفت، یا به علت زهرچشم گرفتن، شاگردانتان جرئت نفس کشیدن نداشتند، هیچ کدام از این‌ها تنبلی بچه‌ها را توجیه نمی‌کند. تاریخ پر است از دانش‌آموزانی که سر کلاس از ترس معلم تا مرز زهره‌ترک شدن پیش رفتند و یا برعکس، با وجود حضور معلم، کلاس را با زنگ تفریح اشتباه گرفتند، ولی بعدها دانشمند شدند و به بشریت خدمت کردند. بنابراین، دانش‌آموز باید بتواند در نامناسب‌ترین شرایط هم درس را بفهمد و اگر نفهمید گردن خودش است و به شیوه کلاس‌داری معلم مطلقاً ربطی ندارد.





یادگیری از موفقیت‌ها

شقایق بهرامی

تصویر گر: میثم موسوی

در بسیاری از جلساتی که معلمان و کارکنان آموزشی، با هدف بهبود کارشان، برگزار می‌کنند، به بررسی مسائل می‌پردازند. آنچه گاهی در این میان فراموش می‌شود، موفقیت‌هایی است که گاهی کسب شده‌اند. چارچوب گفت‌وگوی تحلیل موفقیت ساختاری است برای یاد گرفتن از تجربه‌هایی که به خوبی پیش رفته‌اند و بررسی اینکه چه اصول و ایده‌هایی در آن تجربه‌ها وجود دارند که می‌توانند برای موفقیت در فضاهای دیگر نیز به کار گرفته شوند.

بعد از هر چند جلسه، خوب است یک جلسه تحلیل موفقیت نیز داشته باشید، چون گفت‌وگو در این چارچوب، علاوه بر فراهم کردن فرصتی دیگر برای یادگیری گروهی، با یادآوری نقاط قوت، انگیزه گروه را برای ادامه مسیر حفظ می‌کند. با کمک این چارچوب می‌توانید هم تجربه‌های معلمان با تجربه را به گروه بیاورید و هم توجه و اعتماد گروه را به کار خوب معلمان تازه‌کار جلب کنید. هر چند بهترین کارها هم می‌توانند با بازخورد مؤثر بهبود یابند، هدف ما در این گفت‌وگو چنین چیزی نیست. لازم است در این جلسه فقط و فقط درباره ابعاد مثبت کاری که ارائه شده صحبت شود.

مثال‌های مورد استفاده در این نوشته، از جلسه‌ای که در تاریخ ۲۱ خرداد ۹۷ برگزار شد، انتخاب شده است. در این جلسه، معلم زیست‌شناسی متوسطه دوم طرح درس موفق را که برای آموزش مبحث تقسیم سلولی آماده و اجرا کرده بود، برای ارائه به گروه آورد.

۱

آغاز (۳-۵ دقیقه)

■ مثل همیشه، گرداننده جلسه چارچوب گفت‌وگو را مرور، ارائه‌دهنده را معرفی و اطمینان حاصل می‌کند که مستندساز برای ثبت جلسه آماده است.

۳

پرسیدن سؤالات شفاف‌ساز (۳ دقیقه)

■ اعضای گروه درباره جزئیات موفقیت سؤالاتی شفاف‌ساز می‌پرسند تا خلأهای اطلاعاتی را که برای فهم موضوع نیاز دارند، پر کنند.

■ طول هر فیلم چقدر بود؟ تقریباً دو دقیقه.

■ آیا برای بعد از کلاس هم تکلیفی وجود داشت؟ بله، فیلم‌ها را جایی در دسترس همه قرار دادم. هر کس باید برای سلولی با عدد کروموزومی به انتخاب خودش، تقسیم سلولی را رسم می‌کرد.

۲

توصیف موفقیت (۵-۸ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده داستان موفقیتش را با جزئیات می‌گوید. اعضای گروه یادداشت برمی‌دارند و اگر ارائه‌دهنده کاری با خودش آورده باشد، نمونه‌ها را بررسی می‌کنند.

■ «سال‌های قبل من تقسیم سلولی را به شیوه سنتی درس می‌دادم. به این صورت که مرحله به مرحله را پای تخته می‌کشیدم و توضیح می‌دادم. بعد بچه‌ها تمرین‌هایی حل می‌کردند.

چند وقت پیش این طرح درس را تغییر دادم. اول توضیح دادم که هدف از تقسیم سلولی چیست. بعد یک انیمیشن درباره تقسیم سلولی نشان دادم. به بچه‌ها گفتم این فیلم را هر چند بار خواستید ببینیم. انیمیشن به زبان انگلیسی بود و زیرنویس داشت. بار اول بیشتر بچه‌ها فقط فرایند کلی را فهمیدند. بار دوم شاید جزئیات

بیشتری متوجه شدند. بار سوم گفتم، اگر متوجه فرایند شدید، به معادل انگلیسی کلمات توجه کنید. بار چهارم، بعد از هر مرحله، فیلم را نگه می‌داشتیم و از یک دانش‌آموز می‌خواستیم مرحله بعد را توضیح دهد. در آخر، سلولی با عدد کروموزومی متفاوتی تعریف کردم و از بچه‌ها خواستم مراحل تقسیم سلولی را رسم کنند. همه موفق شدند.

تقسیم میوز را هم با انیمیشنی دیگر به همین شیوه نمایش دادم. اولین سؤالی که این‌بار، بعد از چند بار دیدن فیلم پرسیدم این بود: تفاوت‌ها و شباهت‌های تقسیم میوز با تقسیم میتوز چیست؟ بعد پرسیدم: چه شد که این تفاوت‌ها ایجاد شد؟ سپس سلولی با عدد فرد دادم و خواستم مراحل میوز را برایش بنویسند.»

۴

بازاندیشی درباره داستان موفقیت توسط اعضای گروه (۱۰ دقیقه)

■ سؤالات در سلسله‌مراتبی عمیق شوند و قرار گرفته بود و به ترتیب سطوح شناختی متفاوتی را پوشش می‌داد.

■ اینکه به بچه‌ها گفته شد می‌توانند هر چند بار که بخواهند، ببینند، در همان ابتدا احساس امنیت ایجاد کرد.

■ یادگیری بچه‌ها ابتدا در طول کلاس به‌طور گروهی ارزیابی شد، اما در ادامه، به‌طور فردی هم ارزیابی شدند و معلم مطمئن شد همه یاد گرفته‌اند.

■ اعضای گروه درباره آنچه از ارائه‌دهنده شنیده‌اند بحث می‌کنند. ویژگی‌هایی از کار را که باعث موفقیت‌آمیز بودن آن شده است برمی‌شمارند و تحلیل‌های تازه‌ای از آن ارائه می‌دهند. در طول این مرحله، ارائه‌دهنده ساکت است و یادداشت برمی‌دارد.

۵

بازاندیشی معلم ارائه‌دهنده (۲-۳ دقیقه)

■ ارائه‌دهنده با مرور یادداشت‌هایش از بحث گروه، چیزهایی را که برایش جالب بوده و او را به فکر برده‌اند، مشخص می‌کند.

■ برایم جالب بود که اشاره کردید سؤالات فیلم دوم در سطح شناختی بالاتری بودند. من فقط می‌خواستم

سؤالات تکراری نباشند، اما اتفاقی که در عمل افتاد، همین بود که گفتید.

■ این را که هر چند بار بخواهید فیلم را پخش می‌کنم، به‌طور ناخودآگاه گفتم. اما درست است و می‌تواند باعث آرامش خاطر بچه‌ها شود. باید حواسم به حرف‌هایی که می‌زنم و تأثیری که روی بچه‌ها دارند، باشد.

۷

بازبینی فرایند (۵ دقیقه)

■ گرداننده جلسه گفت‌وگوی کوتاهی را درباره فرایند جلسه هدایت می‌کند: این چارچوب چه کارکردی برایمان داشت؟ چه مواردی به خوبی کار کردند؟ چه چیزهایی را باید در دفعات بعدی تغییر دهیم؟ این چارچوب یادآوری بسیار خوبی بود.

۶

بحث گروهی درباره کاربردهای این گفت‌وگو در کار آینده (۱۰-۱۵ دقیقه)

■ همه اعضای گروه (شامل ارائه‌دهنده) به اختصار می‌گویند که آنچه در این جلسه یاد گرفته‌اند چگونه می‌تواند در کارشان در آینده به کار بیاید.

■ وقتی قرار است چیزی را به‌طور

مستقیم درس بدهم، شاید کسی قبلاً بهتر از من آن را درس داده باشد؛ می‌توانم در چنین موقعیت‌هایی از محتوای آماده استفاده کنم.

■ البته باید دقت کنم که فیلم یا انیمیشن بیشتر وقت‌ها فقط می‌تواند دانش یا اطلاعاتی را منتقل کند.

می‌شدند.

■ اگر می‌گفتم کار خوبی بود ولی اگر فلان کار را هم می‌کردی بهتر هم می‌شد، در جمع این حس خوب را ایجاد نمی‌کرد. فکر می‌کنم اگر پیشنهادی هم باشد و راهی برای بهتر کردن باشد، خود ارائه‌دهنده به آن می‌رسد.

بعد از چند جلسه که درباره مسائل حرف زدیم، نیاز داشتیم یادمان بیاید کارهای خیلی خوبی هم انجام داده‌ایم. من فکر می‌کنم در این جلسه مدام در حال یادگیری بودیم. اتفاقات خوبی که افتاده بود، مدام شفاف می‌شدند. به آن‌ها آگاه می‌شدیم و با بلند گفتن ملکه ذهن

شور و شیرین یک جشنواره

علی حسینی نامقی*



مستنداتی تهیه شوند. تهیه و تنظیم این مستندات نیازمند صرف وقت زیادی خواهد بود. از جمله: نوشتن خلاصه‌ای از جلسات، فیلم‌برداری از تدریس‌ها، و ویرایش و نوشتار حرفه‌ای براساس اصول علمی. ناآشنایی معلمان با قالب‌های پیشنهادی دبیرخانهٔ کشوری، بر مشکلات معلمان می‌افزاید.

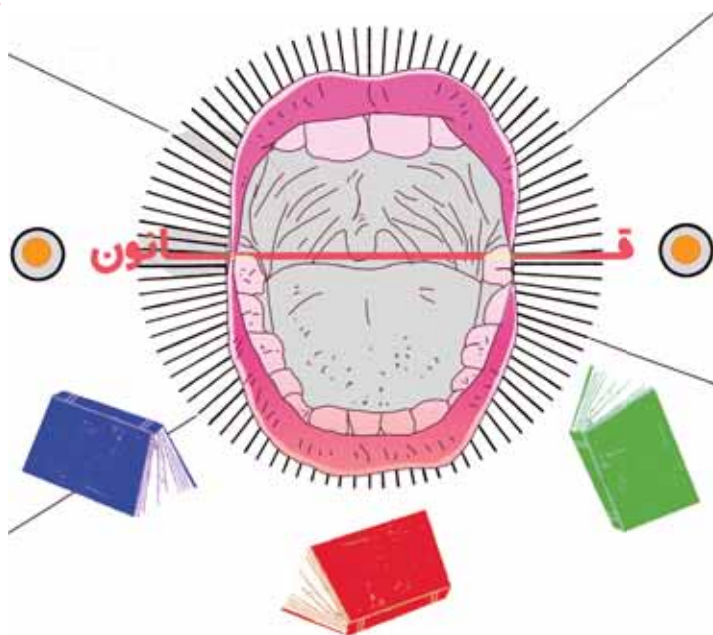
این‌ها بعضی از مشکلاتی هستند که معلمان عزیزمان در این باره بیان می‌کنند، اما جشنواره‌ای بودن این فعالیت باعث شد افراط زیادی بین گروه‌های درس‌پژوهی مشاهده شود. به‌طور مثال، گزارش‌نویسی حرفه‌ای و نوشتار متون سنگین علمی، همانند پایان‌نامه‌های دانشگاهی و ویرایش فیلم‌های تدریس در حد تدوینگران حرفه‌ای، باعث شده است که ظاهر هم جزئی از درس‌پژوهی باشد. این موضوع باعث می‌شود معلمانی که در این حوزه‌ها توانایی کمتری دارند، با وجود میل باطنی، از انجام درس‌پژوهی کناره‌گیری کنند. مستندسازی و گزارش جلسات، همچنین تحقیقات کتابخانه‌ای در مورد موضوع مورد نظر و رعایت قوانین علمی، از چالش‌های بزرگ معلمانی است که تازه در جادهٔ پژوهش گام نهاده‌اند. گاهی مشاهده می‌شود، تأکید داوران به ظواهر کارهاست و رعایت دستورالعمل‌ها، به باطن فعالیت گروه درس‌پژوهی ارجحیت دارد. این موضوعات باعث می‌شود معلمانی که اصول مقاله‌نویسی و زیباسازی پروژهای را نمی‌دانند، از دایرهٔ کارهای برتر مناطق خارج شوند و این موضوع باعث دلسردی آن‌ها می‌شود.

سؤالی که باید از بعضی معلمان پرسید، این است که آیا معلم درس‌پژوه، معلمی است که در جشنواره مقام می‌آورد؟ توسعهٔ حرفه‌ای معلم با کسب رتبه در منطقه و ناحیه خود اتفاق می‌افتد؟ درس‌پژوهی فعالیتی در راه توسعهٔ حرفهٔ معلمی است و باید در دل مدارس اتفاق بیفتد. معلمان می‌توانند فارغ از حواشی و هیاهوی جشنواره‌ای و دستورالعمل و بخش‌نامه به درس‌پژوهی بپردازند. می‌توانند بعد از اجرای درس‌پژوهی، گزارشی همانند پایان‌نامه‌های دانشگاهی به ادارهٔ منطقهٔ خود تحویل ندهند. می‌توانند در راه توسعهٔ حرفه‌ای خود، با کمک و استناد به کتاب‌ها و دستورالعمل‌های دبیرخانهٔ جشنواره، مراحل و جزئیات درس‌پژوهی را آموزش ببینند و در کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت شرکت کنند، اما در جشنواره شرکت نکنند. مراحل درس‌پژوهی را می‌توان به ترتیب توسط یک گروه درس‌پژوهی در مدرسه انجام داد اما نتیجهٔ آن را تنها به‌صورت گزارشی ساده در مدرسه به ثبت رساند و در کتابخانه گذاشت تا معلمان سال‌های بعد به آن‌ها دسترسی داشته باشند. جلسات را می‌توان در زمان‌های استراحت معلمان و بین زنگ‌های کلاسی برگزار کرد یا در ساعتی مشخص، با استفاده از شبکه‌های ارتباطی مجازی. انجام این‌گونه درس‌پژوهی، آخرین مرحلهٔ کار، یعنی انتشار نتایج به‌صورت گسترده، را حذف می‌کند، اما اهداف والایی همانند تفکر انتقادی، تعامل با همکاران، اشتیاق به پژوهش، روحیهٔ همکاری و مهم‌تر از همه یادگیری از طریق فعالیت‌های اجتماعی از آن حاصل می‌شود.

در پایان می‌توان گفت، درس‌پژوهی نقطهٔ عطفی برای شروع تغییرات آموزشی در نظام آموزشی کشورمان است و نهادینه‌سازی فرهنگ درس‌پژوهی را می‌توان به دست معلمان و خلافت‌های آن‌ها سپرد. به امید روزی که ما معلمان بتوانیم از حصارهایی که به دور کلاس‌هایمان کشیده‌ایم آزاد شویم و با اشتراک‌گذاری فعالیت‌های کلاسی بین همکاران، از بازخوردها و تجربیات آن‌ها استفاده کنیم.

درس‌پژوهی چندین سال است در کشور عزیزمان حرکت رو به رشدی را شروع کرده است. درس‌پژوهی فعالیتی است به منظور توسعهٔ حرفه‌ای معلمان در قالب گروهی که در آن، معلمان، با تعامل با یکدیگر، مشکلات آموزشی و کلاسی خود را رفع می‌کنند.

درس‌پژوهی در کشور ما، برخلاف دیگر کشورها، به‌صورت جشنواره برگزار می‌شود. جشنواره‌ای شدن درس‌پژوهی مزیت‌ها و معایبی دارد. بنابر مقتضیات جشنواره، افراد شرکت‌کننده باید فعالیت درس‌پژوهی خود را براساس دستورالعمل انجام دهند. این دستورالعمل‌ها گاهی باعث می‌شود فعالیت درس‌پژوهی کمی از اهداف آن خارج شود. البته اعضای دبیرخانهٔ درس‌پژوهی در تلاش‌اند با استفاده از الگوسازی از کشورهای پیشرفته در این زمینه و همچنین اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هر ساله دستورالعمل‌های پیشنهادی را اصلاح کنند. در این دستورالعمل‌ها باید برای انجام هر مرحلهٔ درس‌پژوهی



جزای مزاحم

بخش دوم

حسین عاملی*

تصویرگر: میثم موسوی

در شماره گذشته، درباره جرم «توهین» و شرایط تحقق آن توضیحاتی داده شد. در این شماره بحث را گسترش می‌دهیم و جرائم دیگر را نیز بررسی می‌کنیم.

می‌شود. ثانیاً شرایطی دارد، از قبیل اینکه: ۱. قرینه‌ای بر اینکه منظور مرتکب قذف نبوده است موجود نباشد؛ ۲. از معنای حرفی که می‌زند آگاه باشد؛ ۳. قذف شونده بالغ، عاقل، مسلمان و معین باشد. عمل نسبت داده شده به مخاطب ثابت نشده باشد.

با تحقق این امور می‌توان فرد را به‌عنوان قذف مورد تعقیب قانونی قرار داد.

از دیگر جرائم می‌توان «تعرض به زنان و اطفال و ایجاد مزاحمت برای آنان در اماکن عمومی» را نام برد که مطابق ماده ۶۱۹ قانون فوق‌الذکر قابل مجازات حبس از دو تا شش ماه و شلاق تا ۷۴ ضربه است.

همچنین، مزاحمت تلفنی از دیگر جرائم نزدیک به جرائم فوق است که علاوه بر قطع موقت و دائم خط تلفن مزاحم توسط شرکت مخابرات، موجب مجازات حبس از یک تا شش ماه است.

مجدداً باید عنوان کرد، اگر در مدرسه‌ها اعمالی علیه معلم یا معلمانی انجام گرفت، باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب اقدام کرد. در ضمن شایان ذکر است، هماهنگی با کارشناسی‌های حقوقی ادارات برای حمایت قضایی و راهنمایی‌های حقوقی، هم از مشکلات کم می‌کند و هم قوت قلبی برای همکاران است که در مراجع قضایی با آگاهی بیشتری حضور یابند.

به امید آنکه هیچ کدام از مسائلی که مطرح گردید برای معلمان کشور رخ ندهد و آن‌ها در کمال آرامش مشغول خدمت به دانش‌آموزان این مرز و بوم باشند.

شناخت نوع جرم و مطرح کردن آن اهمیت بسیاری دارد، چرا که اگر جرم درست تعریف نشود، شاید در پیگیری و شکایت رد شود و ضربه بیشتری به مخاطب وارد شود.

جرم دیگری که در اینجا به آن اشاره می‌کنیم، افتراست؛ به معنای نسبت دادن امری (که به موجب قانون جرم محسوب می‌شود) به فردی که توان اثبات آن وجود ندارد. البته مانند جرم توهین، در افترا نیز لفظ باید صریح یا ظاهر باشد و عمل نسبت داده شده باید در زمان انتساب جرم باشد و مفتری نتواند آن را اثبات کند که اگر اثبات کند، دیگر مفتری نیست. ماده ۶۹۷ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر کس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر امری را صریحاً به کسی نسبت دهد یا آن‌ها را منتشر نماید که مطابق قانون جرم محسوب شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید، جز در مواردی که موجب حد است، به حبس از یک ماه تا یک سال و شلاق تا ۷۴ ضربه و یا یکی از آن‌ها حسب مورد محکوم خواهد شد.» در همین جا می‌توان یکی از جرائم دیگر در این باره را توضیح داد و آن «قذف» است. قذف از جرائم «حدی» است که مطابق ماده ۲۵۰ قانون مجازات اسلامی، موجب ۸۰ ضربه شلاق است. تعریفی که قانونگذار از قذف ارائه داده، در ماده ۲۴۵ قانون مذکور چنین آمده است: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هر چند مرده باشد.»

قذف، علاوه بر لفظ، با نوشتن و پیامک و امثالهم نیز محقق

دو داستان کوچک از دو نویسنده بزرگ

تصویر گر: میثم موسوی

روی پل

هاینریش بل

آن‌ها پاهای مرا وصله کردند و دوختند و بعد هم به من کاری دادند که بتوانم در حین انجام آن بنشینم. کار من شمردن مردمی است که از روی پل عبور می‌کنند. آن‌ها خیلی دلشان می‌خواهد که نتیجه فعالیتشان را با ارقام ثبت کنند و از این کار پوچ لذتی فراوان می‌برند. تمام روز، تمام روز دهان خاموش من مثل ساعت کار می‌کند و من اعداد را روی هم می‌گذارم تا بتوانم غروب رقم بزرگی را برای خشنودی آنان پیشکششان کنم.

اما آمار آن‌ها درست نیست. متأسفم، ولی آمارشان درست نیست و من با وجود آنکه می‌توانم این احساس را در دیگران ایجاد کنم که آدم صادقی هستم، اما راستش موجود قابل اعتمادی نیستم!

آنچه مرا در خفا خوش حال می‌کند، این است که گاهی عابری را وارد آمارشان نمی‌کنم و یا وقتی دلم به حالشان سوخت، چند نفری را به آمارشان اضافه می‌کنم. بله، خوشبختی آن‌ها در دست من است. آن‌ها پیش خودشان حساب می‌کنند که امروز چند نفر در دقیقه از روی پل رد شده‌اند و در ده سال آینده چند نفر «عبور خواهند کرد». آن‌ها «فعل آینده» را دوست دارند. با وجود این، باید عرض کنم که آمارشان ابداً درست نیست. زمانی که معشوقه کوچک من از روی پل عبور می‌کند، من در تمام این مدت، آمار هیچ یک از افرادی را که عبور می‌کنند، به آن‌ها گزارش نمی‌دهم. این دو دقیقه به من تعلق دارد، تنها به من.



یکی بود یکی نبود

جیمز ترنر

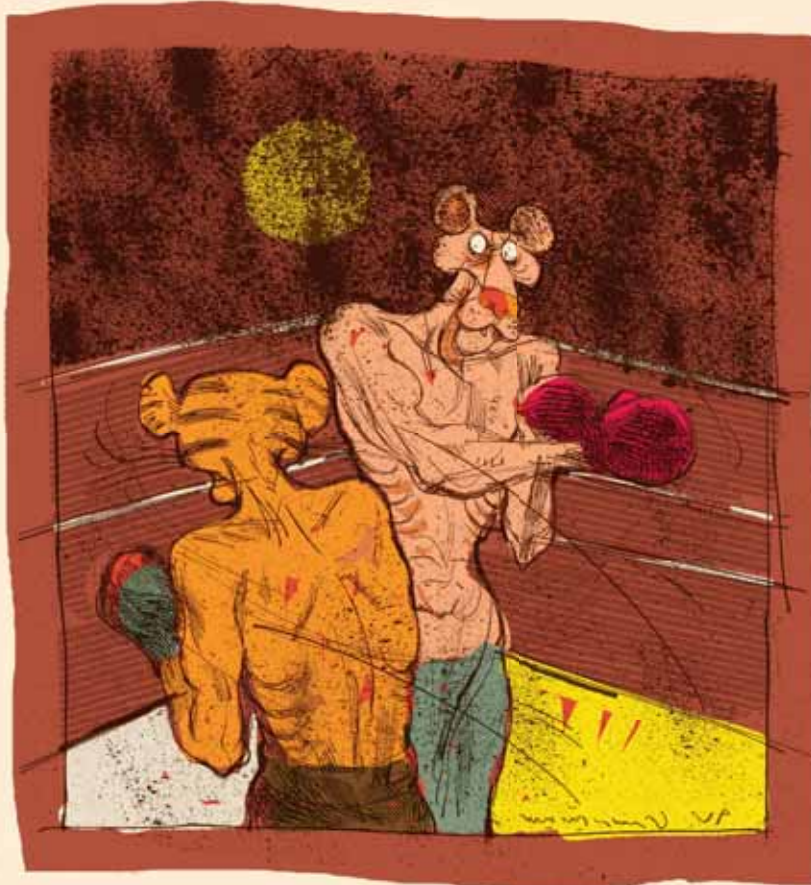
یوزپلنگ گفت: «تصور نمی‌کنم کارگر بیفتد.»

ببر گفت: «چرا، حتماً مؤثر است. تو به همه بگو تو برنده خواهی بود، چون من مشت‌زن بی‌تجربه‌ای هستم و من به همه می‌گویم به هیچ‌وجه من بازنده نیستم، زیرا تو مشت‌زن بی‌تجربه‌ای هستی و همه آرزو می‌کنند که تماشاگر چنین جنگی باشند.» به این ترتیب، یوزپلنگ به همه گفت که برندهٔ مسلم است، چون ببر مشت‌زن بی‌تجربه‌ای است و ببر به همه گفت که مسلماً بازنده نیست، چون یوزپلنگ مشت‌زن خامی است. شب مسابقه فرا رسید. ببر و یوزپلنگ به شکار نرفته و خیلی گرسنه بودند. می‌خواستند هر چه زودتر مسابقه به اتمام رسد و گرازهای وحشی تازه شکار شده را بخورند. اما در ساعت موعود هیچ‌کس نیامد.

روباهی گفته بود: «من این قضیه را این‌طور تجزیه و تحلیل می‌کنم. اگر یوزپلنگ برندهٔ مسلم است، و ببر مسلماً بازنده نیست، پس مساوی خواهد شد و چنین مسابقه‌ای بسیار خسته‌کننده است، مخصوصاً وقتی طرفین مسابقه مشت‌زن‌های خام و بی‌تجربه‌ای هستند.» جانوران دیگر این‌منطق را پذیرفته و به گود نزدیک نشده بودند.

وقتی شب به نیمه رسید و مشهود گشت که حیوانات نخواهند آمد و گرازی برای خوردن نخواهد بود، ببر و یوزپلنگ به جان یکدیگر افتادند و هر دو آن‌چنان مجروح گشتند و چنان از پا در افتادند که یک جفت گراز وحشی که از آن حوالی می‌گذشتند، به آن‌ها حمله‌ور شدند و به سادگی آن‌ها را کشتند.

نتیجهٔ اخلاقی: مثل انسان زیستن عاقبت خوشی ندارد.



ببر گفت: «خیلی ساده است. به آن‌ها می‌گوییم که من و تو با هم مشت‌بازی خواهیم کرد و برای تماشای این مسابقه، هر کدام از جانوران باید گراز وحشی تازه‌کشته‌ای با خود بیاورد. بعد من و تو، بدون اینکه آزاری به هم برسانیم، به سر و کول یکدیگر می‌پریم. بعد تو خواهی گفت که در دور دوم، استخوان پنجه‌ات شکست و من ادعا خواهیم کرد که استخوان پنجه‌ام در دور اول شکست. پس از آن هم مسابقهٔ بعدمان را اعلان می‌کنیم و آن‌ها باید دوباره گراز وحشی همراه بیاورند.»

در روزگاران قدیم، ببری از باغ‌وحش آمریکا گریخت و به جنگل بازگشت. ببر که در دوران اسارت بسیاری از عادت‌های آدمیان را آموخته بود، با خود فکر کرد خوب است آن رسوم را در جنگل به کار برد. اولین روزی که به منزل رسید، یوزپلنگی را ملاقات کرد و به او گفت: «صحیح نیست که من و تو برای تأمین قوتمان به شکار رویم. حیوانات دیگر را و می‌داریم که غذا بمان را برایمان تهیه ببینند.» یوزپلنگ پرسید: «چگونه این‌کار را می‌توانیم انجام دهیم؟»



گزارشی از اجرای
طرح خوداتکایی در
مدرسه شبانه‌روزی
المهدی (عج) تلمادره

جلوتر از بخش نامه‌ها

سعیده باقری

عکاس: محمدجواد مهرپور

مدرسه حضور دارد. برنامه‌هایم را با او هماهنگ کرده بودم. با توجه به دوری راه، از اینکه زود رسیده بودیم، تعجب کرد. به گرمی از ما استقبال کردند و دعوت کردند در دفتر مدرسه گفت‌وگو کنیم. بعد از گپ و گفتی نیم‌ساعته، به دیدن بخش‌های مختلف مدرسه رفتیم. ساختمان خوابگاه، با پرده‌هایی که پشت پنجره‌ها آویخته بودند، همراه با فضای سبز شاداب و سرزنده، بیان‌گر این واقعیت بود که اینجا با بسیاری از مدرسه‌هایی که دیده‌ایم و می‌شناسیم فرق دارد.

یکی از هدف‌های آقای محمدی این است که دانش‌آموزان مدرسه مهارت‌های موردنیاز زندگی در روستا را آموزش ببینند. نگرانی بزرگ او کاهش جمعیت روستایی کشور و بدتر از آن فراموش شدن مهارت‌های زندگی در روستا در اثر ورود امکانات شهری به روستاهاست. در دهه هفتاد، مدرسه ۳۰۰ دانش‌آموز داشته است و در دهه هشتاد جمعیت دانش‌آموزان به حدود ۱۵۰ نفر رسیده است. متأسفانه، در سال تحصیلی جاری، فقط حدود ۵۰ دانش‌آموز در این مدرسه حضور دارند. متأسفانه همین تعداد اندک هم دیگر مهارت‌های موردنیاز زندگی روستایی را ندارند. سبک زندگی روستاییان منطقه تغییر کرده است، به شکلی که ماست و لبنیات را از فروشگاه تهیه می‌کنند. دیگر اقتصاد خانواده‌های روستایی بر تولید مبتنی نیست.

این دغدغه‌ها باعث شده است آقای محمدی با وجود امکان انتقال به شهر، در روستا بماند و مهارت‌ها و انگیزه‌های لازم برای زندگی در روستا را بین دانش‌آموزان خود تقویت کند.

آقای معصومی، معاون مدرسه، که از اهالی روستاهای اطراف است،

آقای محمدی از سال ۷۶ تا ۸۹ که مدیریت مدرسه شبانه‌روزی المهدی (عج) را پذیرفته، معلم فیزیک همین منطقه بوده است. ابتدا قصد ادامه تحصیل در رشته فیزیک را داشته، اما به دلیل نیاز منطقه به دبیر فیزیک، نتوانسته است به شهری که در دانشگاه آنجا پذیرفته شده بوده برود. ماندن در منطقه دغدغه‌های او را تغییر داده و او را در روستا ماندگار کرده است. البته بعدها در رشته نجوم ادامه تحصیل داده است و گاهی اردوهای رصد شبانه برای دانش‌آموزان برگزار می‌کند. موقعیت روستا و دور بودن از آلودگی نوری شهرها هم جذابیت منطقه را برای او بیشتر کرده است. در سال‌های تدریس هم این دغدغه را داشته است که از فضای مدرسه استفاده بهینه شود. بعد از پذیرفتن مدیریت مدرسه، ابتدا با کمک سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه جنگل‌داری، تعدادی نهال تهیه کرده و در مدرسه کاشته است. در کنار آن، کاشت صیفی و بعد از آن پرورش مرغ و خروس را آغاز کرده است تا دانش‌آموزان در خوابگاه از تغذیه سالم برخوردار باشند.

روز سه‌شنبه ۱۲ تیر ۹۷، صبح زود، از بابلسر به سمت منطقه چهاردانگه حرکت کردیم. پس از سه ساعت گذر از جاده‌های زیبای استان مازندران، حدود ساعت ۸:۳۰ وارد مدرسه شبانه‌روزی المهدی (عج) واقع در روستای تلمادره شدیم. نیم‌ساعت آخر مسیر، دیگر از کوه‌های پوشیده از درخت خبری نبود و اقلیم منطقه بیشتر به اقلیم استان سمنان شباهت داشت. از قبل با آقای محمدی، مدیر مدرسه، صحبت کرده بودم و می‌دانستم در طول تابستان هم، روزهای دوشنبه و سه‌شنبه در





حیف است که خاک حاصلخیز مازندران در مدرسه‌ها بی‌استفاده بماند، درحالی که می‌تواند علاوه بر محصولات کشاورزی، میوه شیرینی چون تربیت و مهارت‌آموزی نسل آینده را هم در خود پرورش دهد. البته از سختی‌های کار هم می‌گوید و اینکه در تابستان هم ناچار است در مدرسه بماند. از نظر او، نهال‌ها مانند کودکان به مراقبت و توجه نیاز دارند.

در طول تابستان هم دوشنبه تا چهارشنبه هر هفته مدیر و معلمان در مدرسه حضور می‌یابند و به درختان رسیدگی می‌کنند. دانش‌آموزان هم در این فعالیت مشارکت می‌کنند. آقای محمدی قبل از همه خودش دست‌به‌کار می‌شود. هیچ‌کس را ملزم به کار نمی‌کند، اما وقتی مدیر مدرسه بیل به دستش می‌گیرد، بقیه هم دست‌به‌کار می‌شوند.

به همراه آقای محمدی و همکارانشان آقای واعظی معاون

آموزشی و آقای موسوی معاون پرورشی، به دیدن

محوطه مدرسه رفتیم. قسمت‌های ساختمانی

مدرسه شبیه مدرسه‌های دیگر بود، اما

حیات یادآور خانه‌های روستایی شمالی

بود. در بخشی از حیات، مرغ و خروس

و جوجه‌ها دور و بر لانه‌شان آزادانه

گشت‌وگذار می‌کردند. قسمت‌های

دیگر هم هرکدام کارکرد خود

را داشتند. در مجموع، از حدود

۱۵۰۰۰ مترمربع از زمین این

مدرسه برای کشاورزی و باغداری

بهره‌برداری شده است. بخشی از آن

را نهال‌های آلبالو و سیب و میوه‌های

دیگر کاشته‌اند و بخشی هم به کاشت

محصولات صیفی مانند خیار و گوجه‌فرنگی

و لوبیا اختصاص یافته است. نکته قابل ذکر این

است که در تولید محصولات، به ارگانیک بودن آن‌ها

هم توجه ویژه می‌شود، زیرا تغذیه سالم دانش‌آموزان اولین

هدف این فعالیت‌ها بوده است. کارگاه گلاب‌گیری

هم چند سالی است در اتاقی در پشت

ساختمان فعال شده است. به این

ترتیب، عطر گل‌های محوطه، پس

از زیباسازی مدرسه در فصل

رویش، ماندگار می‌شود.

مهمان‌نوازی اهالی این

مدرسه خانه روستایی با

عطر گلاب و سبزی‌های

معطر کوهی تا تهران همراه

ماست و در مقابل، دل

ما می‌ماند پیش آن همه

سرسبزی و زیبایی مدرسه و

صفا و خلوص اهالی‌اش.



به شدت نگران است. در روستای محل زندگی او، در گذشته، صدهزار رأس گوسفند نگهداری می‌شده است، اما در حال حاضر فقط در حدود چهارهزار رأس گوسفند دارند که نشان از افت فعالیت تولیدی روستا دارد. دغدغه مشترک او و آقای محمدی زنده نگه‌داشتن سبک زندگی روستایی است. سال گذشته، در مدرسه از حدود ۲۰۰ قطعه مرغ محلی نگهداری کرده‌اند که درآمد خالص حاصل از فروش تخم‌مرغ مازاد بر مصرف مدرسه، حدود هفتصدهزار تومان بوده است.

از سال ۹۰ تاکنون، بیشتر مواد غذایی موردنیاز خوابگاه، به جز گوشت، در خود مدرسه تولید می‌شود.

هزینه خرید گوشت هم از محل فروش تولیدات دیگر، مانند مرغ محلی و گلاب تأمین می‌شود. حتی جاروهایی که برای نظافت مدرسه استفاده می‌شوند، تولید خودشان است. یکی از معلمان که مهارت این کار را دارد، در گوشه‌ای از زمین مدرسه، جارو کاشته و جاروبافی را به دانش‌آموزان آموزش داده است.

آقای محمدی می‌گوید، «تأمین هزینه‌های جاری مدرسه و خوابگاه، با توجه به کمبود بودجه و اینکه در حال حاضر هم مدرسه بابت هزینه سوخت بدهکار است، بدون چنین فعالیت‌هایی غیرممکن است.»

البته هدف اصلی او همان آموزش مهارت‌های ضروری

به دانش‌آموزان است. او با به کار بردن لفظ

«طرح خوداتکایی» مخالف است. از نظر او،

مدرسه نهاد تعلیم و تربیت است و برای

تربیت جوانان باید بودجه اختصاص

داد. بنابراین، نباید توقع داشت

مدرسه‌ها به لحاظ اقتصادی

خوداتکا باشند. با این حال،

او منتظر بخش‌نامه‌ها نم‌اند

است؛ بخش‌نامه مربوط به این

طرح در سال ۹۳ به مدرسه

ابلاغ شده است، درحالی که او

چهار سال زودتر در این راه گام

گذاشته بود. از نظر آقای محمدی





فارسی پنجم در هفت گام

حمیدرضا خداوردی*

تصویرگر: میثم موسوی

تشکیل دهند و برای گروهشان اسم و سرگروه تعیین کنند. هر گروه از ابتدا تا انتهای سال یک برگه پروژه داشت و اعضای آن هم تغییر نمی کردند.

این ظرافت در طراحی چارچوب کلی دو نقطه قوت اساسی داشت: اول اینکه پروژه فارسی ابزار کمکی تدریس شده بود و معنای کلمه‌های جدید هر درس پیش بچه‌ها بود، و دوم اینکه به طرز نشاط‌آوری بچه‌ها را به درس علاقه‌مند کرده بود. به هر درسی که می‌رسیدیم، هر گروه حداقل یک کلمه داشت که گروه‌های دیگر از معنای آن بی‌اطلاع بودند. گروه به درخواست من معنای آن را اعلام می‌کرد و گروه‌های دیگر آن را یادداشت می‌کردند. از آنجا که هر گروه حداقل یک کلمه داشت، درس با اشتیاق و مشارکت جمعی بچه‌ها تدریس می‌شد.

سپری کنند و مهارت‌هایشان را افزایش دهند.

ابتدا تمام کلمات جدید کتاب فارسی پنجم را استخراج کردم. در مجموع دویست و سی کلمه یافتیم. با استفاده از این کلمات، برگه‌های پروژه را به تعداد گروه‌هایی که می‌توانستیم تشکیل بدهیم، درست کردم. این کلمات را طوری در برگه‌ها دسته‌بندی کردم که در هر برگه حداقل یک کلمه از هر درس وجود داشته باشد و در هیچ برگه‌ای کلمه تکراری نباشد. کل کلمه‌های نوشته شده در برگه‌ها، محدوده کل کتاب را پوشش می‌داد.

در کنار درس فارسی، یکی از مفاهیم مهمی که به دنبال نهادینه کردن آن بودم، تمرین کارگروهی بود. برای این هدف، در آغاز سال از بچه‌ها خواستم به دلخواه خودشان گروه‌های چهارنفره

تأسیس کنند و می‌دانستم که از اول مهرماه قرار است با بچه‌های کلاس پنجم درس فارسی داشته باشم. می‌خواستم پروژه‌ای طراحی کنم تا با آن بین مطالب و مفاهیم ادبیات فارسی پل بزنم. خیلی دلم می‌خواست که در پایان پروژه، هر کدام از بچه‌ها به راحتی دست به قلم شوند و خلاقانه و بدون تکلف شروع به نگارش کنند.

اکنون سه سالی است که این امر محقق شده و پروژه به اجرا درآمده است. در این مدت، تجربه بر تجربه افزوده‌ام و طرح اولیه را اصلاح کرده‌ام. سه سال پیش، برای اینکه به هدف برسم، لازم بود پروژه را طوری طراحی کنم که بچه‌ها با سپری کردن مراحل آن و حضور در کلاس درس با آن مرتبط شوند و از ابتدا تا انتهای سال کم‌کم خودشان بتوانند مراحل آن را

* معلم پایه پنجم دبستان

پروژه هفت مرحله داشت:

۱

مرحله اول «آشنایی با لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌های لغت» بود. در این مرحله، به صورت عمومی بچه‌ها را با نام‌ها و انواع این کتاب‌ها آشنا می‌کردم و علامت‌های اختصاری، چگونگی و اصول استفاده از آن‌ها را آموزش می‌دادم.

۲

مرحله دوم «مترادف‌نویسی» بود. در این مرحله، هر گروه ابتدا کلماتی را که در اختیارش بود براساس چینش فرهنگ لغت منظم می‌کرد و سپس با کمک لغت‌نامه، مترادف آن‌ها را پیدا می‌کرد. این مرحله چندین جلسه طول کشید و هر گروه در جلسات متعدد از لغت‌نامه‌های متفاوت بهره می‌برد.

۳

بعد از پیدا کردن معانی تمام کلمات، مرحله سوم یعنی «متضادنویسی» شروع می‌شد. هر گروه با کمک فرهنگ لغت و با توجه به مترادف کلمات، برای کلمات در اختیار خود مخالف و متضاد می‌نوشت.

۴

یکی از عوامل بسیار مهم در نوشتن صحیح و دقیق کلمات، به

خصوص در املای تقریری، آشنایی با کلمات هم‌خانواده است. در مرحله چهارم، بچه‌ها به «نوشتن هم‌خانواده کلمات» روی می‌آوردند و البته که در این بخش، اصول هم‌خانواده‌نویسی را هم به آن‌ها آموزش می‌دادم. در این مرحله، دانش‌آموزان به صورت ضمنی با وزن‌های عربی هم آشنا می‌شدند.

۵

مرحله پنجم زمان شکوفایی استعداد بچه‌ها در «نوشتن» بود. بعد از ایجاد یک دایره وسیع از کلمات و معانی، و متضادهای و هم‌خانواده آن‌ها، هر گروه مشغول نویسندگی می‌شد و داستانی را با همکاری تمام اعضای خود پدید می‌آورد. در این مرحله، داستان‌ها سر کلاس خوانده می‌شدند و بعد از امتیازدهی من و سایر دانش‌آموزان، گروه‌ها رتبه‌بندی می‌شدند. ملاک‌های امتیازدهی از طرف من مواردی نظیر رعایت اصول نگارشی، انتخاب عنوان مناسب، درست‌نویسی و رعایت قواعد املای فارسی، شروع و پایان مناسب، انسجام متن و محتوای داستان، نتیجه‌گیری، به کارگیری آرایه‌های ادبی متناسب و استفاده دقیق از علامت‌های نگارشی بود. این مرحله با بروز خلاقیت‌ها و پیدایش حس توانمندی و خودباوری در بچه‌ها در امر نویسندگی با شغف و نشاط خاصی همراه بود.

۶

املای تقریری در فارسی نقشی مهم دارد. به همین دلیل، «املانویسی» مرحله ششم پروژه بود. طی آن سه

گروه برتر، از متن‌ها و کلماتی که کل بچه‌ها به آن‌ها دست پیدا کرده بودند، به سایر دانش‌آموزان املا می‌گفتند. سپس خودشان برگه‌های املا را تصحیح می‌کردند و نمرات را تحویل می‌دادند.

۷

مرحله هفتم که مرحله نهایی پروژه نیز بود، «آشنایی با تاریخ ادبیات» بود. در این مرحله، به هر گروه یک شعر داده می‌شد که شاعر آن مشخص نبود. گروه‌ها باید ابتدا نام شاعر را پیدا می‌کردند و سپس مختصری از زندگی‌نامه و نام آثار او را می‌نوشتند و برای دیگر گروه‌ها می‌خواندند. مرحله هفتم، با توجه کردن به شعر و تاریخ ادبیات، پل اتصال به مفاهیم سال‌های بعدی را می‌ساخت.

هر سال با شروع سال تحصیلی، همراه با دانش‌آموزانم در کلاس پنجم، بعد از هر دو یا سه درسی که از کتاب می‌خواندیم، به سراغ پروژه می‌رفتیم و کم‌کم آن را پیش می‌بردیم.

رضایت و شور و شوق بچه‌ها در مراحل پروژه مهر تأییدی بود بر درستی و حسن اجرای آن. با این پروژه توانستم بین حوزه‌های آموزش فارسی پنجم پل بزنم و خوش‌حالم که توانستم با دانش‌آموزانم هفت‌خوانی بسازم به یادماندنی.

حالا که سه سال از اجرای پروژه فارسی گذشته است و نتیجه و ثمره اجرای آن را در اشعار و مقاله‌ها، نمایش‌نامه‌ها، متن‌های ادبی و داستان‌هایی که دانش‌آموزانم می‌نویسند مشاهده می‌کنم، برای اجرای پرتوان‌تر آن انگیزه بیشتری پیدا کرده‌ام و به جای خالی اجرای آن در پایه‌های دیگر دبستان می‌اندیشم.



دانش فراشناختی

نیره شاه محمدی*

تصویرگر: میثم موسوی

یکی از عناصر مؤثر در یادگیری دانش آموزان، «دانش فراشناختی» آن هاست که به دانش و باورهای دانش آموزان درباره منابع شناخت خود در حوزه‌ای از دانش مانند علوم تجربی مربوط می‌شود. این نوع از دانش به دانش آموز کمک می‌کند دریابد: ماهیت آن حوزه از دانش چیست؟ عملکرد او در آن حوزه چگونه است؟ و در آن حوزه از چه راهبردها و روش‌های اکتشافی می‌تواند استفاده کند؟ دانش فراشناختی دانش آموز، اطلاعات او را درباره ساختار شناختی خود، نوع تکلیفی که باید انجام دهد و راهبردهایی که باید استفاده کند در برمی‌گیرد. به بیانی دیگر، دانش یادگیرنده درباره توانایی‌های حافظه خود، مراحل اکتساب، نگهداری و استفاده درست از مطالب و مفاهیم ذخیره شده در حافظه، دانش او درباره ماهیت، نوع، کیفیت و چگونگی تکلیفی که قرار است انجام دهد و آگاهی از اینکه چه وقت و کجا، از چه راهبردی (سازمان‌دهی، مرور ذهنی و تمرکز) در مراحل گوناگون نگهداری و بازبایی اطلاعات استفاده کند، می‌تواند در اکتساب و یادآوری مطالب به او کمک کند.

انواع دانش فراشناختی

سه نوع دانش فراشناختی وجود دارد: دانش بیانی، دانش رویه‌ای و دانش زمینه‌ای.

دانش بیانی: به دانش و اطلاعات دانش آموز در زمینه حقایق و واقعیت‌هایی دلالت دارد که می‌تواند به صورت گفتاری یا نوشتاری بیان شود. دانش بیانی، دانستن مفاهیم مرتبط با یک فعالیت یادگیری را در برمی‌گیرد که در پاسخ به سؤالاتی نظیر چه چیزی، چه هنگام، چه کسانی و کجاست ابراز می‌شود و در حافظه دراز مدت ذخیره می‌شود. برای مثال، وقتی دانش آموز با خواندن یک واقعه تاریخی به معرفی افراد، اشیاء، اتفاقات و زمان و مکان وقوع آن‌ها می‌پردازد، از دانش بیانی استفاده می‌کند.

دانش رویه‌ای:

دانش و اطلاعاتی اطلاق می‌شود که دانش آموز درباره نحوه انجام دادن یک تکلیف، یا فرایند انجام یک فعالیت دارد. برای مثال، فرایندی که دانش آموز برای حل یک مسئله ریاضی یا انجام یک آزمایش علوم طی می‌کند، دانش رویه‌ای اوست.

دانش زمینه‌ای:

به دانشی اطلاق می‌شود که دانش آموز درباره این موارد دارد: زمان مناسب برای استفاده از یک مهارت یا روش چیست؟ چرا و تحت چه شرایطی یک روش مؤثر است؟ چرا یک روش بهتر از روش دیگر است؟ این نوع از دانش با چراها سرو کار دارد و شامل اطلاعاتی است که نشان می‌دهند «چرا روشی خاص برای انجام یک کار مفید است؟ چه موقع یک روش مفیدتر و مناسب‌تر از روش‌های دیگر است؟

چرا یک روش می‌تواند در یک موقعیت مؤثر و در موقعیت دیگر بی‌اثر باشد؟
این سه نوع دانش، سه جنبه اساسی دانش فراشناختی دانش آموزان را تشکیل می‌دهند. برای مثال، تشخیص مضمون یک متن از روی عنوان آن دانش بیانی، دانستن چگونگی خلاصه کردن یک متن دانش رویه‌ای، و دانستن اینکه چه موقع دانش آموز به دنبال جزئیات در داخل یک متن بگردد، بیانگر دانش زمینه‌ای اوست.

منبع

wilson, Donna, conyers, Marcus(2016) Teaching students to drive their brains: metacognitive strategies, activities, and lesson.ASCD.



* دکتری برنامه‌ریزی درسی، عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



حسین سعیدی

ایستاده‌ی سبز با نیلوت

همواره شاهد این بوده‌ایم که مشاوران و برنامه‌ریزان آموزشی از حل تمرین و انجام تکلیف به عنوان ستون یادگیری سخن گفته‌اند. البته اهمیت این موضوع بر کسی پوشیده نیست، ولی این موضوع که چگونه می‌توان کیفیت انجام تکلیف را بالا برد، در این نوشتار مطرح می‌شود. تکلیف، به عنوان یکی از مراحل مهم فرایند یادگیری، چالش‌هایی دارد که هم دانش‌آموز و هم دبیر با آن‌ها مواجه هستند. شناخت این چالش‌ها به شناخت راه‌حل مسئله کمک خواهد کرد. در اینجا به اختصار به این چالش‌ها پرداخته‌ایم.

انجام می‌شد، امروزه در منزل میسر شده است.

۵ ما دبیران معمولاً بعد از دیدن تکلیف، آن‌ها را برای دانش‌آموزان حل می‌کنیم و خود را می‌ستاییم که توانسته‌ایم تمامی تمرین‌ها را حل و رفع اشکال کنیم. به نظر نگارنده (با اینکه خود سال‌ها همین کار را کرده‌ام)، این روش رفع اشکال چندان مفید نیست، چون دانش‌آموزانی که تمرین‌ها را به خوبی حل کرده‌اند، شاید فقط یکی دو نفر باشند. آن‌هایی هم که تمرین‌ها را حل نکرده‌اند، پیش زمینه‌ای از سؤالات ندارند و از کلاس بهره کافی نمی‌برند.

آنچه بیان شد، از ایرادهای حل تکلیف در منزل است؛ شیوه‌ای که سال‌هاست اکثر دبیران از دانش‌آموزان خواسته‌اند و آن‌ها انجام داده‌اند. البته ما منکر مزایای تکلیف نوشتن نیستیم، ولی به نظر می‌رسد برای بازدهی بیشتر، باید روش را تغییر دهیم. به عبارت دیگر، جای آموزش و تکلیف را با هم عوض کنیم. یادگیری معکوس، عبارتی که در چند سال اخیر بر سر زبان‌ها افتاده است، به همین معناست که فرایند آموزش در منزل و فرایند حل

اگر قرار باشد تکلیف همه دانش‌آموزان را با دقت بررسی کنند، عملاً یک ربع تا نیم ساعت اول هر کلاس که مفیدترین زمان کلاس است، برای کاری بیهوده از دست می‌رود. تجربه نشان داده است، در زمان بازدید تکلیف، دانش‌آموزان مشغول صحبت با هم و مرور خاطرات روز گذشته خود می‌شوند! البته این نکته را متذکر می‌شویم که اگر بازدید تکلیف نیز صورت نگیرد، دانش‌آموزان در انجام تکلیف بعدی اهمال می‌کنند.

۴ با توجه به همه‌گیر شدن فضای مجازی و گوشی‌های هوشمند، حل تمرین در منزل با چالش‌هایی همراه است. یکی از این چالش‌ها استفاده از گوشی، تمرکز نداشتن روی تمرین‌هاست. گاهی دانش‌آموزانی را دیده‌ام که ادعا می‌کنند اگر گوشی کنارشان نباشد، نمی‌توانند درس بخوانند. مشکل از این هم فراتر می‌رود. امروزه، در شبکه‌های اجتماعی، دانش‌آموزان می‌توانند با ساخت گروه، به راحتی تکلیف خود را به اشتراک بگذارند. حتی دیده شده است تکلیف را بین هم تقسیم می‌کنند. این نشان می‌دهد، رونویسی در بین دانش‌آموزان کماکان رواج دارد؛ در قدیم صبح‌ها در مدرسه

۱ همه ما دبیران با این قضیه روبه‌رو شده‌ایم که دانش‌آموز ادعا می‌کند فراموش کرده است تکلیف خود را انجام دهد یا آن‌ها را در منزل جا گذاشته است. حتی می‌گوید، کتاب و دفترش را در مدرسه جا گذاشته بوده و نتوانسته در منزل تکلیف بنویسد. در بعضی از این موارد ممکن است حق با دانش‌آموز باشد یا نباشد، ولی به هر حال دبیر خلع سلاح می‌شود و با یک تذکر می‌گذرد.

۲ انجام باکیفیت تکلیف در منزل مستلزم این است که دانش‌آموز مطالب درسی را در کلاس یاد گرفته باشد. بعضی اولیا به بنده مراجعه می‌کنند و می‌گویند فرزند ما می‌گوید چون درس را متوجه نشده است نمی‌تواند تمرین‌های آن را نیز حل کند. یا اینکه به‌طور معمول دانش‌آموزان تکلیف را شب قبل از تحویل آن انجام می‌دهند و به احتمال زیاد، درس چند روز پیش را فراموش کرده‌اند و وقتی مسئله‌ای را نمی‌توانند حل کنند، آن را رها می‌کنند.

۳ اکثر اوقات معلمان از کمبود وقت در کلاس گلایه دارند. به همین دلیل، از بازدید تکلیف دانش‌آموزان که بخش مهمی از کار است، سر باز می‌زنند. چرا که

از ادبیات متنفرم

زری آقاجانی*

تصویر گر: میثم موسوی

از مدرسه دخترم راضی بودم. همه چیز سر جای خودش بود. تنها معلم ادبیات بود که با عملکرد خود آرامش و آسایش دخترم را مختل می کرد، به حدی که دخترم بارها می گفت: «من از ادبیات متنفرم!»

همین جمله اش باعث نگرانی من از آینده او شد. دخترم دلش می خواست علوم انسانی و ادبیات بخواند، اما معلم ادبیات او ادبیات را طوری نزد او مغضوب ساخته بود که دیگر حس و عشقی به ادبیات برایش باقی نمانده بود. چه باید می کردم؟ به هر حال دست به کار شدم و سعی کردم مسائلی را که باعث ایجاد این احساس در او شده بود واکاوی کنم. آخر آنچه موجب ارتباط بد دخترم با ادبیات و کم لطفی معلم این درس شده بود، چیزی نبود جز نمره ۱۴ وی از ادبیات! اشکالات برگه امتحانی و پیشینه یادگیری دخترم را بررسی کردم و همراه خودش تلاش کردیم، اشکالات گذشته برطرف شوند، اگر چه وقتی برگه های امتحانی دخترم را بررسی کردم دیدم او به راحتی می توانسته به جای نمره ۱۴ نمره ۱۸ از این درس بگیرد!! اما چرا انگیزه های لازم برای خواندن متون و حفظ کردن لغات و شعر در وی وجود نداشت، چرا هر چه تلاش می کرد، به نتیجه مطلوب نمی رسید؟

شاید دانستن این نکات بتواند قدری به فهم مسئله کمک کند. در مدرسه دخترم، مانند سایر مدرسه هایی که از کتاب های کمک درسی استفاده می کنند، برای هر درسی کتاب کمکی دارند، تا آنجا که اگر می توانستند برای ورزش هم کتاب کمکی (البته اگر موجود بود) در نظر می گرفتند. من با اصل استفاده از کتاب های کمک آموزشی مشکلی ندارم، زیرا می دانم وجود چنین کتاب هایی، البته با استانداردهای آموزشی دقیق، در کنار کتاب های درسی لازم است، به ویژه برای دانش آموزانی که بسیار توانمندند و تمرین های کتاب پاسخ گوی ذهن فعال آنان نیست. اما ظاهر آن در برخی مدرسه ها هنوز درک نشده است که اعتدال در استفاده از این کتاب ها بهتر نتیجه می دهد تا افراط در آن. پس از بررسی برگه های امتحانی و مشکلاتی که ممکن بود در چرخه یادگیری دخترم در ادبیات تأثیر منفی گذاشته باشد، متوجه زمان مناسب برای مطالعه این درس شدم. دخترم روزهای شنبه ادبیات داشت. معلم

تمرین در مدرسه صورت گیرد.

در یادگیری معکوس، دبیر با ارائه فیلم آموزشی از تدریس، از دانش آموزان می خواهد با مشاهده آن در منزل، مطالب درسی را آموزش ببینند و به چند سؤال مختصر نیز جواب دهند. چند ویژگی از این روش آموزش عبارتند از:

۱ دانش آموز می تواند هر کجای درس را که متوجه نشد، فیلم را برگرداند و دوباره ببیند.

۲ فیلم ها معمولاً کوتاه هستند و دانش آموز زمانی می تواند آن ها را مشاهده کند که سرحال است.

۳ دانش آموز در جلسه بعد از مشاهده فیلم پیش زمینه ای قوی دارد و می تواند سؤالات هدفمندی از دبیر بپرسد.

۴ چون سرعت گیرایی دانش آموزان با هم متفاوت است، بعضی که کندتر هستند، بدون هیچ اضطرابی می توانند فیلم را بارها متوقف کنند، درباره مطالب فکر کنند و سپس ادامه دهند.

۵ اگر دانش آموزی غایب باشد یا در کلاس سرحال نباشد، می تواند در منزل خود را به کلاس برساند.

دانش آموز بعد از مشاهده فیلم در خانه، در کلاس، زیر نظر دبیر تمرین ها را حل می کند. البته توصیه ما این است که این فرایند به صورت تعامل بین دانش آموزان انجام شود، چرا که هم فکری آن ها و سؤال پرسیدن آن ها از یکدیگر، در تکمیل فرایند یادگیری بسیار مؤثر است. برای مطالعه بیشتر در مورد این روش یادگیری می توان به کتاب یادگیری معکوس نوشته جان برگمن از مؤسسه مرآت مراجعه کرد. با استفاده از این روش یادگیری، چالش هایی که در ابتدای نوشتار گفتیم، برطرف خواهند شد. علاوه بر آن، مزیت های دیگر این روش عبارتند از:

۱ نظارت دبیر روی حل تمرین ها بیشتر خواهد شد؛ به گونه ای که می تواند اشکالات درسی را فرد به فرد برطرف کند. حتی گاهی ایرادهای نوشتاری نیز مشخص می شوند.

۲ معمولاً تمرین هایی که به دانش آموزان می دهیم، سؤالاتی اعم از کم اهمیت و بسیار مهم دارند. ویژگی حل تکلیف در حضور معلم این است که دبیر می تواند روی سؤالات مهم تأکید بیشتری کند و حتی آن ها را در قالب های دیگر از دانش آموزان سؤال و ذهن آن ها را به مبحث معطوف کند.

۳ بیشترین چیزی که دانش آموزان در کلاس از آن لذت می برند، حل مسئله است. دانش آموزی که حتی با کمک بتواند مسئله ای را حل کند، به وجد می آید. بنابراین، هم از کلاس لذت می برد و هم برای حل تمرین های بعدی انگیزه پیدا می کند.

۴ در این فرایند آموزشی می توان آزمونک ها را به زمان انتهای کلاس انتقال داد. این کار باعث می شود دانش آموز باتلاش و انگیزه بیشتری تمرین حل کند، چون می داند در انتهای کلاس باید مشابه همین تمرین ها را آزمون بدهد. پس سعی می کند پاسخ و روش حل تمامی سؤالات را یاد بگیرد.

در آخر، به نظر می رسد با توجه با اهمیت حل تمرین و چالش های حل تمرین در منزل، باید به یادگیری معکوس رو آوریم تا بتوانیم یادگیری عمیق تری را به فرزندان ایران زمین هدیه دهیم.



مدرسه متوجه شدم اولیا از مدیر باز هم تکالیف بیشتری را برای فرزندانشان می‌طلبند و می‌گویند باید بچه‌ها را از الان برای کنکور آماده کنید! با خود اندیشیدم: از الان برای کنکور؟! با خود فکر کردم چطور می‌شود این‌قدر ناخواسته والدینی نامهربان بود، بچه‌های ما که دیگر به ۱۴ یا ۱۵ سالگی خود بر نمی‌گردند، اینان دیگر نمی‌توانند از روزهای نوجوانی لذت ببرند.

با شنیدن و آشنایی با دیدگاه والدین، فهمیدم که متأسفانه من در این مسیر تنها هستم. در جلسات متعددی با مدیر مدرسه صحبت کردم و با دلایل موجه از او خواستم نسبت به کاستن از حجم تکالیف، به‌خصوص ادبیات، توجه بیشتری نشان دهد. خوشبختانه پس از طی حدود دوسوم سال تحصیلی، بالاخره تکالیف ادبیات قدری کمتر شدند و دختر من فرصت مطالعه و بیشتری پیدا کرد و توانست متون ادبی دیگر را هم در قالب شعر و داستان بخواند. همین خواندن با لذت منجر به درک ادبی بهتر او شد و از آن پس شاهد رشد نمره او در درس ادبیات نیز شدم. همکاران گرامی، معلمان عزیز، آیا برای ایجاد فضای یادگیری لذت‌بخش بهتر نیست قدری فرهنگ آموزش خود را تغییر دهیم؟ آیا بهتر نیست در برآیند و فرایند آموزش به تدریس فعال و در عین حال جذابی فکر کنیم تا کلاس درس از مکانی اجباری و رقت‌انگیز، تبدیل به مکانی خواستنی و با رغبت شود و دانش‌آموزان را با شور و انگیزه هر هفته به سوی خود فراخواند؟ استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در حجم زیاد، هم مخرب است و هم آسیب زیادی به وجهه و ویژگی مؤثر آنان در کنار کتاب‌های درسی و تدریس خواهد زد. آیا بهتر نیست برای پیشنهاد یک کتاب کمک‌درسی مناسب، ابتدا در تعطیلات تابستان آن را بررسی کنیم و گلچینی از تمرین‌های مفید و البته طبقه‌بندی شده را با توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان کلاسمان برای سال تحصیلی در نظر بگیریم و فرهنگ استفاده بهینه از کتاب‌های کمک‌درسی را ترویج کنیم؟

ادبیات از دو کتاب کمک‌آموزشی و برای برخی دانش‌آموزان از سه کتاب کمک‌آموزشی استفاده می‌کرد. هر هفته علاوه بر تکالیف مرتبط با کتاب، حدود ۲۵ صفحه نیز از کتاب‌های کمک‌آموزشی تکالیف حل کردنی داشتند. البته این آمار فقط مربوط به درس ادبیات بود و متأسفانه تکالیف بی‌شماری هم از کتاب‌های کمک‌آموزشی دیگر برای دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شد.

من از اینکه دخترم، بیش از اینکه یک دانش‌آموز فعال باشد، شبیه به یک کاتب شده بود، خیلی ناراحت بودم. آخر بعد از مدرسه و پس از یک ساعت استراحت، تا ساعت ۱۱ و گاهی تا ۱۲ شب باید درس‌های فردا را می‌نوشت و می‌خواند، طوری که ما او را در ساعات پس از مدرسه کمتر می‌دیدیم. برای نوجوانی که در پایه نهم درس می‌خواند، آن هم با مشکلات و پیچیدگی‌های بلوغ، آیا این درس بود یا رنج؟

اکنون باب دیگری را باز می‌کنم. در فرهنگ آموزشی امروز ما، انگار هر چه سر بچه بیشتر در کتاب باشد، اولیا و خانواده او خوشنودترند و فکر می‌کنند بچه‌شان به چیزی جز درس فکر نمی‌کند! اگر چنین است، پس چرا ما این همه مشکلات درسی و تربیتی و افت تحصیل و مدرسه‌گریزی داریم؟ پس یک جای کار به قول قدیمی‌ها لنگ می‌زند. برای من جای فکر داشت که با این همه تکالیف ادبیات و ساعت‌ها تمرین ادبیات، پس چرا وضعیت دختر من بهبود پیدا نکرد و در احساس وی نسبت به این درس سرنوشت‌ساز و مهم تغییری روی نداد؟ متأسفانه معلم او تحت تأثیر «آن قدر بنویس و بنویس تا یادگیری» قرار داشت، درحالی که در قرن بیست و یکم که شیوه‌ها و روش‌های آموزشی از درگاه‌های مشق‌مداری گذر کرده‌اند، دیگر نمی‌شود انتظار داشت وقت بچه‌ها فقط به مطالعه و خواندن متون متفاوت بگذرد.

باز هم تلاش بیشتر را بر خودم و دخترم لازم دانستم. باز هم به بازبینی و دقت بیشتر دخترم ادامه دادم تا اینکه روزی در جلسات



تفکر خلاق

زهرا سادات تقوی*

* دکترای روان‌شناسی سلامت

مهارت تفکر خلاق یکی از مهارت‌های دهگانه زندگی است. تفکر خلاق نیز مانند سایر مهارت‌های زندگی، آموختنی است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، افراد دارای تفکر خلاق در حیطه‌های متفاوت زندگی خویش عملکرد بهتری دارند و از سلامت روان‌شناختی و جسمی مطلوب‌تری برخوردارند. تفکر خلاق مهارتی است که جامعه را به پیشرفت می‌رساند. استفاده از تفکر خلاق نه تنها در افراد کارآفرین، مخترع و مکتشف به رشد جوامع منجر می‌شود، بلکه در مسائل فردی و ارتباطی نیز بر خورداری از زندگی آسان‌تر و پویاتر را در پی دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت، دیگر مهارت‌های زندگی، در پرتو بهره‌مندی از مهارت تفکر خلاق کارایی مطلوب‌تری خواهند داشت. فرد دارای تفکر خلاق روابط بین فردی مؤثرتری برقرار می‌کند، راهی برای نه گفتن و برون‌رفت از موقعیتی که به نفعش نیست می‌یابد، راه‌های متعددی برای کنترل استرس و مدیریت خشم خویش می‌یابد، در مهارت حل مسئله کارآمدتر است. در یک کلام، مهارت تفکر خلاق تسهیل‌گر سایر مهارت‌های فرد است.

تفکر عملی ذهنی است و زمانی که انسان با مسئله‌ای مواجه می‌شود و درصدد حل آن بر می‌آید، فعال می‌شود. فرایند تلاش ذهنی برای حل یک مسئله، یافتن راهی برای غلبه بر یک مشکل یا موقعیت چالش‌برانگیز، تفکر نامیده می‌شود. شکل‌گیری و تکوین تفکر، بسیار زودتر از آنچه بسیاری می‌اندیشند، در کودک انسان آغاز می‌گردد. کودک در خلال نخستین سال زندگی به تدریج می‌اندیشد و دست به انتخاب می‌زند. سال‌های پیش از دبستان تا پایان دوران نوجوانی، زمانی طلایی برای پرورش تفکر خلاق است. اگرچه مهارت تفکر خلاق آموختنی است و فرد می‌تواند در هر سنی به پرورش آن بپردازد، ولیکن مسلم است که نقش والدین، مربیان و معلمان در پرورش این مهارت ارزشمند بی‌بدیل است.

اکنون سؤال این‌جاست که چگونه مهارت تفکر خلاق را در سنین طلایی دستیابی به آن در کودکان و نوجوانان پرورش دهیم:

■ اولین، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین موضوع این است که حل‌المسائل فرزندانمان نباشیم. به آن‌ها فرصت فکر، اندیشه و یافتن راه‌حل بدهیم.

■ توانایی انتخاب را از کودکی در فرزندانمان رشد

دهیم. حتی انتخاب‌های ساده به آن‌ها کمک می‌کند تفکر خویش را فعال کنند. در سنین پیش‌دبستان والدین می‌توانند با ایجاد امکان انتخاب‌های ساده مانند انتخاب بین دو نوع غذا که طبع آن برای والدین میسر است و یا انتخاب لباس توسط کودک، زمینه رشد توانایی انتخاب را در او فراهم کنند. به تدریج می‌توان کودک را در معرض انتخاب‌هایی پیچیده‌تر قرار داد؛ مانند انتخاب مسیر برگشت از پارک به منزل. با بررسی نکات موجود در هر انتخاب و سود و زیان هر یک، می‌توان اندیشیدن به شیوه‌ای دیگر را به کودک آموخت. استفاده از این راهبرد در روش کار معلمان بسیار اثربخش است. معلمانی که پس از بررسی و توضیح امکان‌های موجود، میزان و زمان انجام تکلیف را با تشریک مساعی با دانش‌آموز تعیین می‌کنند، مهارت تفکر خلاق را در آن‌ها رشد می‌دهند.

■ به جای آنکه حقایق علمی و مسائل آموزشی را به صورت جملات خبری بازگو کنیم، با طرح سؤالات سقراطی، دانش‌آموز را به حدس زدن و تفکر و در نهایت دستیابی به موضوع مورد نظر تشویق کنیم.

■ از دانش‌آموزان در یافتن پاسخ سؤالات کمک بخواهیم و آن‌ها را برای مشارکتشان تشویق کنیم. در واقع، هر نوع پاسخی را تشویق کنیم و در انتظار پاسخ‌های کاملاً درست که مطابق معیارهای ذهنی خودمان است نباشیم.

■ در خصوص تصمیمات ساده، دانش‌آموزان را درگیر کنیم و استفاده از روش بارش فکری را به آن‌ها بیاموزیم.

■ ایده‌های دانش‌آموزانمان را جدی بگیریم و از کوچک‌شماری نظرات آن‌ها بپرهیزیم.

■ از موقعیت‌های چالش‌برانگیز استقبال کنیم، گاهی یک دانش‌آموز سخت‌موهبتی برای دیگران است، زیرا به آن‌ها می‌آموزد در موقعیت‌های چالش‌برانگیز از مهارت‌هایشان استفاده کنند.

■ از تجربه‌های ارزشمند خویش با دانش‌آموزان سخن بگوییم؛ از راه‌هایی که در معرض آن بوده‌ایم و انتخاب‌هایی که انجام داده‌ایم.



شهادت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۳۰ هـ. ش)

امیرکبیر و مسیحیان

امیر در آغاز سال ۱۲۶۶ قمری شنید که عده‌ای در ارومیه مسیحیان را به زور و فشار به تغییر مذهب وادار می‌سازند. ابتدا شخصی را برای تحقیق کافی به ارومیه فرستاد و چون بر واقعی بودن آن گزارش‌ها اطمینان یافت، در نامه‌ای که در صفر ۱۲۶۶ برای محمدرضاخان، وزیر آذربایجان، فرستاد، نوشت:

«... از قراری که مذکور شد، از خوانین افشار ارومیه و بعضی از اهالی آنجا نسبت به طایفه نصرانیه ارومیه، بی حسابی و ظلم می‌رسد و آن‌ها را تکلیف به تغییر مذهب می‌نمایند. از اینکه هر یک از ملل متنوعه و مذاهب مختلفه که در ممالک پادشاهی هستند، باید در عین فراغت و آسودگی زندگی کنند و به دوام دولت قاهره بپردازند، لهذا به آن مخدوم اظهار می‌شود که به مباشرین امور دیوانی ارومیه غدغن نمایند که در هر باب مراقب احوال طایفه مزبوره بوده، گذارند از کسی نسبت به آن‌ها تعدی و بی حسابی برسد و آن‌ها را تکلیف به تغییر مذهب نماید.»

محمود حکیمی در «شکیبایی دینی امیرکبیر» به نقل از پایگاه رسمی دارالفنون.



<http://darolfonoon.oerp.ir>



مادری که پرستاری آموخت!

مریم یراقی

زینب اگر پرستار عاشورا و فرزندان اهل بیت (ع) در نینواست، مادری داشته که شکمبه شتر از سروصورت پدر پاک کرده؛ همان که بی‌معرفتان به حق، به ناحق بر سر و روی او ریخته بودند.

زینب اگر در خون، شهادت و اسارت زیبایی دید و زینبی ایستاد و چنان سخنرانی کرد که تمام شکوه و جلال غاصبانه طاغوت زمان را به هم ریخت، مادری داشت که خطبه فدکیه خواند و از حق خود دفاع کرد.

این گونه مادرانی که در عین عفت و حیا قوی و مقتدر می‌ایستند و آنچه را باید می‌گویند و از آنچه باید دفاع می‌کنند، دخترانی زینبی تربیت می‌کنند که اگر نبود، از امام حسین (ع) و عاشورا هیچ باقی نمانده بود.

روز پرستار، روز تبریک به مادرانی است که دخترانی را پرستار تربیت کرده‌اند.

و فاطمه سرآغاز فصل هشیار شدن برای تشخیص و گزینش حق از باطل است.

از قدیم گفته‌اند، سفره‌ای را که مادر بیندازد، دختر جمع می‌کند!

مادری که از کودکی و در نوجوانی چنان مهربان و مراقب پدر است که از سوی وی ام‌اینها (مادرپدرش) لقب می‌گیرد، دختری همچو زینب تحویل جهانیان می‌دهد که پس از تمام فجایع عاشورا، محکم بایستد و بگوید: ما رأیت الا جمیلا (به‌جز زیبایی ندیدم)!

فاطمه (س) زنی است عالمه و به‌روز، روشن و حق‌گرا. پس از وفات پدر، خانه به خانه می‌رود و حق را و امر خدا را به گوش مردم می‌رساند و از آنان می‌خواهد بر عهد و پیمان خویش با پیامبر خدا (ص) بمانند.

از مادری که از سر وظیفه‌شناسی، خودش را حائل در و دشمن می‌کند و از علی (ع) و ولی خدا شهادت‌گونه دفاع می‌کند، زینبی انتظار است که فرزندان را بدون بدرقه راهی قتلگاه حسین (ع) کند.

زینب (س) اگر زینب است، مادری داشته که فاطمه (س) است.



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پرستار برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

• رشد آموزش ابتدایی • رشد تکنولوژی آموزشی

• رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش‌دبستانی
- رشد پرهان متوسطه دوم

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۷۸

• وبگاه: www.roshdmag.ir



جشن آغاز سال نو میلادی

شنبه	۱	۱۵	۲۹
یکشنبه	۲	۱۶	۳۰
دوشنبه	۳	۱۷	
سه‌شنبه	۴	۱۸	
چهارشنبه	۵	۱۹	
پنجشنبه	۶	۲۰	
جمعه	۷	۲۱	
شنبه	۸	۲۲	
یکشنبه	۹	۲۳	
دوشنبه	۱۰	۲۴	
سه‌شنبه	۱۱	۲۵	
چهارشنبه	۱۲	۲۶	
پنجشنبه	۱۳	۲۷	
جمعه	۱۴	۲۸	

۴ دی - ولادت حضرت مسیح (ع)
 ۵ دی - سال‌روز زمین لرزه بم در سال ۱۳۸۲
 ۹ دی - روز بصیرت و میثاق امت با ولایت
 ۱۱ دی - جشن آغاز سال نو میلادی
 ۲۰ دی - شهادت امیرکبیر به دستور ناصرالدین شاه قاجار
 ۲۲ دی - ولادت حضرت زینب (س)
 و روز پرستار و بهروز



نتایج دومین جشن خاطره‌ها

زندگی معلمی مسیری است خاطره‌خیز، سرشار از تجربه‌هایی که مرور آن‌ها می‌تواند برای دیگران بیش از کلاس درس دانشگاه و مدرسه، پیام داشته باشد.

دو سال است که مجله رشد معلم «جشن خاطرات معلمی» را برگزار می‌کند. بر اساس دعوتی که انجام شد، تعدادی از همکاران از سر لطف برایمان از لحظه‌های طی شده نوشتند. پس از بررسی نوشته‌ها توسط داوران جشنواره، افراد زیر به عنوان برگزیدگان معرفی شدند.

رتبه‌های اول:

- فرید قشلاقی / تبریز، آذربایجان شرقی
- مریم بزرگی / تهران، تهران
- ایمان قاسمی / دهدشت، قلعه رئیسی، کهگیلویه و بویراحمد

رتبه‌های دوم:

- حسین محمدیان / سردشت، آذربایجان غربی
- زهره صفار / گرگان، گلستان
- لیلا مقبولی اصل / زنجان، زنجان

رتبه‌های سوم:

- چنور جوانمردی / نودشه، کرمانشاه
- انور بیگی / صاحب، کردستان
- رقیه شهنسوازی / همدان، همدان



حمایت از کالای ایرانی

رشد برای شما

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

- الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.
- ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه همراه آرمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۲۳۳۰۸۸۴۹.

♦ عنوان مجلات درخواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

♦ استان:

♦ شهرستان:

♦ خیابان:

♦ پلاک:

♦ شماره فیش بانکی:

♦ مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۴۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۲۰/۰۰۰ ریال



مقدمه

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لاتقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»^۱: فرزندان را بر آداب خود تربیت نکنید، چرا که آن‌ها برای (آینده) و زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند. همان‌طور که می‌دانیم، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش «معلم» هدایت‌کننده و الگویی امین در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام آموزشی و تربیتی است. با این توصیف، آموزش و پرورش برای بقای خود بیش از هر نهاد دیگری به توانمندسازی معلمان از طریق آموزش فراگیر آنان به روش‌های متنوع و مؤثر نیاز دارد. یعنی آگاهی و اطلاعات معلمان در زمینه تغییر و تحولات آموزشی و روش‌های یاددهی - یادگیری باید به‌روز شود و آنان توانمندی لازم برای به‌کارگیری بهترین و مؤثرترین روش‌ها را برای آموزش، ارتباط با دانش‌آموزان، بازخورد و ارزشیابی به‌دست آورند. نمی‌توان با تکیه بر دانش، نگرش و مهارت‌های معلمان ۲۰ یا ۳۰ سال گذشته، دانش‌آموزانی برای رویارویی با آینده تربیت کرد.

اگر معلمان ما متناسب با تغییرات پرشتاب دنیای امروز و نیازهای متنوع، متعدد و جدید آموزشی و تربیتی نسل نو که از ویژگی‌های زندگی در عصر جدید است، خود را آماده کرده باشند، می‌توانند نسلی مؤمن، خداجو، مسئولیت‌پذیر، پژوهشگر، خلاق، نوآور و مولد علم تربیت کنند.

بر این اساس، تقویت شایستگی‌های معلمان لازم و ضروری است. در این پرونده، به این موضوع مهم می‌پردازیم. امیدواریم مورد توجه شما معلمان عزیز و توانمند قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. ابن ابی‌الحدید، معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰: ۲۶۷



سیر تحول گروه‌های آموزشی

دکتر جعفر زنجانی*

دبیران و دانش‌آموزان، آنان را برای بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی آماده کنند.

در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵، با تکمیل بخش‌نامه‌های ترمیمی، قرار شد برنامه‌ها و فعالیت‌هایی به‌عنوان پشتوانه‌های متکی بر یافته‌های علوم تربیتی تدوین شود، به طوری که تمامی خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها براساس رویکرد نیل به هدف تعریف شوند. در سال ۱۳۷۷، در بخش‌نامه‌ای، دستورالعمل جامع گروه‌های آموزشی دوره متوسطه نظری و مهارتی ارسال شد. این دستورالعمل ملاک و راهنمای کار فعالیت گروه‌های آموزشی از سطح وزارتخانه تا مدرسه را پوشش داده بود. در نهایت، آیین‌نامه گروه‌های آموزشی و تربیتی در نهضت و چهاردهمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۲۹ تصویب و برای اجرا ابلاغ شد. در این آیین‌نامه، موارد زیر به‌عنوان اهداف گروه‌های آموزشی ذکر شده‌اند:

■ توسعه مستمر شایستگی‌ها و مهارت‌های تخصصی و حرفه‌ای معلمان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درون و برون‌سازمانی؛
■ ارتقای نقش معلمان در طراحی، تدوین، اجرا، نظارت و ارزشیابی برنامه‌های درسی و آموزشی، و افزایش ارتباط و تعامل اثربخش بین معلمان و برنامه‌ریزان؛
■ گسترش فرهنگ پژوهش و توسعه تحقیق و کاربردی آن در مدرسه‌ها؛

■ تبادل نظر و تجربه بین اعضای گروه‌های آموزشی و تربیتی در فرایند تعلیم و تربیت و پرورش خلاقیت و نوآوری در آنان و انتقال آن به سایر معلمان؛

■ نظارت بر حسن اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی معلمان و مدرسه‌ها و ارائه پیشنهادهای لازم.

تحول در آموزش و پرورش یکی از موضوعات اساسی در نظام تعلیم و تربیت هر کشوری است که به دلیل ماهیت پویا و پیوسته نظام آموزشی، تنها از طریق فرایندی تحولی و مشارکت فعال و مستمر تمامی بخش‌های آموزش و پرورش محقق خواهد شد. در این میان، نقش گروه‌های آموزشی، با پر کردن خلأ میان برنامه‌ریزان آموزشی و اجراکنندگان در مدرسه بسیار حائز اهمیت است.

در این نوشته، با مروری بر تاریخچه و سیر تحول گروه‌های آموزشی و همچنین بررسی برخی از مؤلفه‌های شایستگی حرفه‌ای معلمان، نقش گروه‌های آموزشی را در رشد حرفه‌ای معلمان بیان می‌کنیم.

اولین تلاش‌ها برای تأسیس گروه‌های آموزشی از سال ۱۳۲۸ شمسی آغاز شد؛ کوششی فردگرایانه که با توجه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی موجود، زمینه‌ساز حرکت‌های جدی در این حوزه بود. در سال ۱۳۵۹، «معاونت امور آموزشی وزارت آموزش و پرورش» اولین دستورالعمل گروه‌های آموزشی را با هدف «ایجاد هماهنگی در روش‌های تدریس» و «ارتقای سطح کیفی آموزش در گروه‌ها» تهیه و به ادارات کل استان‌ها ارسال کرد. هدف تعیین شده عبارت بود از: جلب هرچه بیشتر همکاری و تفاهم برای استفاده از تجربه‌ها و اطلاعات معلمان، کارشناسان و صاحب‌نظران در زمینه‌های بهبود روش‌های تدریس و بالا بردن سطح فرایندهای آموزشی، روش‌های صحیح ارزشیابی و ایجاد رقابت سالم بین معلمان. در سال ۱۳۷۲، این طرح به سایر استان‌ها تعمیم داده شد و با طراحی شورای سیاست‌گذاری توسعه و کاربرد فناوری آموزشی، برنامه‌های جدی‌تری در این زمینه تحقق عملی پیدا کردند.

در سال ۱۳۷۳ بار دیگر دستورالعمل جدیدی تهیه و تنظیم شد. در این دستورالعمل، گروه‌های آموزشی به‌عنوان مجامعی علمی، آموزشی، پرورشی و پژوهشی بازشناخته شدند که باید ضمن برقراری ارتباط سازنده بین دبیران، با فراهم‌سازی زمینه استفاده از تجربه‌ها و اطلاعات علمی، فنی و آموزشی در روش‌های تدریس، گسترش اطلاعات تخصصی، کاربرد مواد آموزشی و کمک آموزشی، بهره‌گیری صحیح از وسایل و امکانات سمعی و بصری، به کارگیری اصول و روش‌های صحیح پیشرفت تحصیلی، تقویت زمینه پژوهش و تحقیق و بررسی علل افت تحصیلی، مسائل و مشکلات دانش‌آموزان و در نهایت، با بهره‌گیری از اطلاعات روان‌شناسی و ایجاد رقابت سالم بین

* رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی استان زنجان



گروه‌های آموزشی و رشد حرفه‌ای معلمان

گزاره روشن بقا و کارآمدی نظام‌های آموزشی به داشتن دانش و تخصص، توانایی و مهارت منابع انسانی، به‌ویژه معلمان آن‌ها، بستگی دارد، هرچه معلمان از آمادگی، شایستگی و توانمندی بیشتری برخوردار باشند، در ارتقای سطح کارایی نظام‌ها نیز سهم بیشتری خواهند داشت. در واقع، کیفیت هر نظام آموزشی در نهایت به کیفیت معلمان آن جامعه وابسته است و با توجه به نقش بنیادین معلم در فرایند تعلیم و تربیت، دستیابی به اهداف نظام آموزش و پرورش، بدون حضور معلمانی برخوردار از توانمندی‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای، میسر نمی‌شود. «شایستگی» را نتیجه به کار بردن متناسب دانش و مهارت تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، شایستگی یعنی مهارت به همراه دانش. گروهی نیز شایستگی را مجموعه دانش، مهارت و توانایی در شغلی خاص می‌دانند که به شخص اجازه می‌دهد در انجام وظایفش موفق باشد. بنابراین، می‌توان گفت شایستگی همانند چتری است که هر چیزی را که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم روی عملکرد شغلی تأثیر داشته باشد، در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، شایستگی تصویری از انسان رشد یافته را نشان می‌دهد که برای انجام یک شغل، از هر جهت آمادگی کامل داشته باشد. به این ترتیب، شایستگی‌ها را می‌توان ابعادی رفتاری تلقی کرد که روی عملکرد شغلی تأثیر دارند. از این رو، شایستگی‌ها بیانگر آن‌اند که افراد باید چگونه انجام وظیفه کنند، در شرایط خاص چگونه واکنش نشان دهند یا چگونه رفتار کنند. چارچوب مفهومی رشد حرفه‌ای و شایستگی معلمان در پنج مؤلفه دانش، نگرش، مهارت، توانایی و ویژگی‌های شخصیتی تدوین شده است:

با توجه به اینکه رشد حرفه‌ای معلمان فرایندی مستمر، پویا و زمان‌بر است، دانش حرفه‌ای و شایستگی آن‌ها نمی‌تواند به‌طور مستقل و تنها در دوره‌های پیش از خدمت ایجاد شود. بدین سبب، در ساختار تشکیلاتی وزارت آموزش و پرورش، ظرفیتی به نام گروه‌های آموزشی ایجاد شده است تا از این طریق معلمان به‌طور مستمر

■ ایجاد فرصت آموزش مستمر و بازآموزی حین خدمت، با اجرای طرح راهبری حرفه‌ای معلمان و کمک به رشد و تعالی حرفه‌ای معلم، از طریق کسب خودآگاهی و هوشیار کردن وی نسبت به آنچه برای بهبود آموزش لازم است.

■ ایجاد سازمان یادگیرنده از طریق تبادل تجربه‌های حرفه‌ای برای تقویت دانش تخصصی، دانش برنامه‌درسی و محتوای آموزشی، آشنایی با راهبردها و مهارت‌های تدریس و سنجش و ارزشیابی.

■ مشارکت در اعتبارسنجی و اعتباربخشی کتاب‌های درسی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی نقد و بررسی و تحلیل علمی محتواهای کتاب، ارائه پیشنهادها و اصلاحی و در نهایت سنجش و ارزشیابی مبتنی بر برنامه‌درسی ملی.

■ تقویت احساس کارآمدی، تمایل به انجام کارهای تیمی و تقویت نگرش انتقادی به تدریس خود از طریق اجرای جشنواره‌ها و مسابقات.

■ ایجاد فرهنگ برنامه‌ریزی، استفاده از مواد و تکنولوژی‌های تدریس و خلاقیت در هدایت دانش‌آموزان و گروه‌ها در قالب برنامه‌های متنوع مانند درس‌پژوهی، نظارت و راهنمایی آموزشی و جشنواره الگوهای تدریس برتر.

■ کسب توانایی‌های شناختی و فراشناختی، مهارت‌های تعامل با دانش‌آموزان و والدین و سایر گروه‌های اجتماعی در قالب اجرای کارگاه‌های آموزشی و ایجاد شرایط مناسب برای تبادل نظرات، افکار و تجربه‌های مفید، ابتکارات و نوآوری‌ها بین معلمان.





توانمند سازی معلمان ضمن خدمت

ابراهیم آرزو

ساعت‌ها به بحث و بررسی می‌پردازند. همین حضور حداکثری دبیران در این دوره‌ها و مشارکت در بیان دیدگاه‌ها مجال فراهم می‌کند که در نشست‌های دیگر مقدور و فراهم نیست.

از محاسن کارگاه‌ها و دوره‌های ضمن خدمت، حضور دبیران، گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره و عرضه تفکرات و اندیشه‌های دبیران در تقابل با یکدیگر است. در این کنش‌ها و کشش‌های فکری، دانش تازه‌ای تولید می‌شود؛ دانشی حرفه‌ای که حاصل افکار افراد حرفه‌ای است؛ تجربه‌ای که افراد با پشتوانه سال‌ها حضور علمی و عملی تدریس در کلاس‌های درس بدان یافته‌اند.

دوره‌های ضمن خدمت محمل بی‌نظیری برای تجربه‌گردانی است. انتقال و بازگویی تجربه‌های افراد با سابقه به دبیرانی که به تازگی وارد عرصه معلمی شده‌اند. به این ترتیب، دبیران تازه‌وارد، به جای آنکه خود موارد متعدد را از طریق آزمون و خطا تجربه کنند، به گنجینه‌های پرقیمت دست می‌یابند.

دو شرط اصلی و مهم برای اینکه معلمان بتوانند به موارد یادشده دست یابند، نخست تشکیل دوره‌های حضوری است و دوم برخورداری از مدرسان آگاه از مسائل علمی؛ به نحوی که بتوانند با سازمان‌دهی شیوه‌ها و روش‌های علمی، نیازهای همکاران را به خوبی برآورده کنند.

همان‌طور که می‌دانیم، دوره‌های ضمن خدمت در دو سطح پی‌گیری و انجام می‌شوند. سطح اول: «برگزاری دوره‌های عمومی که بیشتر به صورت غیر حضوری‌اند.» از دو منظر به این سطح انتقاد وارد است. اول اینکه دوره غیر حضوری هیچ یک از مزایای دوره‌های

حضوری را ندارد. دوم، موضوعات انتخابی کمک‌چندانی به دانش‌افزایی دبیران نمی‌کند و قابل عرضه در کلاس درس نیست. به همین دلیل ایرادهای اساسی به آن وارد است. شاید به همین علت، در شیوه اجرای آن سخت‌گیری چندانی نمی‌شود و ظاهراً اعطای گواهی هدف اصلی محسوب می‌شود.



همه معلمان از نخستین روزهای معلمی کم و بیش با مقوله دوره ضمن خدمت آشنا می‌شوند. اینجانب هم به تناوب، به عنوان مربی یا مربی، همیشه عضو ثابت این جلسات یا کارگاه‌ها بوده‌ام. جدای از فایده مطالبی علمی که در این کلاس‌ها ارائه می‌شوند، دوره‌های، با هم بودن دوستان سابق و شیطنتهای پشت میز نشستن‌ها، بسیار خاطره انگیزند.

خیلی وقت‌ها در زمان استراحت، گلایه‌های همکاران از ضعف مدرس، برنامه‌ریزی دوره و گفت‌وگو در مورد رعایت نشدن شأن معلم در کارگاه‌ها و کلاس‌ها، به گوش می‌رسد.

در همین شرایط دریافتیم، معلم خیلی از کاستی‌های دوره‌ها را نادیده می‌گیرد و همچنان در آن‌ها حضور فعال می‌یابد؛ به خصوص زمانی که مدرس بتواند مطالب علمی تازه‌ای عرضه کند، روش تازه‌ای به کار بندد و در مجموع حرفی برای گفتن داشته باشد.

به طور کلی، اهمیت دوره‌های ضمن خدمت را از ابعاد متفاوت می‌توان بررسی کرد. در نگاه اول، این دوره‌ها که با اجتماع تعدادی از دبیران متخصص و آگاه به محتوای کتاب‌های درسی تشکیل می‌شود، آوردگاه اندیشه‌های بسیار درباره روش‌های تدریس و تجزیه و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی، به خصوص کتاب‌های نو نگاشت است که نه تنها به بارور کردن فکر و اندیشه معلمان کمک شایانی می‌کند، بلکه بسیاری از نقدهای سازنده و همه جانبه درباره کتاب‌های درسی، از برون‌دادهای همین دوره‌هاست و به ارائه شیوه‌ها و نوع نگارش کتاب‌های درسی کمک بسیار زیادی می‌کند.

دوره‌های ضمن خدمت بهترین محفل یادگیری

سازمانی هستند که در روش‌های آموزش

نوین بسیار مورد تأکیدند. یادگیری

سازمانی عبارت است از: «سهیم

شدن در تجربه و دانش یکدیگر،

به فهم مشترک رسیدن و تصویر

دقیقی از مأموریت مشترک

ارائه کردن.» جایی که دبیران با

وجود دیدگاه‌های مختلف، درباره

مطالب مندرج در کتاب‌های

درسی، ارزش علمی محتوای

کتاب‌ها و شیوه‌های تدریس آن‌ها،



۴. با مدیریت مدرس توانمند و مسلط، مطالب به شیوه‌های گوناگون قابل عرضه می‌شوند.

به‌طور کلی، دوره‌های ضمن خدمت از چند جنبه مهم تلقی می‌شوند:

۱. **دانش‌افزایی:** در انتقال دانش

و تجربه‌های علمی و آموزشی به دبیران، به‌خصوص دبیران تازه‌کار، حائز اهمیت است.

۲. **ارتقای مهارت یاددهی - یادگیری:** چنانچه می‌دانیم، معلم به‌طور هم‌زمان هم آموزش‌دهنده است و هم گیرنده آموزش. چون تدریس، فن و مهارت است، با حضور در کلاس‌های ضمن خدمت، مهارت‌های حرفه‌ای معلم توسعه می‌یابند.

۳. **حد و مرز نداشتن آموزش:** ترکیب افراد حاضر در این کلاس‌ها طوری است که از دبیر چند ماه سابقه تا سی سال سابقه در آن حضور دارند. این موضوع بهترین گواه آن است که آموختن حد و مرز ندارد.

۴. **گسترش دانش در هر حوزه تخصصی:** هر کتاب و رشته درسی اقیانوسی از معلومات را در بردارد که تسلط یک معلم بر همه آن بسیار دشوار است. دوره‌های ضمن خدمت مجالی فراهم می‌کنند تا دبیران به دانش‌افزایی و گسترش قلمرو علمی یکدیگر کمک کنند.

۵. **پر کردن فاصله سال‌های دوری از مراکز علمی و دانشگاهی:** بنا به دلایل متعدد، تعداد زیادی از دبیران، از لحظه جدایی از مراکز آموزش عالی، نسبت به روزآمد کردن دانش خود بی‌اعتنا هستند. حضور در دوره‌های ضمن خدمت توفیقی اجباری است تا این فاصله پر شود.

در مجموع، اگر شرایط یک دوره ضمن خدمت ایده‌آل فراهم شود، هیچ جایگزینی برای آن، از لحاظ توانمندسازی معلمان، متصور نیست، به شرطی که در طراحی این دوره‌ها تناسب و ویژگی‌های تحولی علمی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شوند و عنوان‌های دوره متناسب با نیازمندی‌های دبیران تعریف شوند.

سطح دوم: «برگزاری دوره‌های ضمن خدمت حضوری برای کتاب‌های نو نگاشت است که از سال‌ها پیش، متداول و مرسوم بوده است.» این گونه عمل کردن از نگاه معلمان بسیار درست و شایسته است، زیرا برای توانمندسازی حرفه‌ای دبیران بسیار حائز اهمیت است و بین دبیران هم اعتباری ویژه دارد.

متأسفانه، دوره‌های ضمن خدمت در سال‌های اخیر به دلایلی به سمت غیرحضوری شدن پیش رفته‌اند و به شدت در حال بی‌اثر و بی‌اعتبار شدن هستند و همگی دبیران بر این متفق‌القول‌اند. همان‌طور که عنوان شد، دوره‌های حضوری دو ویژگی منحصربه‌فرد دارند، یکی «اصل حضوری و چهره‌به‌چهره بودن آن» و دوم، «تقابل افکار» که زاده اصل اول است و در شیوه غیرحضوری وجود ندارد. بنابراین، به دلایل متعدد پیشنهاد می‌شود، اگر قرار است رهاورد این کلاس‌ها توانمندسازی حرفه‌ای معلمان باشد، الزامات آن نیز به کار بسته شود؛ به خصوص که در درس‌های آزمایشگاهی و کارگاهی، حضوری بودن یک اصل است.

برخی دیگر از خصوصیات دوره‌های حضوری عبارت‌اند از:

۱. گفت‌وگوهای چند جانبه دبیران با هم، دبیران با مدرس و مدرس دوره با دبیران، فضا را برای نقد و تجزیه و تحلیل زوایای پیدا و پنهان کتاب‌های درسی مهیا می‌کند. گرچه بعضی اوقات حرف‌های تکراری هم به میان می‌آیند و موضوع به سمت مسائل صنفی کشیده می‌شود، اما از ویژگی‌های مدرس خوب آن است که این مباحث را به سمت درست هدایت کند.

۲. مهم‌ترین خصوصیت دوره‌های حضوری، تأثیر حالات روحی و روانی مدرس در شنونده است که در نوع و شیوه بیان مطالب تأثیر بسزایی دارد.

۳. امکان شرح و بسط مطالب پیرامونی یک درس فراهم می‌شود که این خود به تقویت بنیه علمی کمک شایانی می‌کند.



زهراسنتگران

عکاس: عدید فیروزی

احتمالاً باید گزارش را با معرفی دستاوردهای دکتر علی رجالی، شخصی که برای مصاحبه با ایشان به اصفهان رفته‌ایم، آغاز می‌کردم. مثلاً در اولین جمله می‌نوشتیم: ایشان نخستین برنده ایرانی جایزه جهانی پاول اردیش، مؤسس خانه ریاضیات اصفهان، برگزارکننده نخستین کنفرانس آموزش ریاضی و کنفرانس آمار ایران، مؤسس انجمن‌های علمی آموزشی معلمان و یکی از بنیان‌گذاران مسابقات دانش‌آموزی ریاضی ایران و همچنین معاون فدراسیون جهانی مسابقات ملی ریاضی است. اما خواندن این گزارش چه دردی را از کدام‌یک از ما درمان می‌کند؟

سوم دبستان که بودم، خواهرم که عضو یک تیم حرفه‌ای کوهنوردی بود، تصمیم گرفت برای اولین بار مرا هم با خودش ببرد. البته می‌ترسید نتوانم پایه‌پایان حرکت کنم. اگر خسته می‌شدم، نه راه پس وجود داشت، نه راه پیش. خودم هم می‌ترسیدم. برای همین، از همان اولین قدم، بلند گام برداشتم تا از گروه جا نمانم. اما سرپرست تیم، در همان قدم‌های اول به من گفت: «من بعد از ۳۰ سال کوهنوردی هنوز این‌قدر بلند گام بر نمی‌دارم! فوت کوزه‌گری کار این است که قدم‌های کوتاه برداری. اینطوری می‌رسی.»

تا زمانی که در کوهپایه باشی، تصور گذر از سختی‌ها آسان نیست. حالا پس از ۱۴ سال که به قله رسیدیم و بازگشتیم: بعد از این همه سال، در خانه ریاضیات اصفهان، جمله‌ای مشابه را از دکتر رجالی شنیدم: اگر به فکر توسعه پایدار کشور هستی، هدف بزرگ داشته باش و قدم‌های کوتاه بردار. صدای سرپرست تیم کوهنوردی در گوشم پیچید: «می‌رسی!»

این روزها همه ما نگران انتخاب‌هایمان هستیم و می‌ترسیم روزی نه راه پس داشته باشیم، نه راه پیش. این گزارش را نه فقط به خاطر دستاوردهای دکتر رجالی، بلکه بیشتر به خاطر تجربه چهل سال معلمی ایشان (که دوست دارند به عنوان معلم ریاضی معرفی‌شان کنیم) بخوانید. فوت کوزه‌گری معلم ریاضی بودن در همین صفحات است. بی‌تفاوت از کنارشان نگذرید.

چرا ریاضی؟ چرا معلمی؟

لذت داشت. نصف صفحه درباره اتفاقات روزمره یا حتی آرزوهایمان سؤال می‌نوشتیم و سؤال‌ها مسائل ریاضی می‌شدند. این روزها کسی حوصله خواندن سؤال نصف صفحه‌ای را دارد؟ بچه‌ها کاربرد ریاضی را در زندگی‌شان می‌بینند؟

ما بیشترین مسائل دینی را از معلم فیزیک مدرسه یاد می‌گرفتیم. سر کلاس فیزیک اجازه حل کردن داشتیم و طوطی‌وار حفظ نمی‌کردیم. وقتی معلم فیزیک از خدا حرف می‌زد، اجازه داشتیم

من از همان دوران دبستان فهمیده بودم قرار است معلم بشوم. معلم‌انم کشف کرده بودند که استعداد ریاضی دارم و به من یاد داده بودند ریاضی را به هم‌کلاسی‌های ضعیف‌تر از خودم درس بدهم. گاهی در مسجد سید اصفهان درس می‌خواندیم و گاهی بچه‌ها می‌آمدند دم در خانه و مسئله‌ها را می‌گرفتند. هنر من این بود که از اتفاقات روزمره مسئله ریاضی می‌ساختم. داستانی بود و

پزشک معالجم متوجه اشتباهش بشود. دلیل آن این بود که آن دانشجوی پزشکی ریاضی را خوب می‌فهمید. در دوره دبیرستان با او ریاضی کار می‌کردم. اگر ما ذهن ریاضی داشته باشیم تناقض صحبت‌های افراد را درک می‌کنیم و با الگوریتم بندی مسائل؛ چه در بانک، چه در کارخانه، چه در سیاست و حتی چه در مسائل پزشکی، می‌توانیم منطقی‌تر ببینیم.

ایده انجمن علمی آموزشی معلمان در کجا شکل گرفت؟

در دانشگاه استنفورد آمریکا، فردی با دکترای ریاضی، اگر یک دوره علوم تربیتی گذرانده بود، می‌توانست معلم مدرسه شود و تجربه‌های مدرسه را به دانشگاه بیاورد و به صورت یک چرخه، آموزه‌های دانشگاه را دوباره به مدرسه بازگرداند. در استرالیا هم این اتفاق می‌افتاد. اما در واقع، به جز آن دوره، مباحث تربیتی هیچ آموزش مستقیمی درباره راه‌حل‌های مسئله به ما نمی‌دادند. معلم‌ها مسائل را وسط می‌گذاشتند و پس از انتقال تجربه‌هایشان، یاد می‌گرفتند از چه طریقی بهتر به پاسخ برسند. من زمانی که به ایران بازگشتم، فارغ‌التحصیل جوانی بودم و با وجود عضو هیئت علمی شدنم در دانشگاه شیراز، امکان ورود به مدرسه را نداشتم. در سال ۴۸ ما در مدرسه ریاضیات جدید نخونده بودیم، ولی ریاضی خواندن را بلد بودیم. لذا کتاب سنگین حساب دیفرانسیل و انتگرال آپوستل را به راحتی می‌فهمیدیم، اما در سال ۵۷ بچه‌ها در مدرسه ریاضیات جدید می‌خواندند و دانش آموز حتی پس از ورود به دانشگاه، هنوز ریاضی را نمی‌فهمید، چرا که مثل ما ابتدا ریاضیات قدیم را یاد نگرفته بود. همین موضوع یک سؤال بزرگ برای من شد؛ زمانی که فهمیدم پاسخ این مسئله در آموزش و پرورش است، به اصفهان بازگشتم تا از طریق معلمان خودم ذره‌ذره به مدرسه نفوذ کنم. جالب اینکه در همان زمانی که هم‌دوره‌ای‌های من ارتقا می‌گرفتند تا در مقام‌های بالاتر دانشگاهی باشند، آن قدر به عقب برگشتم تا ریشه مسئله را در اول دبستان پیدا کردم. متوجه شدم باید آنجا کار کرد تا مشکلات آموزشی حل شود. زمانی که به اصفهان برگشتم، به دلیل تازه بودن کتاب‌های ریاضی جدید، معلم‌های اصفهانی در خانه هم یا در دبیرستان ادب و بهشت‌آیین جمع می‌شدند و به مشورت می‌نشستند تا روش‌های بهتری برای آموزش پیدا کنند. انجمن معلمان فعالیتی بود که خود معلمان انجامش می‌دادند و من فقط سازمان‌دهی‌اش کردم. با همکاری خودم و دوستان دانشگاهی‌ام، تلاش کردیم دیوار بین مدرسه و دانشگاه را بشکنیم. کسی در آن جلسات استاد نبود. کسی پشت میز نمی‌نشست تا بقیه گوش کنند. اگر ادعای هیئت علمی بودن می‌کردیم، کار پیش نمی‌رفت. اطلاعات ما به صورت انفرادی محدود است، اما ما سمج بودیم. قرار بود نسبت به هر چیزی که بلد هستیم - با مشورت - فقط یک قدم جلوتر برویم و هر بار یک نفر با یک مسئله جدید وارد می‌شد؛ خواه معلم، خواه استاد دانشگاه. روند کار ما پس از ۴۰ سال هنوز هم همین است. بدون اینکه مشخص باشد استاد، معلم و رئیس انجمن کیست؟

حتی خدا را تحلیل کنیم و بعد به وجودش ایمان بیاوریم. ریاضی فقط ۲ به اضافه ۲ نیست. ریاضی تحلیل مسئله، استفاده از داده‌ها و رسیدن به پاسخ است. من همیشه می‌گویم اگر معلم دبستان یک بار وقت بگذارد و با تمام ابزارها و به صورت مفهومی جمع را به دانش آموز یاد بدهد، لازم نیست یک بار ۲ به اضافه ۲ را یاد بدهد و یک بار ۲ به اضافه ۳ را.

خیلی‌ها گلایه می‌کنند از اینکه حجم کتاب‌های درسی زیاد است. حجم کتاب‌ها زیاد نیست. معلم، خانواده و دانش آموز یاد گرفته‌اند به جای آموزش مفاهیم، فقط مسائل متعدد حل کنند تا بچه‌ها راه حل‌ها را حفظ و بر سر نمره و شاگرد اول شدن رقابت کنند.

راه حل شما برای کم کردن ترس دانش آموزان از ریاضی چه بود؟

زمانی که با افت گرایش دانش آموزان به سمت رشته‌های ریاضی مواجه شدیم، شروع به مسئله‌یابی کردم. سنگاپور، چین، کره و فنلاند از طریق پیشرفت ذهن ریاضی‌شان توانسته‌اند موفق باشند و آموزش آمریکا موفق نیست، چرا که صنعتش به دست مهاجران اداره می‌شود. زمانی که ایده برگزاری مسابقات ریاضی را دادیم، کشور درگیر جنگ تحمیلی هشت ساله بود. شاید در آن زمان کسی اهمیت چندانی به برگزاری مسابقات ریاضی نمی‌داد، اما چند سال بعد، نیاز به همان مسابقات (که در سال ۶۲ برای اولین بار با مشکلات فراوان در اصفهان برگزار شده بود)، در سراسر کشور احساس شد و در نهایت ایران به المپیادهای بین‌المللی راه پیدا کرد. ریاضی سخت نیست، بلکه سخت درسش می‌دهند. اگر معلم زمان کافی داشته باشد تا زبان دانش آموز را کشف کند و مثال‌های کاربردی متناسب با ادبیات مخاطب را در اختیارش بگذارد، همه ریاضی را می‌فهمند. چند سال پیش به من پیشنهاد شد برای دانشجویان رشته محیط زیست کلاس آمار بگذارم. قبول نکردم و از دانشگاه یک سال وقت خواستم. اگر بی مقدمه سر کلاس‌هایشان می‌رفتم، آن‌ها به جای فهم کاربرد ریاضی، فرمول حفظ می‌کردند. تمام ریاضی به کشف همین ارتباطات میان مباحث وابسته است. تلاش ما این بود که دانش آموز بفهمد این مبحث به فلان مبحث سال گذشته، به جمع و تفریق دوران دبستان، به حد و به زندگی ربط دارد تا یاد بگیرد نباید مسائل را جدا از هم بررسی کند.

در این زمینه خاطره مشخصی هم دارید؟

یک بار پس از اجرای یک برنامه بازی و ریاضی در یک مدرسه، مثل والدین منتظر بچه‌ها شدم و از آن‌ها پرسیدم اون تو چی بهتون یاد دادن؟ یکی از بچه‌ها گفت: ما که نرفته بودیم درس بخونیم، رفته بودیم بازی کنیم! از نظر من، موفقیت همین است که دانش آموزی که همه دغدغه و زبانش بازی است، متوجه درس دادن ما نشود. یک بار هم چند سال قبل تر پزشکان تشخیص دادند سرطان دارم؛ اما تجزیه و تحلیل یکی از شاگردانم و اصرارش بر اینکه آزمایش تیروئید بدهم باعث شد چند روز پیش از شروع دوره‌های شیمی درمانی،



کلید اجرای برنامه درسی پژوهی در ایران

ذهن بی حصار و ساختار بی دیوار

دکترای علوم تربیتی و پژوهشگر حوزه یادگیری حرفه‌ای معلمان
 تصویرگر: میثم موسوی
 حسن نادعلی پور



ارتقای نظام آموزشی تقاضای همیشگی معلمان و جامعه امروز ایران است. «درس پژوهی» یکی از نوآوری‌های آموزشی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با موفقیت آزمایش شده و به شرط کاربرد متناسب، می‌تواند به بهبود و ارتقای نظام آموزشی ما نیز کمک کند. از اصول اجرای درس پژوهی می‌توان تمرکز بر نیاز یادگیرندگان (معلمان) و مشارکتی بودن به همراه اتخاذ رویکرد فرایندی و تمرکز بر اصلاح و بهبود یادگیری معلمان در محیط مدرسه را نام برد. با توجه به کم یا بی‌اثر بودن دوره‌های ضمن خدمت و کیفیت پایین برگزاری آن‌ها، و همچنین، منطبق نبودن هدف‌های آموزشی آن‌ها با نیازهای معلمان، این سؤال مهم مطرح می‌شود که: «اگر معلمان در مدرسه معلمی را یاد نگیرند، آن را کجا یاد خواهند گرفت؟»

آن در سطح مدرسه‌های کشور برسیم. می‌کوشیم با نوشتاری توصیفی و غیرقضاوتی، عوامل پشتیبانی‌کننده و جلوبرنده و عوامل محدودکننده و عقب‌برنده فرایند درس پژوهی را مطرح سازیم.

این موضوع تأییدشده است که قدرتمندترین رویکرد یادگیری معلمان رویکرد «مدرسه‌محوری» است؛ یعنی طراحی برنامه یادگیری معلمان مبتنی بر نیاز آن‌ها و به‌صورت مشارکتی در مدرسه. مدرسه‌ای در این زمینه موفق قلمداد می‌شود که بتواند با اجماعی همگانی، از کلیه ذی‌نفعان مدرسه (کارکنان، معلمان، دانش‌آموزان، والدین و جامعه محلی) در اجرای بهتر برنامه کمک بگیرد. چالش‌هایی بر سر راه یادگیری معلمان در مدرسه و از طریق درس پژوهی وجود دارد که از جمله آن‌ها

«ضرورت دیگر کاربرد درس پژوهی، استفاده از داده‌های واقعی جمع‌آوری‌شده از فعالیت‌های تدریس معلمان، به‌منظور ارائه یک سلسله بازخوردهای مؤثر برای بهبود و ارتقای مهارت‌های تدریس است. اجرای این برنامه شامل مراحل انعطاف‌پذیری به این شرح است:

۱. تعیین هدف‌های درس پژوهی؛
 ۲. برنامه‌ریزی درس پژوهی؛
 ۳. آموزش، مشاهده و جمع‌آوری داده‌های درس پژوهی؛
 ۴. ارزیابی، بازخورد و آموزش مجدد؛
 ۵. بازتاب و به اشتراک‌گذاری نتایج.
- اما در این نوشته کوتاه به دنبال آنیم که از گفتن و شنیدن از درس پژوهی عبور کنیم و به مرحله کاربرد آن و عمل به

همراهی نکردن همه ذی‌نفعان در اجرا و پیاده‌سازی درس پژوهی است. اینکه چرا با همه اهمیت انجام فرایند درس پژوهی به صورت تیمی و مشارکتی و پرداختن‌های پرسروصدا تاکنون نتوانسته‌ایم در سطح مدرسه‌های کشور این مهارت را همگانی و فراگیر کنیم، شاید در نگاه اول به شناخت ناکافی ما از عوامل جلوبرنده و محرک، و عوامل عقب برنده بین سیاست‌گذاران، مدیران و معلمان در نظام آموزشی ما مربوط باشد.

اولین عاملی که از مطرح شدن فکر یادگیری معلمان از طریق درس پژوهی جلوگیری کرده و به آن آسیب رسانده است، **ساختار سازمانی نظام آموزشی** ما در سطح مدرسه‌هاست. مشاهده شده است که ترکیب دیوان‌سالاری سفت و سخت و کاملاً پذیرفته‌شده مدرسه، با فرهنگ سلسله‌مراتب قدرت، چارچوبی را پدید آورده است که با رفتارهای مرتبط با نقش‌ها و هنجارهای تازه، مانند درس پژوهی، سازگاری ندارد. همچنین به دلیل شناخت محدود مدیران و مربیان از نوآوری‌های آموزشی و گرایش آن‌ها به انجام عادات قدیمی در سطح مدرسه، درس پژوهی به خوبی مورد تبلیغ و تشویق علمی و عملی قرار نگرفته است.

دومین حوزه مقاوم در برابر یادگیری معلمان از طریق درس پژوهی، **فرهنگ حرفه‌ای و سازمانی** است. متأسفانه شواهد فراوانی وجود دارند که نشان می‌دهند، درون فرهنگ‌های مدرسه‌های ایرانی رفتارها و گفتارهایی علیه یادگیری معلمان وجود دارد. به گونه‌ای که در اکثر موارد مشاهده شده، یادگیری، توبیخ و نایادگیری، رخوت و روزمرگی تشویق شده است. معمولاً اکثر معلمان از معلمانی که تفکر یادگیری دارند، گریزان‌اند. حتی به دنبال تضعیف تلاش‌های آنان هستند و می‌کوشند به روش‌های متفاوت صداهای آن‌ها را خاموش کنند.

اولین سازوکار حمایت‌کننده از فرایند درس پژوهی، تبیین ارزش‌ها و هدف‌های آن، از جمله ارج‌گذاری به تلاش‌های گروهی در این زمینه، با تربیت و به کارگیری مدیرانی است که به این مهم می‌پردازند و به اجتماعات حرفه‌ای اهمیت بیشتری می‌دهند. تصمیم‌گیری‌های کلان، از تدوین خط‌مشی‌ها و راهبرد در سطح مدیران عالی گرفته تا دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه در سطح مدیران میانی و اقدامات عملی و بیانیه‌های چشم‌انداز و مأموریت مدرسه‌ای به صورت رسمی در سطح مدرسه‌ها، باید از فرایند درس پژوهی حمایت کنند.

نیروی محرک و پشتیبانی دوم مربوط به ساختارسازی‌هایی است که معلمان را قادر می‌کنند در مورد وظایف و تکالیف حرفه‌ای خویش به تجربه بپردازند، درباره آنچه انجام می‌دهند از هم یاد بگیرند، و از نو به تنظیم منابع پشتیبان یادگیری دانش‌آموزان خود بپردازند. همچنین ساختارها باید از دفاع صرف از مدیران، به سمت دبیران و به نفع یادگیری دانش‌آموزان سوق پیدا کنند. باید تلاش شود جر و بحث‌های آگاهانه در مدرسه و سطح نزاع علمی بین معلمان گسترش یابد. این ساختار از افراد کلیدی و یادگیرنده در بین کارکنان و معلمان حمایت می‌کند.

نیروی محرک سوم تأمین منابع اعم از منابع یادگیری، مادی و انسانی، و زمان است. پشتیبانی از فرصت‌های یادگیری

اگرچه شواهد مربوط به تأثیر درس پژوهی بر یادگیری معلمان ایرانی اندک و ناچیز است، اما در مورد شرایطی که به فرایند یادگیری معلمان ایرانی در مدرسه از طریق اجرای درس پژوهی آسیب می‌رساند و یا از آن پشتیبانی می‌کند، مطالب زیادی بررسی و مشاهده شده‌اند. نویسنده این سطور، در فرایند درس پژوهی و از بررسی اسناد مربوط به آن، به دو گروه عوامل کاهنده و توسعه‌دهنده فرایند درس پژوهی رسیده است.

سومین عامل مقاوم، هنجارها و باورهای معلمان در مورد تدریس و یادگیری است. باور دارند که با هر دانش ورودی و توانایی اولیه، قابلیت ادامه مسیر حرفه‌ای خویش را دارند و نیازی نیست دانش خود را روزآمد کنند. نگرش دنباله‌روی و مجری‌گری بر آن‌ها غالب شده است که مانع اجرای درست درس پژوهی در جهت یادگیری معلمان می‌شود.

حوزه چهارم مقاوم در برابر یادگیری معلمان از طریق درس پژوهی، **خاموشی و سکوتی** است که بعضی از معلمان به صورت اختیاری انتخاب کرده‌اند که نمی‌خواهند حصار ذهن و خطوط قرمز و اسطوره‌هایشان در مورد حرفه و یادگیری دانش‌آموزانشان شکسته شود و فرهنگ مداخله نکردن و عاری از قضاوت را بیشتر می‌پسندند.

کژفهمی‌ها و بدفهمی‌ها، فقدان زمان، روابط ناخوشایند معلمان و مدیران، و نداشتن بودجه برای پرداخت هزینه‌های موردنیاز، از جمله عوامل مقاوم دیگر در بهره‌گیری اثربخش از رویکرد درس پژوهی در یادگیری معلمان در مدرسه‌های ایران محسوب می‌شوند. اما در کنار موانع و نیروهای مقاوم، ساختارهای حمایتی و پشتیبانی‌هایی هم برای یادگیری معلمان از طریق درس پژوهی وجود دارند.

مدرسه‌ای، با آموزش نقش‌های جدید به افراد درگیر در فرایند موردنظر در مدرسه شروع می‌شود. برنامه‌های تربیت‌معلم در این زمینه باید مروج فرایندهای مسئله‌یابی، کار تیمی، برنامه‌ریزی‌های منظم برای انجام رویه‌ها و... باشند. در مورد زمان باید گفت، لازم است برای معلمان زمان گفت‌وگو، زمان تجربه و تأمل، زمان خلق کردن، و زمانی برای تعریف مجموعه ارزش‌ها و باورها با یکدیگر فراهم شود.

نیروی چهارم نیروی مشوق‌ها و تأییدهاست. شرایطی باید فراهم آید تا معلمان درس پژوه و یادگیرنده در سطح مدرسه‌ها و مناطق خود موردپذیرش و تأیید همکاران قرار گیرند. مدیران باید راه‌هایی ابتکاری و زمینه‌محور برای تقدیر و سپاس‌گزاری از معلمان یادگیرنده خود بیابند و آن‌ها را به طور عملی اجرا کنند. دسترسی آسان به اطلاعات و منابع رشد و توسعه شخصی برای معلمان می‌تواند از جمله این مشوق‌ها باشد. نیازهای پولی و غیرپولی معلمان در این زمینه باید برآورده شود. همچنین به نظر می‌رسد، یکی از مهم‌ترین پاداش‌ها برای معلمان در این زمینه، دادن مسئولیت‌های بیشتر به آن‌ها متناسب با توانایی‌ها و علاقه‌هایشان، و همچنین ایجاد تفاوت‌هایی در این زمینه با هم‌رسته‌هایشان در انجام و یا انجام ندادن فعالیت‌های پژوهشی در سطح مدرسه و منطقه باشد.



الگوی ظریف

در رشد حرفه‌ای معلمان

سعیده باقری

اشاره

دکتر هادی ظریف، رئیس دبیرخانه کشوری توسعه فرهنگ درس پژوهی در مدرسه‌ها و رئیس اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی دوره دوم متوسطه استان خراسان رضوی، تلاش در راستای رشد حرفه‌ای معلمان را مهم‌ترین رسالت خود می‌داند. ایشان در گفت‌وگویی صمیمانه، از مسیر حرفه‌ای خود و دغدغه‌هایشان درباره درس پژوهی گفتند.

■ به نظر می‌رسد جشنواره «نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری» به‌طور غیرمستقیم در ترویج فرهنگ درس پژوهی موفق باشد؟

دکتر سرکارآرانی، به‌عنوان یکی از استادان سرآمد این حوزه، تأکید زیادی دارند که درس پژوهی جشنواره‌ای نشود. وقتی جشنواره رقابتی می‌شود، حس رقابت بر همه چیز تأثیر می‌گذارد. در عین اینکه جشنواره نوآوری در فرایند آموزش و یادگیری، ویرینی برای دیده شدن کسانی است که کار می‌کنند، اما هدف نیست. روح درس پژوهی در این جشنواره هست، چون کار مشارکتی است. وقتی سه معلم در کنار هم کار می‌کنند، خود به خود درس پژوهی رخ می‌دهد. ارزشمندترین دستاورد جشنواره، نقد تخصصی در فضای صمیمانه مبتنی بر گفت‌وگوست. درس پژوهی یک فرهنگ است که باید سعی کنیم در ترویج آن بکوشیم.

■ برداشت خود من این است که شما با معاونت متوسطه هم‌زمان و هم‌دل شده‌اید و همین عامل موفقیت شماست. چطور این هم‌زمانی رخ داده است؟

■ دبیرخانه درس پژوهی از نظر اداری چه کارکرد و وظایفی دارد و در آن چه اتفاقی می‌افتد؟

یکی از وظایف متعدد اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی متوسطه استان، مدیریت دبیرخانه‌هایی است که دفاترهای آموزشی وزارت آن‌ها را راه‌اندازی کرده‌اند. دبیرخانه درس پژوهی هم یکی از این دبیرخانه‌های کشوری است. در گروه‌های آموزشی دبیرخانه، مهم‌ترین وظیفه ما پرداختن به موضوع «رشد حرفه‌ای معلمان» است. در حال حاضر، در حوزه اجرایی تعریف روشن و دقیقی از رشد حرفه‌ای معلمان وجود ندارد. آنچه انجام می‌شود، فعالیت‌های پراکنده‌ای است که با عنوان برنامه‌های توانمندسازی حرفه‌ای مطرح شده است. اگر از مدیر مدرسه سؤال کنید از بین فعالیت‌های فراوانی که در مدرسه انجام می‌گیرد، رشد معلم کجا قرار دارد، یا به شما پاسخی نخواهد داد یا از چند دوره ضمن خدمت نام می‌برد که برای معلمان برگزار کرده است. جالب است که دوره آموزشی ضمن خدمت، به شکلی که معمولاً برگزار می‌شود، در چارچوب برنامه رشد حرفه‌ای معلمان قرار نمی‌گیرد. یکی از برنامه‌های رشد حرفه‌ای معلم درس پژوهی است که چند سال به‌طور جدی، به‌ویژه از سوی دفتر آموزش دوره اول متوسطه، پیگیری می‌شود.

من قبل از اینکه بدانم درس پژوهی چیست، آن را تجربه کرده بودم. اولین سال‌های خدمتم در شهرستان نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان معلم فیزیک بودم. سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ در شروع تدریس، ناخودآگاه در این چرخه افتادم. معلم علاقه‌مندی بودم و دوست داشتم در کار خودم موفق باشم. همان شروع کار، احساس کردم دستم خالی است. تقریباً تنها چیزی که از معلمی می‌دانستم، همان بود که ناخودآگاه از معلمان خودم در دوره تحصیل آموخته بودم. یک فصل را درس دادم و بعد ارزشیابی کردم. دانش‌آموزان چیزی یاد نگرفته بودند. ناراحت بودم که انرژی و وقتی که در کلاس گذاشته‌ام، نتیجه‌ای نداده است! به دفتر مدرسه برگشتم و به همکارم، خیلی دوستانه گفتم: بچه‌ها چیزی یاد نگرفته‌اند. نمی‌دانم چه کار کنم! پاسخ او جالب و تکان‌دهنده بود: «تو مشکلی نداری. درست را داده‌ای. این بچه‌ها درس نمی‌خوانند. خانواده‌هایشان کلی گرفتاری دارند، مدرسه امکانات ندارد و ...»

من از این گفت‌وگو دو چیز دریافتم: اول اینکه این مشکل فقط مشکل من نیست و دیگر آنکه همه نگاهشان این است که ما بی‌تقصیریم و کاری نمی‌توان کرد.

برگشتم مشهد و برای کمک گرفتن، یکی از معلمان قدیمی فیزیک خودم را پیدا کردم. کمی گفت‌وگو کردیم. او پرسید در کلاس چه می‌کنی؟ توضیح دادم و او گفت اولین چیزی که به نظر می‌رسد، این است که نباید بعد از یک ماه امتحان می‌گرفتی. اگر ارزشیابی مستمر داشتی، همان جلسه دوم می‌فهمیدی دانش‌آموزان درس را نفهمیده‌اند. بعد هم به من توصیه کردند، از کلاس فیلم بگیرم و برای او بیاورم. برگشتم به بلوچستان. دو ماه حقوق را دادم و یک دوربین خریدم. در شروع مشکلاتی داشتیم، تا هم من و هم بچه‌ها به حضور دوربین در کلاس عادت کردیم. وقتی بالاخره فیلم گرفتم و فیلم‌ها را دیدم، متوجه شدم بچه‌ها حق دارند چیزی یاد نگیرند؟! من موضوعی را تدریس می‌کردم و وقتی بچه‌ها می‌گفتند نفهمیده‌اند، باز آن را به همان شکل تکرار می‌کردم و همان اتفاق تکرار می‌شد! به سرعت فهمیدم که تکیه کلام‌ها یا حرکت‌های من چه تأثیری در کارم دارد. زیاد راه می‌رفتم یا کم راه می‌رفتم. از عکس‌العمل‌های بچه‌ها در فیلم متوجه می‌شدم اشکال کارم کجاست. من خیلی از اشکالات کارم را با دیدن فیلم‌های کلاس خودم حل کردم. اوایل خیلی سخت بود. شاید این تجربه را داشته باشید که صدای خودتان را بشنوید. می‌بینید با انتظاری که داشته‌اید، خیلی متفاوت است. اولین بارهای روبه‌رو شدن با خود، خیلی سخت است.

به مشهد برگشتم. چند تا از آن فیلم‌ها را آوردم و با معلم سابقم دیدیم.

سال دوم هم در همان شهر درس دادم، اما یک سوم سال قبل انرژی صرف کردم و سه برابر سال قبل نتیجه گرفتم. الان هم که مسئولیت اداره تکنولوژی و گروه‌های آموزشی را دارم، با همکاران از همین دریچه گفت‌وگو می‌کنم. از آن‌ها می‌خواهم یک بار تجربه کنند و اگر سودی نداشت بگویند خوب نبود و نتیجه نگرفتیم. گاهی هم این‌طور بوده است. بعضی از

همکاران گفته‌اند کار بی‌فایده‌ای است. وقتی با آن‌ها گفت‌وگو کرده‌ام، دیده‌ام که اصلاً نقطه شروع درس پژوهی، یعنی «مسئله» وجود نداشته است. فقط چون از آن‌ها خواسته‌اند درس پژوهی انجام دهید، انجام داده‌اند. ما باید خیلی هنرمندانه به موضوع نگاه کنیم. پایه پژوهش مسئله است. اگر معلمی مسئله نداشته باشد، برای او درس پژوهی معنایی ندارد. اگر مسئله داشته باشد و با درس پژوهی حل نشده باشد، پس درس پژوهی تمام نشده است. گاهی هم خیلی خوب نتیجه می‌گیرند. در یک مورد، با انجام یک تغییر، رویکرد در آموزش در درس تاریخ، میانگین نمره دانش‌آموزان چند مدرسه شش نمره رشد کرد. البته همیشه نباید چنین توقعی داشت.

باید توجه داشته باشیم که درس پژوهی تنها قالب رشد حرفه‌ای معلمان نیست، بلکه یکی از روش‌های ممکن است. حداقل سیزده روش مؤثر برای رشد حرفه‌ای معلم در چارچوب مدرسه می‌توان نام برد: نظارت همتا، نظارت بالینی، تدریس مشترک، تدریس موازی، کتاب‌پژوهی و اقدام‌پژوهی که هر کدام جای گفت‌وگوی فراوان دارد. درس پژوهی قله این روش‌هاست و شروع از قله کار دشواری است. همه این روش‌ها بر تعامل بین معلمان و محوریت کلاس درس و مدرسه در رشد حرفه‌ای معلم تأکید دارند.

■ مجلات رشد هم به رشد حرفه‌ای معلمان کمک می‌کنند؟

مجلات رشد مبنای رشد حرفه‌ای معلم هستند و تجربه‌های خوبی در آن‌هاست که به معلمان کمک می‌کند. خود من دست‌کم این سه عنوان را که الان هم روی میز هست، می‌خوانم. رشد معلم، رشد تکنولوژی آموزشی و مدرسه فردا را در حد امکان خودم ورق می‌زنم.

■ بله اما متأسفانه خیلی کم ترویج می‌شود.

مشکل درس پژوهی اینجا هم هست. اگر نیاز نباشد، معلم مراجعه نمی‌کند. تمام تلاش ما این است که در معلمان این بینش را ایجاد کنیم که رشد حرفه‌ای یک نیاز است. اگر این نیاز را ایجاد کنیم، خود معلم به دنبال روش‌ها و منابع می‌رود. در فرم‌های ارتقای شغلی و ارزشیابی‌های معلمان به هنر معلمی توجهی نمی‌شود.

من به واسطه شغلم، شاید بیش از هر مسئول اداری دیگری به مدرسه‌ها سر می‌زنم. در مدرسه‌های روستایی، دیدم قفسه وسایل کمک آموزشی هست و مدرسه امکانات خوبی دارد. با دانش‌آموزان صحبت کردم؛ دیدم حتی یک بار هم از این وسایل استفاده نکرده‌اند. از معلم علوم پرسیدم چرا از امکانات موجود استفاده نمی‌کنید، پاسخ همکارم برای من آموزنده بود:

«کسی این را از من نمی‌خواهد. فقط از من می‌خواهند میانگین نمره کلاس را افزایش دهیم. افزایش نمره روش‌های خیلی آسان‌تری دارد!»

آنچه در فرم‌های ارزشیابی از من خواسته‌اند، کمترین تأثیر را در بهبود کلاس درس‌م داشته است. به جای این کلیشه‌های تکراری، باید نردبانی برای رشد حرفه‌ای معلمان طراحی شود که فن معلمی در آن پله‌پله ارتقا پیدا کند.



دستاوردهای درس پژوهی

بهارک طالبلو

با توجه به اهمیت درس پژوهی در مدرسه، برخی از معلمان و مدیران بر این باورند که در انجام کار تیمی و مشارکتی با چالش‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع، مجله رشد معلم کوشیده است نظر معلمان سراسر کشور را در این باره جمع کند.

سؤال: در درس پژوهی ...

۱. چه تجربه‌هایی کسب کرده‌اید؟
۲. با چه چالش‌هایی روبه‌رو شده‌اید؟

سؤال ۱. اگر تجربه درس پژوهی دارید، چه تجربه‌هایی کسب کرده‌اید؟

■ کبری حسن‌زاده، مدیر دبیرستان حضرت فاطمه (س)، منطقه ۱۸، شهر تهران

✓ تقویت روحیه هم‌اندیشی و استفاده از خرد جمعی؛
✓ برطرف شدن برخی از اشکالات حین تدریس؛
✓ برخورد با روش‌های متنوع تدریس؛
✓ برطرف شدن اشکالات نوشتن طرح درس؛
✓ شناسایی درس‌هایی که دانش‌آموزان در یادگیری آن‌ها با مشکل مواجه‌اند؛
✓ افزایش ارتباط کلامی از طریق شنیدن ایده‌های مختلف همکاران؛
✓ آشنایی بیشتر با وسایل کمک‌آموزشی به‌منظور بهبود کیفیت تدریس.

■ سمیه سادات میرمعینی، دبیر ریاضی منطقه ۱۵، شهر تهران

درس پژوهی روحیه کارگروهی و مطالعه و پژوهش را بین معلمان رواج می‌دهد. البته حرکت آن بسیار آهسته است و مشکلاتی مثل نبود فرهنگ گفت‌وگو تخصصی بین معلمان این حرکت را کندتر می‌کند. ولی در مجموع برای رشد حرفه‌ای معلمان فرایندی مفید است.

■ نرگس صفامنش، شهر مشهد، خراسان رضوی

✓ افراد مختلف با مهارت‌های خاص می‌توانند در یک تیم کامل‌کننده یکدیگر باشند؛
✓ در چند تجربه شخصی در فعالیت تیمی درس پژوهی به عینه دیدم که چقدر کارها با دقت و کیفیت بالاتر ارائه می‌شود.
✓ افراد در تیم انتقادپذیرند و از نظرات دیگران با روی باز استقبال می‌کنند؛
✓ اعضای تیم تلاش مؤثری در راستای تحقق اهداف دارند؛
✓ نظم، دقت و برنامه‌ریزی به خوبی در جریان کار هویداست.

■ علی هدایتی، معاون آموزش متوسطه، شهرستان ایلام

تجربه اینجانب از کار جمعی و تیمی این است که چشم‌انداز و هدف با هم‌فکری دیگران ترسیم می‌شود و ضمن ارتقای نقاط قوت کار، کمترین نقطه‌ضعف متوجه ما خواهد بود. برای مثال، خودم در تدریسم از همکارانم نکات جدیدی یاد گرفته و در حین کار اعمال کرده‌ام که کار کلاس را برایم مفیدتر کرده است.

■ اسماعیل برومند، استان اردبیل، مدرسه آموزگار

مهم‌ترین مزیت کار تیمی این است که هم‌فکری و یادگیری را برای خود معلمان در جریان یاددهی - یادگیری در پی دارد. به‌طور کلی، جوی متفاوت و صمیمی‌تر در فضای آموزشی ایجاد می‌کند.

■ پروین حمادی، معاون آموزشی دبیرستان اتحاد، شهرستان بوشهر

در جایگاه عضو و ناظر تیم، به ضعف‌ها و قوت‌های خودم در تدریس بیشتر پی برده‌ام و از تجربه‌های همکارانم در کلاس درس بهره گرفته‌ام. در جایگاه مدرس، خود را ملزم به مطالعه و کسب اطلاعات آموزشی و روان‌شناسانه در خصوص شیوه تدریس، نحوه برخورد و چگونگی برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دانسته و آمادگی بیشتری برای تدریس کسب کرده‌ام.

■ خانم دکتر لیلی ولیان، مدیر دبیرستان دخترانه شهید بهشتی، شهر ایلام، استان ایلام

✓ تعامل سازنده با همکاران هم‌رده یا هم‌رشته،
✓ رفع مشکلات خوانشی، نوشتاری و تلفظی؛
✓ آگاهی یافتن از توانایی یا ضعف خود، یا توانایی و ضعف همکار و تلاش برای رفع ضعف‌ها و تبدیل آن‌ها به نقطه قوت؛
✓ پیدا کردن تجربه و خود را در آینه قضاوت دیگران دیدن و رفع نواقص.

■ شهريانو حيدري، شهرستان دشتي، استان بوشهر

- ✓ تبادل اطلاعات بين همكاران؛
- ✓ رفع نواقص تدريسي؛
- ✓ ايجاد خلاقيت در ميان همكاران؛
- ✓ ايجاد شور و نشاط بين دانش آموزان.

■ صياد گلشن، دبیر دبیرستان نمونه دولتی شهید مدرس، شهرستان خوی، استان آذربایجان غربی

تبادل نظر و مبادله اطلاعات ميان همكاران، به منظور بهره گيري از تجربه ها و روش تدريسي يکديگر در زنگ هاي تفريح و استراحت، به خصوص ميان همكاران گروه هاي درسي هر مدرسه، قدمت زيادي در ايران داشته و دارد. مي توان با ايجاد اين روحيه در همكاران و آشنا سازي آن ها با اهداف درس پژوهي، به ايجاد و نهادي شدن آن در عمل کمک کرد.

■ فرزانه مغانی، مدرسه شهید عبدالله صفا، شهرستان کنگان، استان بوشهر

- ✓ تبادل تجربه بين معلمان؛
- ✓ افزايش اطلاعات، دانش و مهارت هاي شغلي؛
- ✓ شناسايي نواقص قبلي و سعي در رفع نواقص و توسعه توانمندی هاي خود.

■ فريده صادقي نژاد، ليسانس اقتصاد، دبیر منطقه شاهين شهر

- ✓ تجربه همکاري و همدلي؛
- ✓ دانش افزايي و تبادل تجربه؛
- ✓ برنامه ريزي، تعهد و مسئوليت پذيري؛
- ✓ آشنائي با اصول و مفاهيم جديد و روش ها و فنون تدريسي فعال.

■ مژگان افشون، مدير مدرسه شهيد ايرج فيضي، ناحیه ۳ استان کرمانشاه

- ✓ لذت بخش بودن کلاس براي دانش آموزاني که به صورت دسته جمعي و گروهی تشکيل مي گردد؛
- ✓ داشتن آزادي در اظهار نظر؛
- ✓ داشتن احساس آرامش از اين بابت که هر مشکلي را مي توان با هم فکري حل کرد؛
- ✓ دانش آموزان مي توانند نظرات و برداشت هاي دروني خود را بروز دهند؛
- ✓ دانش آموزان به نظرات يکديگر گوش مي کنند و در يادگيري به همدیگر کمک مي کنند؛
- ✓ اظهار نظر دانش آموزان از روي مسامحه نيست، بلکه احساس دروني آن هاست که با صلابت و اعتماد به نفس آن را بيان مي کنند؛
- ✓ شور و شوق واقعي در چهره دانش آموزان (به خاطر پيگيري يک موضوع تا رسيدن به نتيجه) قابل مشاهده است؛
- ✓ عينيّت يافتن مفهوم زيباي ذهني دانش آموز محوري در کلاس هاي درس پژوهي؛

- ✓ تغيير جاگاه معلمان از معلم درس پژوه به محقق درس پژوهي؛
- ✓ تبديل نقش معلم به برنامه ريز و فراهم کننده و تجزيه و تحليل کننده تغييرات ايجاد شده در فرايند کلاس درس پژوه از نگاه شخص سوم؛
- ✓ هدف دار شدن کلاس و مدرسه؛
- ✓ فراهم شدن مفهوم تلفيق نظر و عمل براي دانش آموز و معلم؛
- ✓ فراهم شدن بستر مديريت تأمل گرايانه به جاي مديريت روزمره گرايانه؛
- ✓ نزديک شدن معلمان به يکديگر و خلق تجربه هاي جديد با بررسي جوانب تجربه هاي کلاس درس پژوهي با ثبت و ضبط مکالمات کلاس.

■ عصمت سفید کردار، دبیر علوم تجربی دبیرستان فرزنانگان شهرستان کنگان، استان بوشهر

يافتن نقاط ضعف همدیگر و رفع آن ها به صورت هم فکري و مشورت با ساير اعضاي تيم و پرننگ تر کردن نقاط قوت کار يکديگر.

سؤال ۲. اگر تجربه درس پژوهی دارید، با چه چالش هایی روبه رو شده اید؟

■ علی هدایتی، معاون آموزش متوسطه، شهرستان ایلام

از مهم ترين چالش هاي کار تيمي در تدريسي کلاسي، توهم وجود ايراد در کار معلم و ورود ديگران در اين خصوص به کلاس درس است. در مجموع، تا زماني که کاملاً عادي نشود، اعتبار معلم کلاس را در نظر عده اي از دانش آموزان خدشه دار مي کند. ضمن آنکه فضاي فيزيکي و مبلمان کلاس هاي مابري کار تيمي هنوز نامناسب است. در ضمن، روحيات عده اي از همکاران سمت وسوي و اگراندارد، بلکه فرد گرا، انزوا طلب و ريسک ناپذيرند.

■ اسماعيل برومند، استان اردبيل، مدرسه آموزگار

- ✓ مقاومت همکاران و مسئولان مدرسه؛
- ✓ بيهوده انگاشته شدن کار تيمي توسط برخي همکاران؛
- ✓ نبود بستر مناسب و فرهنگ انجام کار گروهی؛
- ✓ کم ارزش بودن کار هاي تيمي در نظر مسئولان آموزش و پرورش.

■ پروين حمادی، معاون آموزشی دبیرستان اتحاد شهرستان بوشهر

- ✓ ناهماهنگي با برنامه درسي؛
- ✓ نمائيش و تصنعی بودن کار از دید برخي همکاران و دانش آموزان؛
- ✓ همکاري نکردن برخي مديران با اجراي دقيق و منظم جلسات درس پژوهي.

■ خانم دکتر لیلی ولیان، مدیر دبیرستان دخترانه شهید بهشتی، شهر ایلام، استان ایلام

بزرگ ترين چالش کار اين است که همکاران با هم رقابت دارند و نگراني دروني آن ها بر ملا شدن روش تدريسي يا شايد ناتواني شان در تدريسي است. چالش ديگر، جا نيفتادن اين روش در بين همکاران است. البته به مرور زمان اين مشکل هم رفع مي شود. ولي طبق برنامه اي که ما در مدرسه داشتيم، بعد از انجام کار، همه به فايد هاي آن پي بردند.

■ خانم کبری حسن‌زاده، مدیر دبیرستان حضرت فاطمه(س)،

منطقه ۱۸ شهر تهران

✓ عده‌ای از همکاران به تدریس در جمع تمایل نداشتند؛
✓ برای تشکیل جلسات نقد و ارزیابی بعد از تدریس کمبود وقت داشتیم؛
✓ زمان زیادی از کلاس صرف آماده شدن برای فیلم‌برداری می‌شد؛
✓ تعطیلات پیش‌بینی نشده مدرسه برنامه هماهنگ شده تدریس‌ها را مختل می‌کرد؛
✓ حضور تعدادی از همکاران در یک کلاس، بقیه کلاس‌ها را خالی از معلم می‌کرد و باعث عقب افتادن درس آن‌ها می‌شد.

■ خانم سمیه سادات میرمعینی، دبیر ریاضی منطقه ۱۵، شهر تهران

✓ چالش مهم مدیران و معاونان آموزشی و معلمان نداشتن زمان کافی برای انجام این فعالیت در مدرسه است؛
✓ ارتقای نامناسب شغلی و حرفه‌ای با انجام فعالیت‌های پژوهشی در سیستم آموزشی و حرفه‌ای معلمان و مدیران مدارس نیز چالشی است؛
✓ در ایران فرصتی برای کاربست روش‌های پرورش حرفه‌ای معلمان وجود ندارد؛
✓ مدیران مدرسه‌ها بیشتر نگران آن جنبه از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستند که به‌صورت کمی سنجیده می‌شود؛
✓ مدیران مدرسه نگران آن‌اند که درس پژوهی بر انضباط مدرسه، کلاس درس و رفتار معلم تأثیر منفی داشته باشد. چون با خالی شدن کلاس و رفتن معلم به کلاس همکار خود، در عمل یک کلاس بدون معلم خواهد ماند؛
✓ مدیران مدرسه‌ها درس پژوهی را روشی برای ارزیابی معلمان می‌دانند؛
✓ پژوهشگران آموزشی در دانشگاه‌های ایران به روش‌های پژوهشی کمی بیشتر از روش‌های کیفی علاقه دارند.

■ نرگس صفامنش، مشهد، خراسان رضوی

✓ تازه بودن موضوع کار درس پژوهی؛
✓ نبود اعضای خبره و فعال؛
✓ چگونگی کنار آمدن و هماهنگ شدن با اخلاق و رفتار اجتماعی و فرهنگی هر یک از اعضا؛
✓ هم‌ارزش شدن با دیگر اعضا، بدین صورت که اولویت ارزشی همه در طول زمان تعیین شده، کار تیمی باشد، نه به‌عنوان مثال تفریح یا دوره‌های دوستانه یا استراحت.

■ عصمت سفیدکردار، دبیر علوم تجربی دبیرستان فرزنانگان

شهرستان کنگان، استان بوشهر

نبود دسترسی به یک استاد یا مشاور در حین انجام کار و وجود یک رشته دستورالعمل‌های خاص که به ناچار کار تیمی را دچار سردرگمی‌هایی می‌سازد.

■ فرزانه مغدانی، مدرسه شهید عبدالله صفا، شهرستان کنگان،

استان بوشهر

✓ نبود امکانات مستقل و کافی؛
✓ نبود سیستم هوشمند در تمامی مدرسه‌ها برای به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس؛
✓ بی‌توجهی برخی مدیران نسبت به توسعه کارهای گروهی و مشارکتی معلمان با همدیگر، به بهانه اتلاف وقت کلاس؛
✓ شلوغی کلاس‌ها و تعداد زیاد شاگردان؛
✓ وقت‌گیر بودن طرح جدید و عادت نداشتن شاگردان به فعالیت‌های گروهی و مشارکتی؛
✓ ارزش قائل نشدن برخی مدیران برای کارهای گروهی و درس پژوهی در مدرسه؛
✓ بی‌اطلاعی و ناآگاهی اکثر دبیران از روش‌های نوین تدریس و نحوه انجام مراحل کار تیمی و درس پژوهی؛
✓ تمایل و انگیزه نداشتن دبیران به همکاری و شرکت در کارهای تیمی و درس پژوهی، به علت کمبود وقت و عادت نداشتن؛
✓ دسترسی نداشتن دبیران به منابع اطلاعاتی معتبر برای اجرای طرح جدید و کارهای تیمی و درس پژوهی.

■ سرکار خانم مژگان افشون، مدیر مدرسه شهید ایرج فیضی،

ناحیه ۳ استان کرمانشاه

از جمله چالش‌های مهم این است که متأسفانه شالوده درس پژوهی با نظام آموزشی و کتاب‌های درسی ما هماهنگی ندارد. لذا پیاده کردن مکالمات درسی و تجزیه و تحلیل و سایر اقدامات آن مستلزم صرف وقت و انرژی زیادی است. این موضوع با ساختار مدرسه‌ها و برنامه‌های درسی ما هماهنگ نیست. هنوز وفاداری واقعی به محتوا و مطالب کتاب‌های درسی و خارج نشدن از حیطه هدف‌های آموزشی تعیین‌شده برای معلمان ما به وضوح تعریف نشده و لازم است با تسهیلگری و پایشی خردمندانه، در راستای اجرای درست درس پژوهی مورد توجه قرار گیرد.

■ بیژن خانعلی‌زاده، آموزگار درس تربیت‌بدنی، شهرستان

مرودشت

✓ درس پژوهی برای ایجاد گروه‌ها و بهره‌گرفتن از تجربه‌های همدیگر است و هر تجربه‌ای که کسب شود، قابل تحسین است؛
✓ نباید فضای رقابتی کاذب ایجاد شود. به گروه‌های برتر، به چشم دیگری نگاه کردن، به نوعی بی‌احترامی به تلاش دیگر گروه‌های درس پژوهی است؛
✓ درس پژوهی یک کار فوق‌برنامه و زمان‌بر است. معلمانی که در این حیطه فعالیت می‌کنند، نباید کارشان سبک دیده شود. همین که فرایند کار را به‌طور اصولی انجام دهند، کفایت می‌کند.



اخلاق، روح درس پژوهی

محمدرضا حشمتی

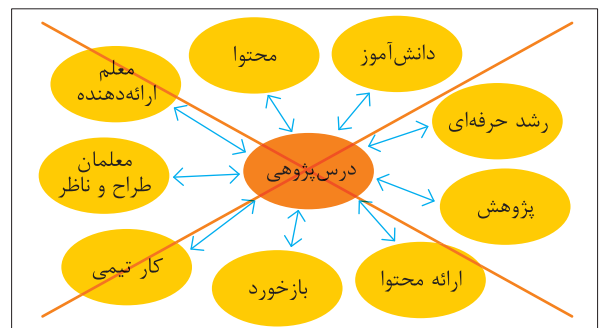
آقای دکتر یوشی کیا شیباتا، استاد دانشگاه ناگويا، در دانشکده تحصیلات تکمیلی و توسعه انسانی مشغول فعالیت است. زمینه‌های پژوهشی ایشان شامل مطالعه فرایندهای کلاس درس و تجزیه و تحلیل درس است. از ایشان مقالات متعددی در زمینه «درس پژوهی»^۱ و «درس کاوی»^۲ در مجلات بین‌المللی منتشر شده است.

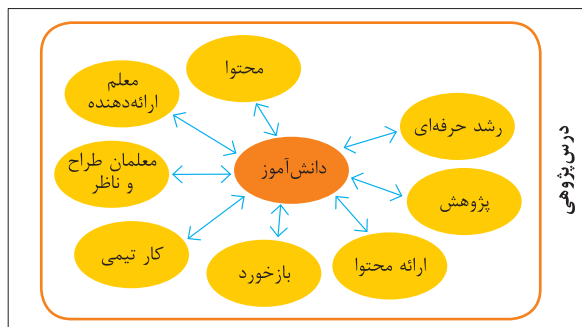
همه ما قصه فیل مولانا را خوانده یا شنیده‌ایم. درس پژوهی نیز در کشور ما مثل «فیل» شده است. هر یک از ما از ظن خود بار درس پژوهی شده‌ایم و گاهی به حاشیه بیش از متن توجه کرده‌ایم. دوم خرداد ماه سال ۹۷، در نشست با دکتر شیباتا، دکتر سرکار آرانی و دکتر ذکی‌پور، درباره «درس پژوهی» به گفت‌وگو نشستیم.



مؤلفه‌هایی را که شما برشمردید، نباید جدا از هم، بلکه باید همه را مجموعه و شبکه‌ای متعامل در نظر بگیریم. وقتی شما یک مؤلفه را در نظر می‌گیرید، مثلاً اگر معلمی خوب است، این بچه هم خوب می‌شود و یا اگر متن درسی خوب باشد، پس این بچه هم خوب می‌شود و یا اگر این مدرسه خوب است، این بچه هم خوب می‌شود. در حالی که لزوماً چنین نیست که اگر معلم خوب باشد، حتماً بچه هم موفق شود و یا اگر متن درسی یا مدرسه خوب باشد، بچه هم موفق شود. بلکه باید این شبکه را مجموعه روابطی در نظر بگیریم که بین دانش‌آموز، معلم، مدرسه و متن درسی برقرار می‌شود. شاید روش مدرسه‌ای برای رشد یک بچه اثربخش باشد، اما برای برادر او اثربخشی مشابه را نداشته باشد! این طور بگوییم که نه درس پژوهی، بلکه دانش‌آموز در مرکز قرار دارد و بقیه موارد اعم از معلم، نوع درس، کتاب درسی و فضای آموزشی در اطراف او هستند. در واقع، همه به دانش‌آموز لینک می‌شوند. و درس پژوهی یک شیوه است. مدل درس پژوهی، با وجود اینکه دانش‌آموز در مرکز قرار می‌گیرد، همین دانش‌آموز پیرامون خودش شبکه کاملاً منسجمی درست می‌کند از معلم و موارد دیگری که در خدمت او خواهند بود. یعنی رابطه‌ای کاملاً مشترک و تعاملی بین همه مؤلفه‌ها برقرار می‌شود.

ما در درس پژوهی مؤلفه‌های متنوعی را می‌بینیم که باید به آن‌ها توجه کنیم. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: دانش‌آموز، محتوا، معلم ارائه‌دهنده، معلمان طراح و ناظر، چگونگی انجام کار تیمی، بازخورد سایر معلمان بعد از ارائه کلاسی معلم، چگونگی تولید و ارائه محتوا، مشارکت، پژوهش و رشد حرفه‌ای معلم. آیا اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها کار درستی است یا این‌ها به شکل شبکه‌ای هستند و مجموعه‌شان درس پژوهی را ایجاد می‌کنند؟ می‌توانیم بگوییم همه این‌ها در خدمت رشد حرفه‌ای معلم یا رشد تحصیلی دانش‌آموزند و یا در خدمت تولید غنی‌تر محتوا؟





دانش آموز هم می‌تواند مهارت پیدا کند و رشد کند. در ضمن، در این شیوه، معلم یا معلمان نباید تنها به گروهی از دانش‌آموزان (مثلاً فعال) توجه کنند، بلکه باید با تک‌تک بچه‌ها ارتباط داشته باشند و برای تک‌تک آن‌ها بررسی‌ها آموزش‌های لازم را انجام دهند. این رفتار یک کار اخلاقی است. به عبارت دیگر، درس‌پژوهی به اخلاق حرفه‌ای تبدیل می‌شود.

■ **در کشورهای دیگر چه آسیب‌هایی به بحث درس‌پژوهی حس می‌کنید؟ آیا آن‌ها نیز با این مسائل برخورد کرده‌اند؟ به عبارت دیگر، این مسئله تا چه حد به فرهنگ وابسته است؟**

بیشترین مشکل یا بیشترین مسئله‌ای که می‌توانم به کل دنیا تعمیم بدهم، ارتقای سطح معلمان است. کاری را که معلمان انجام می‌دهند، مثل بالا رفتن از کوه در نظر بگیرید. معلم به واسطه مهارت‌هایی که می‌آموزد، باید از این کوه بالا برود. هر چقدر بالاتر برود، مشتقت بیشتری هم می‌کشد و همان اندازه هم بر مهارت‌هایش افزوده می‌شود. این احتمال هست که معلم مانند کوهنورد خسته شود، جا بزند یا بخواهد از کوه پایین بیاید و از صعود منصرف شود. بنابراین، سختی جان‌فرسایی است که معلم در این راه متحمل می‌شود، ما را نگران می‌کند که مبادا منصرف شود و بخواهد مثل آن کوهنورد خسته، از صعود منصرف شود. البته حمایت جامعه و نظام سیاسی و اجتماعی هم خیلی تأثیرگذار است. یعنی میزان حمایتی که نظام سیاسی و جوامع محلی مرتبط با مدرسه، از لحاظ معیشت، درآمد و موقعیت حرفه‌ای، بودجه تخصیص یافته و امنیت اقتصادی معلم نشان می‌دهند، مهم است. معلم به خودی خود دوست ندارد با کیفیت بد آموزش دهد، ولی هر چه حمایت و پشتیبانی سیستم کمتر باشد، به همان اندازه کارایی او هم کاهش پیدا می‌کند و برعکس.

■ **به اخلاق حرفه‌ای هم اشاره کردید. منظور شما از اخلاق حرفه‌ای چیست؟**

اخلاق یا وجدان چیزی است که در همه ما وجود دارد. در حوزه معلمی، معلم باید دقت کند گوهر و زیرساخت درس‌پژوهی اخلاق است. اخلاق در اینجا یعنی معلم متعهد می‌شود به تک‌تک دانش‌آموزان رسیدگی کند. در این راه، همکاران درس‌پژوهی وظیفه دارند موارد اخلاقی عمل نکردن معلم را برای او نمایان کنند. آنچه در درس‌پژوهی انجام می‌شود، صرفاً یک کار تکنیکی نیست. در مثال کوهنوردی، جایی که کوهنورد خسته می‌شود، رویکرد اخلاقی به او انرژی می‌دهد تا راه را طی کند. این نکته ظریفی است، به ویژه در حرفه معلمی.

درس‌پژوهی مثل فرش ایرانی است. رشته‌ها و ریشه‌های متعامل و در هم تنیده پشت فرش شواهد عینی بیشتری از فرایندهای تولید و میزان کیفیت فرش ارائه می‌دهند. این را همیشه دکتر سرکار آرائی به ما یادآوری می‌کند!

✱ پی‌نوشت‌ها

1. lesson study
2. lesson Analyze

■ **درباره درس‌پژوهی در ایران یک بدفهمی وجود دارد. بعضی‌ها می‌گویند درس‌پژوهی یک پژوهش است و جنبه پژوهش آن را پررنگ می‌کنند. بعضی می‌گویند مشارکت است و بعضی‌ها هم تولید محتوای غنی را در نظر می‌گیرند. متأسفانه، الان به شکل‌هایی بحث فیلم‌برداری کردن از کلاس درس برای نشان دادن آن به مسئولان ستادی و غیره هم مطرح شده است!**

به نظر شما در درس‌پژوهی چه کارهایی انجام بدهیم و چه کارهایی انجام ندهیم؟

در درس‌پژوهی فقط به نتیجه نگاه نکنید. نگاه کردن صرف به نتیجه اثربخشی کمی دارد لازم است به‌طور مستمر به فرایندها نگاه کنید. اگر می‌خواهید یک ایده درست باشد، باید فرایند و نتیجه را توأم و با هم در نظر بگیرید. نگاه کردن صرف به نتیجه، کار کم‌اثری است و دوام ندارد.

در ضمن ما نباید بگوییم تنها یک مدل نتیجه‌بخش است و اگر یک مدل را برای جایی به کار می‌بریم، باید آن را برای دانش‌آموز دیگر و در جای دیگر هم استفاده کنیم. فقط نباید روی یک مدل یا نحوه آموزشی تأکید کرد، بلکه الگوها و مدل‌های ما باید سیال باشند. مشکلی که الان نه‌تنها ایران، بلکه بیشتر کشورها را فرا گرفته، نگاه صرفاً علمی است. نگاه علمی همه چیز را بخش‌بندی، تکه‌تکه و خرد و کوچک می‌کند؛ از جمله نقش معلم را. این نگاه به‌نظر من اثربخشی کمی دارد. چیزی که به خصوص در درس‌پژوهی اهمیت دارد، این است که ما همه این فرایندها و مؤلفه‌ها را در مجموعه‌ای با اتصال و تعامل کامل قرار دهیم. بنابراین، برخلاف نگاه علمی که غالباً به نتیجه نگاه می‌کند، ما باید به فرایند توجه کنیم و به روندی که دارد شکل می‌گیرد، چون این روند است که مجموعه روابط را نشان می‌دهد.

■ **آیا شما موافق هستید که در درس‌پژوهی رشد حرفه‌ای معلمان مهم است؟ یعنی معلمان باید به واسطه انجام درس‌پژوهی (نوشتن طرح درس مشارکتی، ارائه درس با حضور همکاران مشاهده‌گر و ارائه بازخورد همکاران پس از اجرا) یاد بگیرند و توانمندتر شوند؟**

بله. اما هدف از شیوه تدریس درس‌پژوهی، رشد دانش‌آموز است. هر چند، که هر چقدر مهارت معلم ارتقا پیدا کند، به همان اندازه

با دوربین



فرزاد آریان نژاد

تهران

دهمین دوره جشنواره عکس رشد



عزیزاله پورمحمدیان

یزد

دهمین دوره جشنواره عکس رشد



عباس عاشوری

گیلان / رشت

دهمین دوره جشنواره عکس رشد



فرشته اصلاحی

البرز / کرج

دهمین دوره جشنواره عکس رشد

علیه السلام

عسیح

[کودک] گفت: منم بنده خدا؛ به
من کتاب داده و مرا پیامبر قرار
داده است و هر جا که باشم مرا با
برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و
زکات سفارش کرده است.

آیه‌های ۳۰ و ۳۱، سورهٔ مریم